



کاوگران، زحمتکشان،
خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین
۲۲ بهمن را زیر پرچم

سرخ کمونیستها هر چه باشکوهتر برگزار کنیم

ره نمود به رفقای هوادار در باره برگزاری سالگرد قیام ۲۲ بهمن

برای برگزاری هر چه باشکوهتر
سالگرد قیام تاریخی طبقهای
قهرمان ایران لازم است رفقای
هوادار، نهکات رهنمود کنند:
قبل از هر چیزی حرکت از این
درک که قیام ۲۲ بهمن،
منطبق به طبقه کارگر و خلقهای
قهرمان ایران است و نه جاجای
حاکم و روبرو نیست با و دیگر مرتجعین
رفقای هوادار را بدینا نام نوا در
جهت برگزاری این روز تاریخی خود
را آماده نما بند، آنها با بدنتان
دهد و اسان اید را در دسترس شکل
ممکن بدون طبقه کارگر و رنجگاران
سرنسند که فذل کما نسی حقیقت
ششم در صفحه ۱۴

سندی دیگر از خرید قطعات یدکی از آمریکا

صفحه ۱۵



کارگران و زحمتکشان قهرمان با ادامه مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی علیه سرکوبگران انقلاب پرچم مبارزات انقلابی را برافراشته نگه داشته اند.

انقلاب خلق السالوادور، شکستی دیگر برای امپریالیسم آمریکا دوم

صفحه ۲۱

مصاحبه "مجاهد" با قاسملو: ضریه‌ای بر جنبش انقلابی

صفحه ۲۵

سرمقاله

قیام بهمن و ضرورت هجری پروانتری

هم اکنون دو سال از قیام
خونین خلقهای قهرمان ایران
میگذرد، قیامی که جانما به ما لبان
در از مبارزه علیه امپریالیسم و
رژیم بنفوری پیلوی و علیه نفروستی
بود که در این مدت از سوی مرتجعین
و استعمارگران داخلی و خارجی بر
خلقهای ستمدیده ما تحمیل گشته
بود، عوامل اقتصادی، سیاسی و
اجتماعی ای که منجر به قیام
قهرمانان بهمن ۵۷ گردید از جمله
این سخن بیرون است و باید در جای
دیگری بدان پرداخته شود. آنچه که
راینجا مورد نظر ما است نگرانی
شاید یکی از آموزشها و درسهای این
قیام و با اعتقاد ما گرانها ترس
آنت است. این آموزش و این درس -
آموزی که البته هیچ وجه مالسه
ناره و تجربه نادر نیست و بسه
بغین میتوان گفت عماره و چکند
تمامی انقلابات بیروز و غیر بیروز
در عمارت امپریالیسم در آن نهفته
است، عمارت است از ضرورت
قطعی رهبری پروانتری در انقلابات
دمکراتیک در عمارت امپریالیسم،
ضرورتی که بدون تا من آن کوچک
- ترس یعنی از بیرونی انقلاب
به مفهوم واقعی آن نمی تواند در
مان باشد.

ششم در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

ضرورت فوق هما نظور که میدانیم ناشی از خصلت تاریخی ارتجاعی بورژوازی در عصر امپریالیسم و عدم ظرفیت و پتانسیل این طبقه در انجام انقلاب دموکراتیک در این عصر است، آغاز دوران امپریالیسم و گنبدیدگی سرمایه، به معنی پایان دوران انقلابات بسوزوزا - دموکراتیک طراز زکهن و به عبارت دیگر پایان رهبری بورژوازی بر این انقلابات و به معنی آغاز دوران انقلابات دموکراتیک طراز نویسن یعنی آغاز دورانی است که امر رهبری پرولتاریا بر این انقلابات، به عنوان امری ضروری و مسلم مطرح میشود. از اینرو انقلاب دموکراتیک در کشورهای وابسته به امپریالیسم، به عنوان جزئی از انقلاب اجتماعی به مفهوم علمی کلمه و مرحله ابتدائی و مقدماتی انقلاب سوسیالیستی در این کشورها و در همین رابطه به عنوان جزئی از انقلاب پرولتاریائی جهانی محسوب میگردد. ضرورت رهبری پرولتاریا و حزب او در انقلابات دموکراتیک بخاطر تحقق پیروزی آنها است، اگر در کشورهای نیمه مستعمره - نیمه فئودال بر اساس اصل فوق امری ناگزیر و قطعی است، این ضرورت در مورد انقلابات دموکراتیک جوامعی چون ایران که دارای ساخت اقتصادی - اجتماعی سرمایه داری وابسته است و در آن بورژوازی در کلیت خود اعم از کمپرادور و لیبرال، ارتجاعی بوده و در کمپ ضد انقلاب قرار دارد، به مراتب قطعیت و حتمیت بیشتری پیدا میکند.

در قیام بهمن ۵۲، علیرغم تمامی دلایر و جانبا زبیهای خلق و علیرغم آنکه با راضی انقلاب بردوش کارگران و زحمتکشان قرار داشت و آنها با اعتمادات، نظایرات و قیام مسلحانه و شکوهمند خود نتوانستند، رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون نمایند، معیذاً به خاطر نبود صف مستقل پرولتاریا و تشکیلات رزمنده آن (حزب کمونیست)، این قیام نتوانست به حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان و بنا بودی سیستم سرمایه داری وابسته و سلطه و نفوذ امپریالیسم بر ایران منجر گردد. ضعف پرولتاریا و عقب ماندگی نیروهای کمونیستی و متقابلاً نفوذ گسترده خرده بورژوازی مرفه سنتی و رهبری آن در میان توده ها موجب گردید تا خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی لیبرال در کنار یکدیگر بر مواج جنبش توده ها سوار شده و آنرا از مسیر خود منحرف سازند و درست در شرایطی که توده ها خواستار نابودی ماشین دولتی و ارتش، این ارکان اصلی سرکوب امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه خا شن بودند، از درسا زش با امپریالیستها درآمده و با ممانعت از مسلح شدن توده ها و جلوگیری از نابودی ارتش و دیگر ارکانهای اداری رژیم شاه اوج خانت خود را به توده ها و

قیام قهرمانان آنها نشان دادند.

ضعف پرولتاریا و نبود صف مستقل آن موجب گردید تا بورژوازی لیبرال با حمایت همه جانبه خرده بورژوازی مرفه سنتی به قدرت خزیده و همراه با یکدیگر قدرت سیاسی را قیمة کنند و به این ترتیب راه را برای ادامه سلطه و نفوذ امپریالیسم و پاسداری و حفظ سیستم سرمایه داری وابسته هموار نمایند. نبود این صف مستقل و عدم حاکمیت پرولتاریا و زحمتکشان موجب گردید تا میلیونها نفر از توده های زحمتکشان ما از دست یافتن به اساسی ترین خواسته های خود محروم مانده و همچنان در اسارت صاحبان سرمایه و استثمارگران و در فلاکت و بدبختی روزافزون خود باقی بمانند.

اکنون در ارتباط با مسائل و ملاحظات فوق الذکر در ادامه توضیح این اصل اساسی که بدون رهبری پرولتاریا بر انقلاب دموکراتیک، نمیتواند کوچکترین سخنی از پیروزی انقلاب به مفهوم واقعی آن در میان ما باشد، با یکدیگر میگردانیم. انقلاب مسلح شدن ما به ایدئولوژی فخرنمون ما رگسیم و تشکیلات پولادین آن یعنی حزب کمونیست است. حزب کمونیست بزرگترین و برنده ترین سلاح پرولتاریا در مبارزه سرنوشت - ساز او علیه سرمایه داری و دیگر مرتجعین است و به قول رفیق لنین: "پرولتاریا در مبارزه برای حاکمیت بجز زمان، سلاح دیگری ندارد" و طبیعی است تا زمانی که پرولتاریا از داشتن چنین سلاحی محروم است، هیچ وظیفه ای اساسی تر از تامین این سلاح در برابر وی قرار ندارد.

جوهر اصلی آموزش و درس آموزی از قیام که در بالا از آن سخن گفتیم نیز در همین نکته یعنی در مسلح ساختن پرولتاریا به تشکیلات و گردان رزمنده اش حزب کمونیست ایران، خلاصه میشود و این وظیفه ای است که بردوش تمامی کمونیستهای راستین ایران سنگینی میکند، وظیفه ای که پاسخگویی به آن با توجه به افزایش روزافزون آگاهی توده ها و فزونی بخش توده آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد مبارزه طبقاتی اهمیتیت صجدندان میابد. هم اکنون پس از گذشت دوسال از قیام خونین ۲۲ بهمن، در شرایطی قرار داریم که ویژگی آنرا وجود بحران شدید اقتصادی و فقر و فلاکت توده ها تشدید روزافزون مبارزه طبقاتی، وجود بحران در بالا و ناتوانی هیئت حاکمه در تثبیت قدرت سیاسی و سرکوب متمرکز جنبش توده ای، مطرح شدن آلترناتیوهای ارتجاعی، دموکراتیک - پیکیر و کمونیستی در سطح جامعه و فرو ریختن روزافزون توهمن توده ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و افزایش آگاهی توده ها نسبت به سمت آلترناتیو - های انقلابی... تشکیل میدهد.

امروز توده ها با ناباوری و عدم اطمینان از رژیم جمهوری اسلامی و زعمده و وعده هایش، با

جنبشهای باز، نظاره کرد دقیق حرکات، برنا مه ها و اقدامات تجریانات مختلف سیاسی و از جمله کمونیستها هستند. آنها در صحنه سیاست و در هر کجا حضور دارند، از مشکلات خود را توانی رژیم و موضع گیری نیروهای سیاسی سخن میگویند، آنها در همان زمان که از خود و طبقه خویش، از جنگ، از گران، از زکروگانها و دهها مسئله دیگر حرف میزنند، در عین حال تشنه آگاهی اند و در جستجوی آن چیزی هستند که با تکوان فداکارانها و جانبازانهای عظیم آنها بار دیگر پشتوانه قدرت سیاسی بورژوازی و دیگر نیروهای ضد انقلابی آن - گونه که در قیام ۲۲ بهمن صورت گرفت، قرار بگیرد در چنین شرایطی کمونیستها وظیفه دارند که در میان توده ها و بویژه طبقه کارگر حضور فعال داشته باشند، در باره مسائل جاری جامعه با آنها سخن بگویند، بحران اقتصادی و علت فقر و فلاکت شان را برای آنها توضیح دهند، دشمن واقعی شان را به آنها بشناسانند. کارنامه سیاه دوساله رژیم جمهوری را در زمینه های مختلف برای آنها بازگو کنند و مهمتر از همه، شرکت در مبارزه طبقاتی، در ارتقاء سطح مبارزه و سازماندهی توده ها، نقش پیشرو خود را ایفا کنند، در برابر آلترناتیوهای ارتجاعی و دموکراتیک نا پیگیر، برنا مه خود را به تفصیل ارائه دهند و برای آنها توضیح دهند که تنها راه پیروزی بر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی با سادار متافع آن، راه سرخ کمونیستها و ضرورت رهبری پرولتاریا بر انقلاب است.

اما واقعیت اینست که وظایف سترگ فوق، وظایفی نیستند که بتوان در شکل کنونی نیروهای کمونیستی بدانها پاسخ مساعدا داد. انجام این وظایف بصورت حتی محدود آن، نیازمند تمرکز، انسجام و وحدت جنبش کمونیستی و در یک کلمه ایجا د حزب کمونیست است. با سخگوشی به وظایف فوق هر چند وظیفه یکا یک نیروها، کمونیستی بوده و هرگونه بی توجهی و برخورد منفعلی بدان انحرافی بس عظیم بشمار می رود، اما در صدمت ما این وظایف، دادن پاسخ مشخص به مسئله وحدت جنبش کمونیستی و فراهم ساختن ملزومات تشوریک و عملی ای است که

این وحدت نیازمند است. تا آنجا که به ملزومات تشوریک این وحدت مربوط میشود، ما به سهم خود و علیرغم تمامی ضعفها و نارسائیها، از ما هیا پیش کوشی را آغاز کردیم که نتایج آن در قطعه نامه های کنگره دوم ما زمان که میدادیم همین روزها در سطح جنبش انشا ریا به انعکاس یافته است. ما با دعوت از تمامی نیروهای جنبش کمونیستی جهت برخورد فعال با این قطعه نامه ها و دادن به مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های مختلف نقش خود را در تدوین تشوری انقلاب و در زدودن تشنت سیاسی - ایدئولوژیک و

بقیه در صفحه ۳۱

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دموکراتیک - ضد امپریالیستی
خلقهاست

جنبش کارگری



همدردی با خانواده‌های مصبیت دیده کارگران خرم‌آباد

بر اساس نوشته‌هایی که در ۵۹/۱۱/۹ در یک حادثه رانندگی ۱۵ تن از کارگران زحمتکش خرم‌آباد جان خود را از دست داده و عده‌ای دیگر نیز مجروح شده‌اند، اعلام عزای عمومی در خرم‌آباد پس از این حادثه، نشانه‌ای است که حتی دشمنان طبقه کارگر (که خود مسبب ستمهای هستند که برای این طبقه می‌رود) جرات ندارند که نقش این طبقه دور انسا ز رانان دیده بگیرند. ما ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده‌های این کارگران، رفقای هوادار در محل را به کوشش در راه رفع نیازمندیهای خانواده‌های مصیبت دیده‌فرا می‌خوانیم.

درود بر کارگران مبارز اتوبوسرانی اصفهان

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان از روز یکشنبه ۵ بهمن دست از کار کشیدند و به گفته خبرنگار رکبیا " با امضای طوماری خواستار برکناری مدیرعامل شرکت واحد اصفهان، تشکیل شورای واقعی کارگری، به کارگیری کارگران اخراجی و پرداخت پاداش ۶ ماهه خود شدند." عده‌ای از کارگران در گفتگوی خبرنگار رکبیا گفتند که علت واقعی اعتصاب ما نه خواستن پاداش است، نه عیدی بلکه بغاظر اعمال غیرانسانی شرکت واحد توهمین و تحقیر چندتن از کارگران به وسیله‌ی است. ما خواستار برکناری وی هستیم!

این کارگران مبارز به وعده آیت الله خادمی که گفته است به سرکار برگردند تا ظرف ۲۰ روز یکبارشان رسیدگی شود اعتنایی کرده‌اند و نه به تهدید استانی که خواسته است آنها را از قانون زمان جنگ بترساند. کارگران تا ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه هنوز به سرکار ننگشته و سرخواستهای حق طلبانه خود ایستادگی می‌کنند.

ما ضمن حمایت از این کارگران مبارز و درود به آنان تا کیدمی کنیم که رژیم جمهوری اسلامی که طرفدار سرمایه‌داران است هرگز نمی‌تواند جلوی رشد فزاینده مبارزان طبقه کارگر را بگیرد. مبارزه مستحکم طبقه کارگر اگر در پرتو ایدئولوژی این طبقه به پیش رود بدون شک پیروزی قطعی را نصیب خود خواهد ساخت.

کارگران کارخانه لیلاند موتورز، در مقابل توطئه اضافه کاری مدیریت

دوستان کارگر! کارگران کارخانه ما که زیر فشار رگرا نی و طی مواد اولیه زندگی خود کم‌تران خم شده‌است مدت‌هاست که با شکل مختلف دست به اعتراض زده‌اند و خواسته خود را برای جبران کمبود دستمزد بخصوص بشکل اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مطرح کرده‌اند. مدیریت کارخانه و شورای اسلامی که ما هیت فدکارگری خود را تا بحال بخوبی نشان داده‌اند قبلاً گفته بودند که با اجرای طبقه‌بندی مشاغل

خواسته کارگران را برآورده نخواهند کرد. حتی چند وقت قبل پرسشنامه طبقه‌بندی را هم به این کارگران پخش کرده بودند، ما روز دوشنبه ۵۹/۱۰/۲۹ متوجه شدیم که تمام اینکارها برای سردواندن ما بوده است چرا که در این روز مدیریت و شورای اسلامی کارخانه اعلان کردند که از این به بعد به منظور (ظواهر) کمک رساندن به کارگران هر روز به مدت دو ساعت و نیم اضافه کاری در نظر گرفته می‌شود. یعنی اینکه بعضی کارتا ساعت بقیه در صفحه ۲۹

اجتماع کارکنان جنگ زده شیراز مشیت محکمی بر دهان رژیم جمهوری اسلامی

ضمن تشریح علل دستگیری نمایندگان و معرفی دست اندرکاران توطئه دستگیری نمایندگان گفت: "از زمان دستگیری نمایندگان تا کنون ما اطلاع دقیقی از وضع و حال آنها نداریم. در حالیکه به اسرای عراقی اجازه می‌دهند از طریق رادیو به خانواده‌های خود پیام می‌فرستند، به خانواده‌های نمایندگان زندانی اجازه هیچگونه ملاقاتی نمی‌دهند."

این نماینده در ادامه سخنانش گفت ما از ابتدا بیش از این انتظار نداشته و ندا ریم، ولی آن کسانی که توطئه دستگیری همکارانمان را ریخته‌اند باید بدانند که ما با آنها دو یکبار چکی خود، آنان را و او را در خواهم ساخت همکارانمان را آزاد سازند و دولت این کار را با خفت و خواری انجام خواهد داد."

سخنان این نماینده با استقبال گرم و پرشور کارکنان روبرو گردید. در ادامه ضمن خواندن قطعنامه‌ای سه ماده‌ای که مورد تأیید کلیه کارکنان قرار گرفت، اعلام گردید مسئولیت هرگونه بی‌آمد در صنعت نفت در صورت عدم آزادی نمایندگان بقیه در صفحه ۲۹

بدنبال دستگیری (زبون) ۳ نفر از نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت در تهران توسط رژیم جمهوری اسلامی (۲ نماینده از ما و شهرویک نماینده از شیراز) بقیه نمایندگان شورای هماهنگی ما شهر، اصفهان، تهران و یک نماینده از طرف کارکنان جنگ زده ساکن اراک در میتننگی که در ۵۹/۱۰/۲۴ بمنظور تصمیم‌گیری در مورد نمایندگان زندانی، در شیراز تشکیل شده بود شرکت کردند.

نمایندگان شهرهای مختلف در مورد علت تشکیل میتننگ، ضرورت تشکیل اجتماعات مستمر، افشای برخورد های فدکارگری استنادار شیراز و افشای ممانعتی که سرسرخانواده کارکنان جنگ زده در تهران و... آورده‌اند، سخن گفتند. آخرین سخنران نماینده شورای هماهنگی تهران بود که قاطعانه سیاستهای فدکارگری رژیم و مقدمات شرکت نفت را افشا نمود. این نماینده فاش کرد که چگونه برق و سوخت را به روی خانواده کارکنان جنگ زده قطع کرده و یکبار رنیزمی - خواستند یکی از کارکنان را با خنجر از پای در آورند.

همین نماینده در قسمتی دیگر از سخنانش

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دریپهای جنبش کارگری



ولی بطور کلی با بدگفت که درگان نون بجز تعداد معدودی از نما بندگان مبارز، بقیه دارای نفوذ کمی در کارخانه‌های خود بودند و هنگامیکه در پیشبرد اهداف کار نون با مقاومت عنا مرشد کارگر مواجه میشدند، غالباً دست به عقب نشینی میزدند. نما بندگان مبارز هم دید روشنی نسبت به ضرورت شکل کارگران و پیشبرد امر مبارزه طبقاتی نداشتند، بنا بر این نما بندگان به تنهایی به هیچوجه قادر به ارتباط گیری با توده کارگران و جذب آنان به کار نون نبودند.

از طرف دیگر چون توده‌های وسیع کارگران عقب مانده میانی هنوز به درک ضرورت ایجاد اتحادیه نرسیده بودند و تحت تاثیر تشکیلات زرد در زمان شاه نسبت به هر تشکیلی بدبین بودند، میتوان گفت که تشکیل کار نون عمدتاً نتیجه خواست و اراده نما بندگان آن بود کارگران از آنجا شیکه کار نون را در جریان مبارزات خود نمی دیدند و با عملکردهای آن هم آشنائی پیدا نمی کنند علیرغم آنکه طی یک دوره تبلیغات کار نون، با نامش آشنا میشوند، ولی مع ذلک آنرا جدا از خود میبینند.

بطور کلی سطح مبارزات جنبش کارگری چنان است که کارگران هنوز به ضرورت ایجاد صف مستقل خویش نرسیده اند علاوه بر لایه نازکی از کارگران که به لزوم وجود آ مدن تشکیلات عالیترا کارگری پی برده بودند و همواره خود را در مشکلات کار نون شریک میدیدند، در رابطه با کار نون ما به دودسته دیگر از کارگران نیز بر میخوریم:

الف - دسته اول، کارگرانی هستند که برای مبارزه متحدانه بر علیه کارفرمایان و برای آگاه شدن از مسائل صنفی و سیاسی در رابطه با وزارت کار، بیمه، سود ویژه، اما فیه کاری و غیره جذب کار نون میشوند. اما این کارگران غالباً به کار نون بعنوان یک ارگان دولتی مینگرستند و توهمشان نسبت به رژیم از یک طرف و روشن نکردن واقعیت امر (اینکه کار نون تنها از کارگران نیرو میگیرد) برای کارگران از جانب کار نون، از طرف دیگر موجب ادا مه وجود این دید غلط در میان نشان میشود. مثلاً برخی از کارگران با مراجعه به کار نون از کارفرمایان خود شکایت کرده و انتظار رسیدگی فوری داشتند یا اینکه فکر میکردند نما بندگان کار نون از دولت حقوق میگیرند، البته طرح پاره‌ای از مسائل از جانب کار نون، نظیر اینکه کار نون قبلاً در "کمیتا" م "بوده است، به این تصور کارگران دامین میزد. زمانی که این تصور فرو میریخت، این عده از کارگران نسبت به کار نون دچار بدبینی میشدند که پس "اینها از کجا حقوق می گیرند؟"

ب - دسته دوم، کارگرانی هستند که هم بیشترین بخش کارگران را تشکیل میدهند و هم از قشرهای عقب مانده طبقه میبا شدند و لذا نسبت به عملکردهای کار نون بی تفاوت بودند، که

نگاهی به نجارب یکساله و نوبهٔ کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۲)

تشکیلات کارگری فرا هم بوده و میبایست بیای ایجاد چنین تشکیلاتی رفت.

اما همانطور که گفتیم اتحادیه‌های منطقه ای نظیر کار نون شورا های شرق تهران، کار نون شورا های متحد، اتحادشورا های گیلان و غیره میبایست بعنوان پلی برای رسیدن به اتحادیه های رشته ای مورد استفاده قرار گیرند و با یاد از اینها بعنوان هسته های اولیه اتحادیه های رشته ای سود جست طبیعی است که در صورت حصول به این مقصود دیگر نیازی به اتحادیه های منطقه ای نخواهد بود. اما تا قبل از این موقع نمی بایست برخوردی انحلال طلبانه نسبت به اتحادیه های منطقه ای داشت.

کانون شوراهای شرق چگونه بوجود آمد؟

همانطور که گفتیم بعد از قیام مبارزات کارگران علیرغم افت نسبی همچنان استمرار میباید. مسئله ضرورت ایجاد اتحادیه های کارگری بخصوص در میان اقشار پیشرو میانی کارگران، طرح میگردد. تلاش همین بخش از کارگران باعث ایجاد اتحادیه های نظیر کار نون شورا های شرق میشود هسته اولیه این کار نون بوسیله نما بندگان کارخانجات فیلمپین، صنایع چوب، با بزر، برلیمد، هوست، حافظ و فرد دیگری تشکیل می شود که هنگام مراجعه به کمیته ما برای حل و فصل اختلافات خود با کارفرمایان، با یکدیگر آشنا میشوند و جلسات اولیه خود را در خانه کارگر (که آن زمان در دست کارگران بود)، برگزار میکنند و طرح اولیه ای برای تأسیس کار نون شوراها ترتیب میدهند.

در جریان انتخابات موقت که از نمایندگان حدود ۳۰ کارخانه بعمل آمد چند عنصر ضد کارگر در هیئت مدیره آن انتخاب شدند (از جمله رئیس هیئت مدیره) که پس از مدتی اغلبشان تصفیه شدند و کار نون به دست عنا صرمیا رزوعنا صرمی سندیکا لیست (که هر چه در سازمانهای کارگری زمان شاه شرکت داشته و نجارب سندیکا شمی داشتند، ولی بخاطر خصمیات رفرمیستی و نداشتن پتانسیل انقلابی، لنگان لنگان از پی سیاستهای کار نون روان بودند)، افتاد

شیوه اصولی در برخورد

به اتحادیه های منطقه ای چیست؟

گفتیم که تشکیلاتی نظیر کار نون شورا های شرق در واقع زمینه تلاشی خود را در درون خود دارند. از طرف دیگر با دیده این اتحادیه های منطقه ای بعنوان تشکیلات گذرا و در واقع به عنوان پله ای برای رسیدن به تشکیلات مناسب با وضعیت سرمایه داری و وضعیت جنبش، نگرست، میزان رشد و تمرکز سرمایه داری در ایران تا آن حد است که در عمده ترین بخشهای صنعت نظیر ماشین سازی و اتومبیل سازی، راه آهن و حمل و نقل، نفت، معادن و غیره، رشته های صنعتی بوجود آمده است. بنا بر این زمینه اتحادیه های کارگران در بخشهای صنعتی، به میزان زیادی از بین رفته است. مثلاً سختی میتوان گفت که بین تراشکارانی که در کارخانه ایران ناسیونال کار میکنند و تراشکارانی که در کارگاههای کوچک یا سایر کارخانجات کار میکنند، رشته اتحادیه مستقیمی وجود دارد. بنا بر این بطور کلی می توان گفت که خصیصه فعلی جنبش کارگری ما کارگردان شدن بسوی ایجاد اتحادیه های رشته های صنعتی است.

"حرکت به سمت ایجاد سندیکا های صنعتی نباید قدمهای لاکچریتی (نظیر رهبران رفرمیست که تنها تحت فشار ضرورت مطلق قدم به پیش میگذارند)، با شلیک به بدستاب انقلابی انجام میدید. با بدد رهبر فابریک و هر کارخانه ای علیه روحیه خرد کاری و صنفی گری مبارزه کرد. این تصویر انتزاعی و بریده از حیات نیست. مسئله بر سر انطباق ساخت تشکیلاتی سندیکا ها با ضرورت های مبارزات طبقه کارگر در عمده کتونی است." (برنامه عمل بین الملل سندیکا های سرخ)

امروزه اگر چه زمینه عینی تشکیل اتحادیه های بر حسب رشته صنعتی، هنوز در برخی موارد نظیر خیابا ها، کفاشها، خبازاها، آجر پزی ها و غیره بوجود نیامده است، ولی بطور کلی میتوان گفت شرایط عمومی زمینه ایجاد اینگونه

خلق ها و مسئله ملی



تشییح جنازه با شکوه رفیق شهید صادق بهمنی در "کوله ساره" و "طا"

ظهر روز ۱۸/۱۰/۵۹ بیکر بخون خفته رفیق شهید کاک صادق بهمنی (جمال) بردوش زحمتکشان و پیشمرگان انقلابی قرار گرفت و در معیت اهالی منطقه و پیشمرگان قهرمان کومله، بیکار و رزمندگان به قبرستان محل انتقال یافت و طی مراسم باشکوهی به خاک سپرده شد. مراسم که هر لحظه آن بیا نگر بیوند عمیق پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی بود، ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز مراسم یادبودی از طرف سازمان در مسجد آبادی برگزار شد. در این مراسم نماینده سازمان، ضمن سخنرانی حول زندگی و تاریخچه مبارزاتی رفیق شهید و قدردانی از زحمتکشان و پیشمرگان انقلابی، جنش مقاومت جهت تشدید و تعمیق مبارزات خلق کرد تا کید کرد. در قسمت بعدی مراسم، نماینده سازمان پیشمرگان کومله و رزمندگان ضمن سخنرانی از یاد دیرافتخار کاک صادق تجلیل کردند. آنها نیز در آبادی "طا" به محض بازگشت پیشمرگان از "کوله ساره" مردم زحمتکش آبادی جمع شده و با تشریف اوان در مراسم یادبود رفیق صادق شرکت کردند. طی این مراسم رفیق پیشمرگه ای که در طول درگیری، همراه رفیق زخمی شده بود در مورد درگیری درگیری و جان - بازی و قهرمانیهای رفیق صادق صحبت کرد. روز بعد نیز در نماز جمعه نماینده پیشمرگان سازمان در مسجد سخنرانی کرده و ضمن گرامی داشت با در رفیق، اوضاع سیاسی کشور و کردستان و وظایف انقلابیون و زحمتکشان را برای اهالی "طا" تجزیه و تحلیل نمود.

درود بر رفیق شهید کاک صادق بهمنی و تمامی شهدای راه آزادی خلقهای ایران

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی پیکار و کومله در "کوله ساره"

در این روز بیکار ستون ارتشی شامل ۵ تانک و نفربر، چند خودرو، یک سیمرغ حامل کالیبر ۵۰ و در حدود ۱۰۰۰ جاش و پاسدار با تدارک وسیع از چند طرف به روستاهای "کوله ساره" و "ماسان" حمله کردند. نیروهای فذخلق در این دوروستا با مقاومت قهرمانانه پیشمرگان انقلابی کومله و بیکار روبرو شدند. درگیری از ساعت ۱۰ صبح آغاز گردید. بعد از چند ساعت نبرد، پیشمرگان انقلابی بخاطر جلوگیری از کشتار اهالی بی دفاع آبادی دست به عقب نشینی تاکتیکی زده و به ارتش با لائرتفتند و مجدداً نیروهای دشمن را زیر آتش بی امان خود قرار دادند. در

یاد پیکارگر شهید، پیشمرگه قهرمان، رفیق صادق بهمنی (جمال) گرامی باد!



مرده ای تو؟ نه، نه!
زنده ای تو به ابد
کی تو را خلق فراموش کند؟
تو همچنان پنجه فکندی با مرگ
و تمام تن تو آتش بی پایان بود
بلشویک و ارباب بد جنگید
بلشویک و ارباب بد جنگید
چند کدند دل چون آتش ما آتش تیر!

دلبران کردستان! رزم آوران خلق کسرد!
بیکرهای خونین همزمان ما پرچم سرخ مقاومت
ماست همچون رودخانه ها ایستادن ما را همیشه
نیست. همچون کوهساران با برجا خواهیم ماند.
همچون دریاها طغیان خواهیم کرد، همچون
طوفان برستمگران خواهیم تاخت. ما فاتحان
قله های رفیع حماسه ها، ما از تبار آتش و خون
و مقاومت، ما از کاروان عاشقان رهائشی از
بندگی و بردگی، ما جوئیده ازل خلق قهرمان
کرده ایم، بیاید لاله ها را با خون خویش سیراب
سازیم، بیکار ما خونین، ما افتخار آفرین است.
پیشمرگه را توقف پرهیز از نبرد، ذلتی بیش
نیست. این پیام کاک صادق بهمنی بود، کاک
صادق برخون خویش غلطید، ما مگر پیشمرگه
می میرد؟
در سال ۱۳۳۹ در یک خانواد زحمتکش در
سنندج بدنیا آمد. بعد از اتمام کلاس دوم در استان
همراه با خانوادش به مرابون رفت و تحصیلاتش
را تا کلاس دوم نظری در آنجا ادامه داد. رفیق
صادق برای کمک به خانواد زحمتکشش در حین
تحصیل کار می کرد. بدین ترتیب از همان اوان
زندگی، با فقر و استعمار آشنا شد و اولین شکوفه
های آگاهی انقلابی و شورهای آزمون و استعمار
درو بود بر تلامذ و جوانه زد.
عشق به زحمتکشان، انگیزه برای رفتن او
به دانشسرای مقدما تی گردید و پس از اتمام
دانشسرا قدم در راهی گذاشت که انقلابیونسی
همچون صدآغاز کرده بودند، او در میان
زحمتکشان "آلان" (زادگاه کاک فواد) حین
تدریس برای فرزندان زحمتکشان آلان به آگاه

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



ضربات سنگین پیشمرگان کومله به یک ستون از نیروهای دشمن

۵۹/۱۰/۲۲ - یکدسته از پیشمرگان کومله (پل شهید جلال) در جاده سنج - کامیاران، در بین فرودگاه و پایگاه گزرنه یکمین دشمن نشستند، نزدیکهای ساعت ۴ دو خودرو حامل ارتشی و پاساژهای سبک و سنگین مورد حمله قرار دادند که در نتیجه هر دو وسیله نقلیه منهدم و عده ای از سرنشینان آن کشته و زخمی شدند.

پیشمرگان بهنگام عقب نشینی با یک ستون از نیروهای دشمن که بقصد تعقیب آنها حرکت کرده بود، درگیر شدند و آنها را از زیر بارانی از گلوله‌های سبک و سنگین خود گرفتند. درگیری دوساعت دیگر ادامه یافت و سرانجام نیروهای سرکوبگر رژیم با دادن تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی شدند.

در این نبرد چند خودرو منهدم گردید و بیش از ۵ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. در جریان درگیری ۲ تن از پیشمرگان زخم سطحی برداشت، این پیروزی موجب بالارفتن روحیه مردم و شور و هیجان آنان شده است و از نبردهای کم نظیری است که طی چند ماه اخیر در این منطقه بوقوع پیوسته است تا جاییکه دستگامه‌های تبلیغاتی رژیم مجبور شدند که به بخشی از شکست خود اعتراف نمایند.

(خبرنامه ۱۰۶ کومله)

همان‌چنین جاشا و پاساران وارد آب‌دهی‌های "کوله‌ساره" و "ماسان" شده و اهالی زحمتکش را مورد شدیدترین آزار و اذیتها قرار دادند و در این پنجره‌خانه‌ها را گلوله باران نمودند. در این نبرد ۶ ساعت پیشمرگان انقلابی با نیروهای ضد خلق، عده زیادی جاش و پاساژ کشته و زخمی شدند. که از ما ردفیق آن اطلاعاتی در دست نیست. با رسیدن پیشمرگان کمکی پیکار کومله و رزمندگان نیروهای ضد خلق عقب نشینی کردند مزدوران رژیم همچنین اموال اهالی زحمتکش را غارت کرده و چند دستگامه ضبط صوت و ۴ هزار تومان پول و یک جیب شهابی از اموال اهالی ماسان را با غارت بردند آنها همچنین وحشیانه داروهای متعلق به بهداری "کوله‌ساره" را غارت کردند و با این اعمال خود کینه و نفرت زحمتکشان را به رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی دوچندان کردند. لازم به توضیح است که پیشمرگان حزب با وجود اینکه در منطقه بودند در درگیری شرکت نکردند. همچنین در این درگیریها یکی از پیشمرگان انقلابی پیکار بنا ماکام صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و پیشمرگه انقلابی دیگری از پیکار زخمی شد. پیروز با دجنش مقاومت خلق کرد.

بقیه از صفحه ۵ یادیکارگر...
ارتشی به منطقه "کوله‌ساره" حمله کردند. رفیق صادق بعد از ۲ ساعت مقاومت دلیرانه و پس از زدن ضرباتی بردش در حالیکه همراه ۴ رفیق هم‌رزمش در محاصره تعداد زیادی از نیروهای دشمن افتاده بود قهرمانانه جنگید و در میدان نبرد گلوله‌های برق‌آتشین او که یک کمونیست بود و دلش همیشه برای زحمتکشان می تپید، نشست. رفیق صادق بهمنی (جمال) بشهادت رسید و شهیدی بر کاروان شهادی جنبش مقاومت خلق کرد افزوده گشت.

بعد از اتمام نبردنا بر اربع ساعت و فرار دشمن، اهالی زحمتکش آب‌دهی و پیشمرگان قهرمان به محل شهادت رفیق شتافتند و پیکار خونین او را همچون پرچمی سرخ بردوش گرفته و با چشمانی پر از اشک و دل‌های آکنده از کینه و نفرت به دشمن طبقاتی شان رهسپار آب‌دهی کوله‌ساره شدند.

یادش را گرامی داشته و راه سرخ و خونین اش را استوارتر از پیش ادا می‌خواهیم داد!



بقیه از صفحه ۲۲ بنی‌صدر...

امیربالیستهای جهان خوار غربی کردیدند؟ بنی صدر صحبت از "تغییر بنیادهای اجتماعی" میکند تا "دیگر در این کشور جایی برای مستکبر و مستضعف نماند" چگونه میشود با امیربالیستها و سرمایه‌داران خونخوار بود در عین حال مخالف "مستکبر"؟ چگونه میشود سرمایه‌داری را با تمام قواعد حفظ کرد و در عین حال طرفدار از زمین رفتن تضاد طبقاتی و آشتی‌ناپذیر میان سرمایه‌داران و توده‌های ستمدیده؟ نه! بنی صدر مانند حزبها عوامفریبی میکند و همه آنها دشمنان قسم خورده خلق ما هستند. مگر بنی صدر از زمانی که به ریاست جمهوری رسید غیر از وعده و وعید دیگر دیگری هم کرده است؟ چه کسی بود که به توده‌ها گفت با رفرمبانیکی وضع زحمتکشان خوب خواهد شد؟ چه کسی بود که به کارگران گفت اگر چلوخوشت نمی توانی خورد بخورید، نان و پیسی کولا بخورید؟ آری بنی - صدر هم عوامفریبی بیش نیست و امروز اگر این چنین صحبت میکند میخواهد حریف خود را در موضع ضعف بیا نندازد و خود در راس لیبرالها، سوار بر جنبش توده‌ها بشود و جنبش را با همه شکست بکشد. اما این با رجش انقلابی زیرگامهای سنگین خود بنی صدر، لیبرالها و حزبی‌ها را یکجا نا بودخواهد کرد.

بلکه پس از لغو دعوی آمریکا علیه ایران به حساب ایران و اریزخواه‌ها شد! بنا بر این فعلا هیچ چیز در دست ایران قرار نگرفته است.

می بینیم که تنها مورد دعای رژیم چگونه تو خالی از آب درمی آورد. بنوی که از این مرجعین راه به صدا درمی آورد. بنوی که از این رسوائی کلافه شده میگوید: "اینقدر هم، دیگر مثل کا سبها چرتکه نیندا زید که چقدر گرفتیم چقدر نگرفتیم". (هما جنا) چرا که برای مصالح دولت مکتبی و حزبها خوشایند نیست!

آری می بینیم که رژیم‌ها کم‌چگونه پول و ثروت این کشور را به امیربالیسم می بخشد، ولی مسئله اساسی تر اینست تا نشان دهیم که اولا تبلیغات رژیم دروغی بیش نیست و ثانیا رژیم به هیچوجه نمی تواند به مبارزه ضد امیربالیستی دست بزند. رویزیونیستهای خائن اشغال سفارت را "نمونه برجسته از اقدامات ضد امیربالیستی" رژیم حاکم قلمداد کرده و می‌کنند، اما امروز دیگر حقایق عیان گردیده است. رژیم ارتجاعی حاکم عوامفریبی و رویزیونیستی تو کرفت هیچکدام نمیتوانند این حقیقت را بیوشانند که بورژوازی حاکم بنا به ماهیت ضد انقلابی خود هرگز نمی تواند ضد امیربالیست باشد مگر برای سفارت‌گیری یعنی "انقلاب دوم" رژیم که امروز اینگونه خفت باره پایا ن میرسد گواه دیگری برای مدعاست.

بقیه از صفحه ۲۲ آزادی...

تعامی خواستهای ایران گردید، اما مفاد سازش‌نا مه ایران با آمریکا بوجی ایستاد تبلیغات را بر ملا نمود. نه تنها کمونیستها و انقلابیون عمق متعفن سازش را بر ملا کردند و نشان دادند که تنها مورد دعای رژیم مبتنی بر گرفتن ۸ میلیارد دلار نیز دروغی بیش نیست بلکه حتی آتقدراتش شور بود که امیربالیسم آمریکا و لیبرالها نیز با موضعگیریهای خود به واقعیت این دروغ اعتراف نمودند. در این زمینه کارتر چنین استقبال از جاسوسان در "ویسپان" آلمان گفت: "بوسپله ما، بین ۱۱ الی ۱۲ میلیارد دلار پول ایران پس از تصرف سفارت (سابق)، مسدود شده بوده است و حال آنکه دیروز به ایران کمترین ۸ میلیارد دلار پول خودشان را پس داده ایم" (تا کیدا زما ست) به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی از مجموعه طلب ایران از آمریکا و دارائی‌های شاه که به مبلغ ۲۴ میلیارد دلار میرسد "کمترین ۸ میلیارد دلار است بدست آورده است یعنی اگرچه رژیم حاکم از ادعای ۲۴ میلیارد دست برداشت و فقط ۸ میلیارد دلار تقاضا نمود، اما واقعیت این بود که از این مبلغ هم فقط ۲/۷ میلیارد دلار به ایران تعلق گرفت و ما بقی را شرکت‌های آمریکائی که پس از سفارت‌گیری "متضرر" شده بودند یعنی با جاسوسان کشیدند. نا گفته نماند که سهم ایران هم فعلا واریز نگشته

ترور و ربودن دانش آموزان انقلابی بدست مزدوران ارتجاع

ترور نیروهای انقلابی و عناصر فعال، بخش مهمی از سیاستهای سرکوب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد. چندهفته بعد از شهادت دانش آموزان انقلابی "مژگان اسدی" بدست فاشیستهای مزدور رژیم در خرم آباد، فالانژها به چند دبیرستان دخترانه حمله کرده و چند دختر دانش آموزان انقلابی را به زور با خود میبرند. و در روز چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱۱ نیز یکی از دبیرستان مجاهدت بنام "بهرام کردستانی" رجوی سال چهارم هنرستان در خیابان توسط عظیم مرادی (فالانژی که در سرکوبهای خرم آباد نقش فعالی دارد) با شلیک گلوله بشهادت میرسد در جریان تشییع جنازه شهید، فالانژها به مصف نش آموزان مبارز حمله میکنند که با شعار "مرگ برای ارتجاع" و "این سندجناپت آمریکا ست" پراکنده میشوند.

با شهادت انقلابی، مژگان اسدی و بهرام کردستانی این وارثان بحق "۱۳ آبان"ها و رزمندگان دلاور جنبش دانش آموزی را با ادامه راهشان گرامی بداریم!

یورش به خوابگاه دانشجویی و پشتیبانی توده ها از دانشجویان

روزیکنشبه ۲۹ دی با دیگر مزدوران ارتجاع اوباشان، فالانژها، پاسداران سرما به یکی از خوابگاههای دانشجویی (ساختمان شماره ۵ خوابگاه دختران خیابان ۱۶ آذر) با برنامهای قبلی یورش آوردند.

ابتداء دسته های از این مزدوران بالباس شخصی و در نقش حزب الهی ها وارد ساختمان شده و در آنجا زبشت بستند، آنان با وحشیگری به ضرب و شتم دختران دانشجو پرداختند و از هیچ عمل کثیفی ابا نکرده و خود سرنه به تک آنها قها هجوم آوردند.

مردم به محض اطلاع از یورش این مزدوران در سرا بر در خوابگاه جمع میشوند و پشت صدای اعتراضشان را بلند میکنند و بی زودی در خوابگاه را بزور گشودند و به کمک دختران دانشجویان و در درون ساختمان بین مردمودا دانشجویان انقلابی از یک سو و دسته های مزدور از سوی دیگر زد و خورد در گرفت، مردم تک تک فالانژها را بیرون میکشیدند و شروع به زدن آنها میکردند.



دربار این حرکت مردم عده ای که هواداران مجاهدین هم در میان نبوده، بیشنهادمی کردند آنها را به کمیته تحویل دهیم، لیکن مردم عادی اصرار میکردند که باید خودمان حساب آنها را ببریم.

در این وقت پاسداران سر رسیدند آنها ظاهر خود را از قضا بایی خیر نشان میدادند (پاسداران ستاد عملیاتی ناحیه ۶ - منطقه ۹ و منطقه ۱۰) تعدادی از مردم نا آگاه به خیال آنکه پاسداران در مقابل فالانژها خواهند ایستاد از آمدن آنان استقبال کردند، اما بزودی توهمن دسته شکست، پاسداران به درون ساختمان رفتند و شروع به همدستی با فالانژها کردند، این سرکوب - کران مبارزات انقلابی که در این مدت خوب درس سرکوب را آموخته اند با خونت به بیرون کردن دانشجویان از ساختمان مشغول شدند و وقتی که مردم متوجه جریان شدند، با خشم در مقابل پاسداران به مقاومت پرداختند، توده های که به چشم خود نقش مزدوران ارتجاع را میدیدند به روی ماشینهای کمیته ریختند و با سنگ لگدبه جان ماشینها افتادند، آنها فریاد میزدند که فالانژها را باید ما پس دهیم و خودمان آنها را تنبیه کنیم، اما پاسداران میکوشیدند هم - دستان خود را از چنگ مردمها کنند و فراری دهند، بیوزره مردم از نحوه برخورد ماشین پاسداران با دختران دانشجویان خشمگین بودند و زنی چادری فریاد میزد اگر این اسلام است من مسلمان نیستم، و مرد دیگری علیه اسرم شعار میداد، پاسداران خواستند این شخص را دستگیر کنند که با مقابله شدید مردم رو برود و ناچاراً او را آزاد کردند.

در این زمان از جلوی خوابگاه شعار مرگ بر چماق اوج گرفت. البته بیست - هواران مجاهدین میخواستند این شعار را بدهند و زادن شعاری مستقیم علیه پاسداران خودداری میکردند. دم بدمدا مناعتراض و سبقت میشد پاسداران مزورانه سعی میکردند با پراکندن دروغ و تهمت و افترا، توجه مردم را از خود دور کنند، آنها چماقها را روی دست گرفته میگفتند این چماقها

مال چپی هاست و آنان را برابر هر کسی که می - پرسیدند چه خبر شده، می گفتند پیکار ریه ها را میخواهیم دستگیر کنیم، لیکن این دروغگوئیها بیشتر مردم را به خشم میناورد. شعار مرگ - چماق، چماق قدر، چماق می سرما به دار - چوب، چماق، شکنجه، دیگر اثر ندارد، جمعیت را فرا گرفت. مردم از سکنی گزیدن دانشجویان در خوابگاه دفاع میکردند و میگفتند حق آنهاست که در اینجا زندگی کنند.

پاسداران دیگر قارند نبودند به حالت معمولی در برابر مردم ایستادند و پشت شروع به تیراندازی هوایی کردند. در این وقت ما از درون جمعیت فریاد زدیم مرگ برای ارتجاع که خیلی سریع این شعار میان توده ها رفت و همه - گیر شد. البته نیروهای کمونیست میکوشیدند جلوی شعارهای انحرافی را بگیرند و توده ها از شعارهایی که مستقیماً علیه ارتجاع بود پشتیبانی میکردند. البته فالانژها هم توی خیابان شعار میدادند که با واکسی دیروز، جنبش امروز،... و وقتی شعار مرگ برای ارتجاع پیچید آنها شعار دادند واکسی دیروز، پیکاری امروز!

اما چیزی که از همه جالب تر بود برخورد مردم نسبت به اکثریتی ها بود اکثریتی ها همه - جا میکوشیدند که جلوی مبارزه توده ها را بگیرند آنان از اینکه مردم علیه ارتجاع شعار میدهند سخت برآشفته و هراسان بودند، با همه نیرو اینجا و آنجا سرک میکشیدند و التماس میکردند که این شعار را ندهیم، و در برابر سعی میکردند شعار مرگ بر آمریکا را اوج دهند و مشخص بود که چگونه با این شعار سعی میکردند توجه مردم را از مبارزه علیه ارتجاع و امبریا لیس معرفی کنند اما مردم پاسخ دندان شکنی به اکثریتی ها می - دادند، آنها میگفتند مگر این ارتجاع نیست که دست به حمله زده است؟

ایادی رژیم به علت آنکه نتوانستند در حمله به خوابگاه دختران دانشجویان از پیش ببرند با ردیگر روز سوم بهمن خوابگاه دانشجویان را مورد حمله مجدد قرار دادند که با ردیگری مقاومت توده ها رو برودند.

پوزش:

گزارشی داشتیم از مبارزات دانش آموزان انقلابی دبیرستان "اقتصاد" در سراوان (بلوچستان) بنقل از نشر دبلوچ نشریه تشکیلات بلوچستان سازمان، و نیز گزارشی از مبارزات دبیرستان دخترانه ولی الله نصر (شهران). متاسفیم که به خاطر کمبود جا امکان استفاده از آنها را نتوانستیم. با درود به رفقای کمونیست و انقلابی در جنبش دانشجویی و دانش آموزی!

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

خاطره نبرد سیاهکل را گرامی میداریم

ده سال از نبرد قهرمانانه فرزندان انقلابی خلق در جنگلهای سیاهکل میگذرد در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ گروهی از فرزندان کمونیست خلق با ایمان به انقلاب سرخ تودهها جلوه‌ای از عشق و کینه طبقه‌ای را در برابر ارتش ناپدندان مملو شاه جلا بدینسان گذاردند. از دل این نبرد انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق متولد شد و با انقلابیونی چون رفقا احمدزاده، ناپیدل مفتاحی، حمید مومنی و... در بستر مبارزات خلق با گرفته و به تبلیغ قهر انقلابی در برابر قهر ضدانقلابی مزدوران امپریالیسم پرداخت. آن رفقای شهید با مرزبندی قاطع با رفرمیسم، با رلمانتاریسم و رویزیونیسم خروشچی و "تور-باغهای خروشچی" نظیر حزب خائن توده، به مبارزه انقلابی با رژیم و وابسته‌ها جلا داد و امپریالیسم برداشتند.

نبرد سیاهکل با سرکوب فاشیستی مزدوران رژیم شاه خائن و روبرو شدن انقلابیون جان برکف آن با استواری مرگ سرخ را پذیرا گشتند و لای خا طره‌ها به ما به جلوه‌ای از دموکراتیسم انقلابی در تاریخ مبارزات خلق ما باقی خواهد ماند.

مبارزه ضد رویزیونیستی رهروان انقلابی "سیاهکل"، از دستاوردهای جنبش نویسن کمونیستی بشمار میرود. دستاوردی که با طری غلبه خط مشی غیر پرولتری چه گوارا - رژی دبره بر مبارزه رفقا، نتوانست در کلیه سطوح تعمیم پیدا کند و به رشد ایده‌های پرولتری در جنبش کمونیستی کمک نماید.

آن رفقای انقلابی گرچه در پرتومشی غیر-پرولتری چریکی مبارزه میکردند اما با مرزبندی با رویزیونیسم مدرن و حزب توده ضرورت و لزوم انقلاب را تبلیغ کرده و با خط کشی قاطع با سازشکاری و رفرمیسم به تبلیغ مبارزه قهرآمیز انقلابی می پرداختند. آن رفیقان، رهروان صادق انقلاب بودند و امروزه مرتدان رویزیونیست "اکثریت" (فدائیان) هرگز نمیتوانند خود را ادا مدهنده راه خونین آنها جا بزنند. قلب آن رفقا در راه‌های زحمتکشان می طپید، آنسان رویزیونیست‌ها را دشمنان طبقه‌ای توده‌های زحمتکش می‌شمردند و با ارتجاع و امپریالیسم بمبارزه انقلابی می پرداختند، در حالیکه این مرتدان خیانکار زبده دیویزیونیستی - بورژوازی ارتجاعی می پرداخته و از زمره مجبورگویان سوسیال امپریالیسم رپروس گردیده‌اند.

تجلیل از نبرد سیاهکل و انقلابیون جان برکف - کف آن مانع از آن نیست که به انحراف رفقا از مشی پرولتری اشاره کنیم آن رفقای شهید با پذیرش و تبلیغ مشی غیر پرولتری چریکی و با برخورد مملو خلقی به جنبش انقلابی خلقهای

حاویدناد یاد دکتر تقی ارانی چهره درخشان جنبش کمونیستی

رفیق تقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ بدست دژخیمان رژیم استبدادی رضاشاه حلاله در سیاهکل زندان به شهادت رسید.

رفیق ارانی از جمله دانشجویان انقلابی که پس از تحمیل در اروپا با ارفغانی از آثار مارکسیستی و اندیشه‌های انقلابی به ایران بازگشت و به انتشار آثار او افکار مارکسیستی همت گماشت. دکتر ارانی در گروهی روشنفکری به فعالیت پرداخت. که به گروه ۵۳ نفر معروف شد. در این گروه افراد مختلفی از پایگاه طبقاتی متفاوت وجود داشتند و از برج اسکندری (آزهریان) خائن حزب توده در حال حاضر، عبدالصمد کا میبخ، بزرگ علوی، بزدی... تا کمونیست‌هایی چون ارانی را در خود جای داده بود. این گروه هرگز نتوانست از چارچوب فعالیت‌های فرهنگی و انتشار فرسنگ انقلابی و مارکسیستی خارج شود و مجموعه متفادی بود که نمیتوانست بسمت زحمتکشان و طبقه کارگر سمت گیری عملی نماید. دکتر ارانی با انتشار نشریه "دنیا" به افشاء دیکتاتوری رضاخانی و نشر اندیشه‌های انقلابی پرداخت ولی انتشار آن متوقف گردید و گروه ۵۳ نفر با سرکوب دژخیمان رضاخان قلدردار شدند. و همه اعضای آن دستگیر شدند. رژیم استبدادی رضاشاه جلا داد آن را زیر شکنجه برد. در مقابل با یامردی و استواری انقلابیونی چون رفیق ارانی که تا آخرین قطره خونش از آرمانهای والای طبقه کارگر دفاع کرده بودند بزدلانی چون عبدالصمد کا میبخ با رژیم همکاری کرده و از درخشان‌ترین درآمدند.

رفیق تقی ارانی در پیدا دگا ره‌ها خانی رژیم استبدادی حاکم را به محاکمه کشیده و بدفاع از عقاید انقلابی خود و آرمانهای زحمتکشان پرداخت. او بر علیه نظام حاکم ارتجاعی و قوانین آن با خاست و در پیدا دگا‌ها علام کرد: "فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده‌ها باشد." او با بیان اینکه جقدر برای یک جامعه نتگین است که طرفداری از زنجیران و حقیقت حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات دارد، ما هیت ارتجاعی رژیم و وابسته‌ها را افشا کرد و

ایران، بانفی کارآگاهرا نه‌سای در میان طبقه کارگر و رگرونی شکل بی‌شاهنگ طبقه کارگر (حزب کمونیست) و قدم بر نهادن در جهت ایجاد آن، طبقه کارگر را از پیشاهنگ انقلابی خود محروم ساختند و این سببش اثر منفی خود را در جنبش کارگری ما بجای گذاشت. در همین سالگشت نبرد سیاهکل با درویدهای کمونیستی به آن رفقای شهید، با دآن نبرد پر-شکوه را گرامی میداریم.



دفاع از خود را به دفاع از زحمتکشان رنجبران تبدیل کرد و تا پای جان بر عقاید ضد انقلابی اش پافشاری کرد. "حزب خائن توده" که برای کسب آبرو خون شهیدان را دستاویز مفاصدشوم خود مینماید به عبث میکوشد خود را ادا مدهنده راه‌ها را معرفی نماید. رویزیونیست‌های خائن حزب توده با نسبت دادن مجله "دنیا" به خود به ارانی نمیتوانند یک دنیا فاصله‌ای را که بین آن "دنیا" انقلابی ارانی و "دنیا" ارتجاعی کارگزاران سوسیال امپریالیسم رپروس وجود دارد محو نمایند. آنان نه رهروان راه رفیق ارانی بلکه ادا مدهندگان صف راه ابرج اسکندری‌ها و کامبخش‌های خائن هستند. این مرتجعین در تئوری و عمل با اندیشه و عمل ارانی شهید در تضاد آشتی ناپذیر بر سر می‌برند. برگ برگ آثار ارانی سخن از منافع آنی و آتی زحمتکشان میکوید و لحظه به لحظه حرف و عمل حزب خائن توده جز در دشمنی با طبقه کارگر، جز علیه کمونیست‌ها و جز بنفع ارتجاع و بورژوازی نیست این خائنین به عبث میکوشند تا با انتساب خود به اندیشه و عمل رفیق ارانی، کسب اعتباری برای خود بنمایند. توده‌ها این واقعیت را به چشم خود می‌بینند که از راه‌های ارانی تا راه حزب توده دریا نشی از خون انقلابیون فاصله است. از رفیق شهید دکتر تقی ارانی آثار ارزنده مارکسیستی از جمله "مجموعه مقالات فلسفی" و... بیاید کار ما نده است. در جهل و یکمین سالگردشهادت رفیق ارانی با دشراکرامی میداریم!



از
انتشارات
جدید
سازمان

دروود برپیکهای انقلاب، پیام آوران آگاهی و انقلاب



بغا طردا ریم، باها بی از زخم چرکین شده، تنهای سوخته و شلاقی که با زخم، قاصتهای افراشته و عزیزان انقلابیون را تکه - تکه میکرد، آه های مانیفست را از کجا آورده ای، آهای این اعلامیه های کمونیستی را چه کسی بتودا دما هها انفرادی، مدها ضربه شلاق، آ پولو، آویزان کردن و سپس ۱۰-۱۵ سال و با حبس ابد (اگر زیر شکنجه زنده می - ماندی) بغا طردا شتن اعلامیه با کتب سا زما نه ای کمونیست و انقلابی، سراجو مع طیفاتی چنین است، از السالوا دور تا کره جنوبی و از گواتمالا و آرژانتین تا پاکستان و تا بلند و افغانستان چند صد هزار انقلابی و کمونیست کشته شده اند، بزندان افتاده و شکنجه شده اند، آنهم بغا طر اعلامیه، بغا طر کاشتن بذرها ی سرخ انقلاب و اما هیچ افتخاری بالاتر از این کاشتن بسذر انقلاب نیست چون نسیمی وزیدن و بذرا انقلاب پاشاندن، چون ستاره سرخی شب را شکافتن و نور افشاندن، بیاد آوری و ریم بلشویکها شی را که ایسکرا را در میان توده ها بخش میکردند، لادوکتس خولی ها را که بغا طرا بین بخش کشته میشوند و هزاران بلشویکی که به سبیری، تبعید میشدند، بیاد آوری و ریم همه کمونیستها و انقلابیونی را که در راه افشاندن بذرا انقلاب در اندونزی، ویتنام و... بشهادت رسیدند، بیشک بخش اعلامیه و نشریه امری است بسیار بزرگ، بزرگتر بین آنا را انقلابی جهان اگر بمیان توده ها نروند، سیا هیهای روی کاغذ پیش نیستند، ما رکیسم - لنینیم، این ایدئولوژی رها شی بخش طبقه کارگر را بدین توده ها در هم آمیزد و رفقای بخش، یکی از پلهای بزرگ ارتباط این ایدئولوژی رها شی بخش و توده های میلیونی هستند.

توده ها و بخصوص کارگران، کشتاری هستند عظیم و سترگ و اعلامیه ها و نشریات ما، باران! بذرها شی هستند که با بذر در دل این کشتگاه عظیم و عزیز پرورده شوند و آنگاه جنگل سرسبز انقلاب بسر برخواهد افراشت، اعلامیه های ما و نشریاتمان، باران جرقه ها شی هستند که شعله های انقلاب را مشتعل میسازد، آری از همین نشریات ما، از همین آخگرها ست که حریق بر میخیزد، حریق انقلاب و طبقات استعمارگر را میسوزاند و خاکستر میکند، آری باران ما ویران کننده دنیای کهن هستیم، بیش از آنکه با اسلحه و با قهر، نظام پیوسیده که نه دراهم بشکنیم، سلاحمان، همین شب نامها ست سلاحی که همیشه و همه وقت که رسا زخا هد بود و شما باران! وای رفیق کارگری که با وجود آنکه ریز بونیست - ها با عوامل جاسوسان کارفرما می پائندت، با اینهمه کارخانها را از اعلامیه میکنی و انکار آتش را در لانه زنبور فرو کرده ای، دشمنان را میلر زانی و بتکا بووا میداری، وای رفیق دانش آموزی که در کیف مدرسه ات، نشریه انقلابی

ادامه دارد... اما اینهمه تنها نسیمی از حقیقت است. از سوی دیگر: صدای گامهای آهنین - انقلاب می آید. نسیم پرطنین انقلاب زبیدن گرفته است. سپیده دم انقلاب، "شب" را بسختی تهدید میکند و همایونک مشعلهای روشن آگاهی ستاره های سرخ انقلاب، "شب" را آنچنان فروزان کرده اند، که "شب" بخود میلرزد. آری باران! همه کمونیستها و انقلابیون در شب تیره حاکمیت ارتجاع، پیام آور شرف سرخ مصلحت دهنی "شب" با انقلابیون از همین روست یک اعلامیه، یک نشریه، یک بحث آگاهانه، مشعلی است که دل تیره "شب" را میبرد و نوید مصلحت پیروز حمتگان را سر میدهد "شب"، "رزمی خا شن شاه"، "جمهوری اسلامی، و هر رزم ارتجاعی دیگر انقلابیون را سخت دشمن میدارد و از پیمانشان به خلق بخود میلرزد و انقلابیون را با تیرباران شکنجه و زندان پاسخ میگوید. حرم انقلابیون این است: آگاه و مستنکر کردن توده ها و اعلان جنگ به امپریالیسم و ارتجاع!

ارتجاع و امپریالیسم از پاشیدن بسذر انقلاب در میان توده ها بدت جلوگیری میکنند این بذریست؟ همان اعلامیه ها شی است که زیر لباس خود مخفی میکنند و شبها هنگام مدرخانه های زحمتگان میافکنند، همان نشریات شی است که در خیابانها، در یک فرصت مناسب، علنی می - فروشند و در همان نشریات شی است که برای نوشتن سردیوار دستگیر میشوند، شلاق میخورند و زندان میکنند. زمان شاه را بخاطر آورییم: رفیق معمولاتی تنها بغا طرا شتن اعلامیه در زیر شکنجه کشته میشود و او تنها نیست، او نمونه تنبیک انقلابیونی است که بغا طرا شتن، اعلامیه و کتاب شکنجه شدند، اتاق حبسی حلال را

"این امر (بخش) اهمیت فوق العاده ای، هم برای نظراتها و هم برای قیام خواهد داشت. رساندن سریع و صحیح نشریات، اعلامیه ها و فراخوانها و غیره، اتخاذ تریبی تا این کار بدون اصطکاک انجام گیرد و شبکه ملی از ما موران برای این منظور ترتیب شود. این کار یعنی انجام بخش اعظم کار رتاری برای نظرات آتی ویا برای قیام... بهیچوجه نباید اجازه داد که این دستگاه بخش، غیرفعال بماند. باید کوشید که این دستگاه - تان در جهارک ملیت ساخته شود که بتوان در عرض یک شب تمامی جمعیت کارگری سنت بطرز - بورژوازی را با خیر ساخت و با سلاح بسیج کرد" (لنین - نامه به یک رفیق در مورد وظایف سازماندهی ما)

از یکسو: بیشک در شی تیره بر میبریم. سرما بیداران و طبقات مرفه به بدستی با امپریالیسم، با هجوم خویش را بر سر امپریالیستها بیخاسته خونین مان گسترانیده اند. رنج و زحمت بر شانه های سترگ کارگران و زحمتکشان بدت سنگینی میکند، غارت و استثمار رجسون جماعتی کارگران و زحمتکشان را میکوبد و رنجور تر میسازد. پاسخ خواهد بود - همچنانکه در رزم کارگران سیکارافشان، دورود، ما شهر و... دیدیم - تلک ملسهای آمریکا شعی با سداران ارتجاع را بدنیال دارد. از گیلان تا خوزستان و از آذربایجان تا بلوچستان و... هرگاه که زحمتکشان بیخاستند، در خونشان غلظتند، چرا که این حکم ارتجاع و امپریالیسم است. خلق کرد، ترکمن، و... مدها شهید دلاوری انقلاب دمکراتیک خویش میهن نشاز کرده اند با ساری سرمایه داری وابسته و ارکانهای سرکوب مدخلقی

به استقبال جنبش او بگیرند توده ها باش تا ایم

“جراغی” که به خانه رواست، به مسجد حرام است!

کیهان ۸ بهمن در صفحه اول خود تیتیر زده است که “وزارت امور خا رجه‌ها یه شکنجه کروکا نها را قویا تکذیب کرد.”

ما نمیکوئیم چرا آنها را شکنجه نکردید، آخرو موضوع بالاترا زاین حرفها ست. شکنجه را کسان دیگری در رژیم شما یادبیبینند، تا وقتی کمونیستها و انقلابیون هستند، تا وقتی کارگران وزحمتکشان آگاه هستند، تا وقتی خلقهای بیبا خاسته کرد و ترکمن و عرب هستند، آنها را با یسد شکنجه کرد. تا وقتی جوانان رزمنده‌ای هستند که نشریات و شعارهای انقلابی را به میان توده

ها میبرند آنها را با یدشکنجه کرد و شلاق زد و پشت کمر اینها را با یدزاد داغ شلاق سیاه کرد، گلوی اینان را با یدفشرده خون ازببینی شان بیرون زند، اینها را با یدزندانهای تاریک ونمورانداخت، اینها را با یددشنا مه‌های وقیحا نداد، برای اینان با یدصحنه‌های “رعب آور” اعدا م ترتیب داد، به‌خانه اینها با یدهجوم برد و موجب وحشت خا نوا ده‌شان کردید، ما دران وخواهران اینها را با یدس دران هوای سرد برتبه‌های ازین برد، ما سادرا ن مجاهدین را با یدمورد ضرب و شتم قرار داد و سا عت‌های متوالی در مستراح زندان، زندانسی کرد. اشرمان با د!

آری ما هم تصدیق میکنیم که شما کوچکترین “اسا شه‌ادی” به آمریکا شپها نکرده اید شما نه تنها آنها را شکنجه نکرده اید بلکه به تنه خودتان در رهتلهای درجه یک سکونت داده اید، میدان با زی و تفریح در اختیارشان قرار داده و فیلمهای هولبودی ریگان را محض خوش آیند- شان بنمایش گذا رده اید و انواع “پذیرا ئها” ی دیگر اچون ما هیت شما بورژوا ئی و فدا انقلابی است دشمن شما ره یک شما کمونیستها ونیروهای بقیه در صفحه ۲۳

نوشته ویدهند، در صورتی که چنین افرادی درست گفته باشند و از تشکیلات مربوطه تحقیق شود و موردتأیید قرار بگیرد آنها تنها حاصل خواهد شد در غیر این صورت سا زمان خودش تصمیم خواهد گرفت. طبیعتا ادا مه تما ش ما با این فسرده ضرورتی ندارد و فقط سعی شما این خواهد بود که گزارش وی را از یک کانال مطمئن برای سا زمان بفرستید.

رفقا! اگر هشیا رانه و با دقت به این مسائل برخورد کنید قطعا این تلاش مذبو حانه ارتجاع کماکان بی ثمر مانده و تا بت خوا هدر کد که تشکیلات کمونیستی ما آنچنان آهنگین است که رخنه و نفوذ این فدا انقلابیون بی مقدار در آن میسر نبوده و آنان در س دیگری از ما خواهند گرفت.

با امید به پیروزی!

تا بودی سرما به اداری و بسته بیج کرد پس به پیش در کوشش با زهم بیشتر در افشاندن بذر انقلاب!

“یک رهنمود امنیتی برای پیکهای انقلاب”

رفقا!

موارد متعددی دیده شده است که عوام ملل مستقیم و غیر مستقیم رژیم کام: با سدا ره‌های ملیس به لباس شخصی، فالا نزه‌های بی جیره و مواج، ابا یدی سا و اما، جا شها و... با لباسهای عادی و قیافه‌های ظاهرفریب خود سعی کرده‌اند از طریق رفقای کهنشریات سا زمان سی را می - فروشند و با رفقای که به بحث درخیا با نه‌ها و اما کن توده‌ای میپردازند، خود را به تشکیلات نزدیک نموده و با مصلح ردها بی و نفوذ نما بند! این عمل به چند صورت ممکن است انجام بگیرد:

الف: تعقیب و شناسائی منازل و اما کن رفت و آمد رفقا و کشف ارتباطات آنها،

ب: جا زدن بعنوان افراد مبارزی که میخواستند با سا زمان شماس بگیرند و با افراد طرفدار انقلاب،

ج: محمل سازی و طرح این مسئله که مثلا در فلان شهر با رفقای تشکیلات در ارتباط بوده - اند و بدلیل پیش آمدن مسئله امنیتی از آنجا فرار کرده و ارتباطشان قطع شده است...

بنا بر این و برای خنثی کردن این حیلله رسوای فدا انقلابی ضروریست که رفقای که نشریات سا زمان سی را میفروشند و با به بحث درخیا با نه‌ها میپردازند، به نکات زیر توجه نمایند:

۱- پس از اتمام کار (جمع کردن بساط، اتمام نشریات، با بان با فتن بحث‌ها و دور شدن از محل ثابتی که در آنجا به وظیفه انقلابی خود مشغول بوده‌اند) میبایست تصفیه نموده و از اینکه توسط عمال رژیم تعقیب نمیشوند مطمئن گردند و سپس به‌خانه‌ها یا اما کن مربوطه خود با زگردند.

۲- به افرادی که به اشکال مختلف سعی در نزدیک شدن خودشان به این رفقا دارند بسادگی اعتماد ننموده و سعی کنند فرد مربوطه را کاملا ارزیابی نموده و با طرح سئوالاتی تناقضاتی را که احیانادر حرفهای آنها مشاهده میشود استخراج کنند.

در اینجا باید توجه نمود که نمیتوان ایسن حکم را ماکر کرد که تمام افرادی که به ما مراجعه میکنند با یدی فدا انقلاب هستند بلکه میبایست در نهایت هوشیاری انقلابی آنان را ارزیابی نموده و گزارش تما ش خود را با رفقای دیگر خود مطرح نمایند تا دریک ارزیابی جمعی و آگاهانه به این افراد برخورد شود.

۳- اگر افرادی خود را وابسته به تشکیلات (مثلا در یک شهرستان) معرفی نمودند در رفقا میبایست از آنها گزارشی بخواهند تا مشخصات خود جمع مربوطه خود و رفقای همکلاسی اش و همچنین وظیفه‌ای که به عهده داشته‌است و بسا تشکیلاتی که به آن تعلق داشته‌است را در آن

چون بمب سا عتی، ساعت مرگ سرما به را نزدیکتر میکند، رفیق زحمتکش، دانشجو... که در زندانها طعم عدل “جمهوری اسلامی را با شلاق و شکنجه میچشی، اعلامیه‌ها یمان، بذر آکا هی و انقلاب است و چنین است که رفقای پیکار کردید و لاور مسعود ما لعی طیب نجم الدینی و رفیق حمیدرضا خا نمی و مجاهد عباس عمانی و... فقط بجرم فروش شریسه و بخش اعلامیه ترور میشوند با زهم غریبوا زجوها ئی که جا پای عذبی و رسولی گذا شتند، یعنی لاجوردیها و کچوئیها و ما شالله قما به‌ها و خلخالیهای جلد، شکنجه‌کنان فریاد میزنند، آهای این پیکار، این رزمندگان، این انقلاب این راه‌کارگر، این کاراقلیت و این محاهدرا از کجا آورده‌ای؟ اما نه ترور، نه شکنجه و نه زندان با های شما راست نخواهد کرد و با زهم زحمتکشان صبحگاه، هنگامی که میخواستند بسوی کار بروند، زیر شکنجه‌های در تراکتها و اعلامیه‌ها را خواهند یافت و با زهم کارگران در خانه‌های خود، بر روی دیوار، بیانیها و اعلامیه‌ها را خواهند خوانند و با زهم دیوارهای پراشعرا را توده‌ها خواهند دید و زحمتکشان درخیا با نه‌ها، با جوانان انقلابی مواجه میشوند که با فریاد میگویند، پیکار، رزمندگان، مجاهدو... و با در موقعیتهای نامناسب جوانی را خواهد دید که آهسته میگوید پیکار نمی خواهد شد ما ره... و با زهم زندانها پرخواهد بود از انقلابیونی که با خود بذر انقلاب بهما ردا شتند، انقلابیونی که گا به فریب دادن با زجوها ی احقشان از چنگشان گریخته - اند و گا ه دلاورانه از ایدئولوژی شان دفاع کرده - اند و لی در هر صورت چه بنا به شرایط مشخص خود را فردی غیر سیاسی خوانند که “بسته اعلامیه” را در گوشه خیا بان با فته‌است و چه در شرایطی خاص از آلمان زحمتکشان قهرمانان دفاع کرده باشند در هر صورت هرگز هیچ رازی را بدشمن نگفته اند هرگز با نشان را به دشمنان نشان معرفی نکرده‌اند، شکنجه شده‌اند، اما دژ خیمان در دنیا فته‌اند که اعلامیه‌ها را چه کسی به آنها داده‌است. و با زهم شکنجه دیدگان با لب به سرا رنگشودن بر شکنجه و زندان بیروزمیشوند و بر احکام ارتجاعی زندان و حبسهای طویل - المدت آن پوزخند خواهند زد.

یاران! اکنون، در هنگام اعتلا جنبش در هنگامی که توده‌ها پیش از پیش سیاسی شده و میخواستند مسائل انقلاب را حل کنند، نقش پیکهای انقلاب بسیار وسیع‌تر و برجسته‌تر شده است. کوشش بیشتر پیکهای انقلاب، ضرورتی است بزرگترین دشمن طبقاتی، گسترش یافته‌های تساب آما ده بذر انقلاب است، اگر ما کوتاهی کنیم، دشمن برای مدتی دیگر در آن خس و خا خواهد بروراند، با عزمی بلشویک و اروپا کوششی بیش از پیش در بخش شرکت کنیم و فرا موش نکنیم که بخش خودتاریکی است عظیم برای قیام بدون شرکت فعال ما در بخش نشریات انقلابی در میان توده‌ها، نمی توان توده‌ها را در جهت

دوسیاست رویزیونیستها در قبال مجاهدین: دریوزگی - چاپلوسی و کینه توزی

(۲)

چاپلوسی و لجن پراکنی رویزیونیستها علیه به مجاهدین

رویزیونیستهای توده‌ای با چاپلوسی تمام در گفتگوشی "دوستانه" با مجاهدین سخن خویش را آغاز کرده‌اند و گفته‌اند که هنوز برایشان این "فرض" وجود دارد که مجاهدین "فدا می‌ریایست هستند و آنها را دوستان ...". خطاب کرده و تاریخ را به دروغ به گواهی می‌گیرند که این جریان فکری را از ابتدا مثبت ارزیابی کرده و همواره از آن حمایت کرده‌اند و پس از مقداری مدیحه‌سراشی چاپلوسی، مواضع انقلابی مجاهدین را مورد حمله قرار می‌دهند و مدعی می‌گردند که بختیاریا و اویسی و "خلق مسلمانان" و "کلاً" سرمایه‌داران و بزرگان مالکان ... بدلیل مخالفت مجاهدین با رژیم و بی‌وزگی جناح حزب جمهوری، برای مجاهدین کف زده و هورا می‌کشند! (نقل به معنی از مردم "بهمن ۵۹ شماره ۴۲۵) و معتقد است که برخورد مجاهدین با فدا انقلاب تغییر یافته است. کی؟ کجا؟ چگونه؟ معلوم نیست و اصلاً مهم نیست! چه اگر برای اثبات حکمی با به خود نمی‌توانند از نشريات مجاهد سندی بیاورد چه باک! از کیه گشا دشادی و دروغ‌پردازی خود که می‌توانند، چنین نسبتی را به مجاهدین بدهد که گویا آنها معتقدند "بگذار بزرگ مالکان، که در جهت برانداختن نظام جمهوری اسلامی هستند نیرومند و قدر قدرت باقی بمانند! بگذار بنوانند هر چه بیشتر این نظام را تضعیف کنند" رویزیونیستها سپس مدعی می‌گردند که مجاهدین با تغییر سیاست خود در قبال رژیم خمینی سیاستی را دنبال می‌کنند که آمریکا توسط برزیلینکی در ایران دنبال می‌کنند و آن سرنگونی رژیم خمینی و حمایت از گروه‌های مخالف است!! و سپس نظرات مجاهدین را بر عزم خودشان چنین فرموله می‌کنند: رژیم کنونی "تعمیر شده" بوده و بورژوازی سنتی روستایی است، که تاریخ آنرا محکوم کرده است "در نتیجه در نظر این انقلابیون، هر نیرویی که در جهت برانداختن این رژیم، یعنی در جهت تسریع حکم تاریخ" باشد نباید لاقوه‌دارای محتوای "مترقی" است و باید از آن پشتیبانی کرد! در نتیجه، توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب پرورده‌اش و لیبرال‌ها و ماژولیت‌ها و سرمایه‌داران وابسته و بزرگ مالکان، برای درهم‌کنستن این رژیم "واپس‌گرای محکوم" در نظر مجاهدین خلقت

با لاقوه "مترقی" است پس باید با هر نیرویی که آماده براندازی این "رژیم" و "واپس‌گرای محکوم" باشد همکاری کرد! (همانجا)

رویزیونیستها ارزیابی مجاهدین را از صف دوستان و دشمنان انقلاب، همان "ارزیابی کینه توزترین دشمنان انقلاب و رادیکالترین" می‌خوانند و در سرتاسر این "مقاله" تکیه می‌کنند که دوستان انقلاب در جبهه متحد انقلاب از دیدگاه مجاهدین و اکایا، لیبرال‌ها، سرمایه‌داران و غارتگر... را در بر می‌گیرند! و قبحانه مدعی می‌گردند که "سازمان مجاهدین خلق ایران از روند تضعیف رژیم حاکم کنونی بوسیله لیبرال‌ها و آمریکا و هر نیروی دیگری استقبال می‌کند" (همانجا) و پس از این همه افترا، لجن پراکنی شان را تا نیز موفحاشی، و قبحانه ادعا می‌کنند: "همانطور که شیوه همیشگی ماست، ما مقابل به - مثل نخواهیم کرد، زیرا دستیاری به فحاشی و تهمت زنی، آنهم تکرار تمام لجن پراکنی‌های ساواک، رادیکال‌ها و اویسی، کارکنانی است که در بحث سیاسی و در موضع ضعف و غیر قابل دفاع قرار می‌گیرند و شایسته پذیرش نظرات منطقی را ندارند" (همانجا) سپس برای مجاهدین کرکری می‌خوانند که "یا شما شایسته آنرا دارید که بدون توسل به ساز و توهین و اتهام که ما به اندازه کافی از فدا انقلاب هر روز در دریافت می‌کنیم، پاسخ این پرسش ساده و روشن را بدهید؟ (همانجا) و با بادی در غیب از پاسخ به "فحش نامه" معروف مجاهدین! خودداری می‌کنند!

طبعاً پاسخ همه‌جا تبه‌بها این لجن پراکنیها که توسط حزب خائن توده صورت گرفته است، باید توسط خود مجاهدین صورت‌گیرد لیکن برای ما از نقطه نظر یک سازمان مارکسیستی، افشای سیاستها و شیوه برخورد بورژوازی رویزیونیستها یک وظیفه تاریخی است.

شیوه برخورد رویزیونیستها ماکیاولیستی است

در ابتدا گفتیم که شیوه برخورد رویزیونیستها ماکیاولیستی است، بدین معنی که برای آنها هدف وسیله را توجیه می‌کند، آنان بنا بر ماهیت بورژوازی خود، از یکا گرفتار هوسله‌ای اعم از دروغ‌پردازی، شانرلاتا نیسم، فحاشی، لجن پراکنی و حتی جاسوسی برای رسیدن به هدفشان استفاده مینمایند. آنان نه تنها این شیوه را

در مقابل کمونیستها در پیش می‌گیرند، بلکه در مقابل انقلابیون دیگر نیز چنین برخورد می‌دارند. نمونه‌ی کوتاه هر سرتاسر رنج‌ها را لانتا نیسم سیاسی حزب خائن توده می‌تواند، بخوبی محسوس نظرات ما را نشان دهد.

حزب توده بنا بر شانرلاتا نیسم، فربیکاری و دغلقاری خود مدعی است که از آغاز "حزب طراز - نوین طبقه کارگر" بوده است و در حالیکه گذشته از آنکه یکمده از موسسین حزب را فئودال زاده‌ها و جاسوسانی نظیر: ایرج اسکندری شاهزاده قاجار، دکتر اردمشن و احسان الله خان طبری از فئودال زادگان بنام، مظفقی فاتح جاسوس انگلستان و رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس مظفر - چپاول خلق تشکیل میدادند، خود حزب صریحاً اعلام میداشت: نسبت کمونیستی به حزب توده ایران نسبتی که دسته سیدضیا* می‌گوشند، ما وارد سازند و بدان وسیله سعی دارند که سرمایه‌داران و تجار ایرانی را از ما بترسانند، نسبتی است غلط و دور از حقیقت. حزب توده ایران حزبی است مشروطه‌خواه و طرفدار قانون اساسی (ز رهبر شماره ۲۸۰ سال ۱۳۲۳).

آری حزبی که هدف خود را "منافی هیچ طبقه اجتماعی" نمیداند و اعلام میدارد که "حزب توده ایران، برای سرمایه‌داران و مالک، از بدبختی و راحتی وجدان را فراهم می‌کند" (جزوه - حرف حسابی ما چیست) خود را حزب طبقه کارگر می‌خواند! و مدعی است که از همان ابتدا پرچم ظفر نمون - مل را در ایران برافراشته است. (۱)

حزبی که مضمون فعالیت خود را "اجرای آن مقرراتی" میدانند "که قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده‌اند" (دنیا - دوره دوم - سال دوازدهم - شماره ۲ سال ۵۰) (یعنی مظفرالدین شاه محمدعلیشاه، احمد شاه، رضا شاه و محمد رضا شاه!) حزبی که می‌گوید "در کدام دادگاه ثابت شده است که مرا موروثی حزب توده ایران با مقررات قانونی ۱۳۱۰ انطباق دارد، یعنی به اصطلاح قانون ۱۳۱۰ مرا موروثی اشتراکی است یا فدا سلطنت مشروطه ایران؟" (مردم تیرماه ۴۹) حزبی که شاه را نماینده سرمایه‌داران اصلاح طلب خوانده و شعار سرنگونی رژیم کودتا را چپ روانه خوانده (دنیا - مهر ۵۴) حزبی که خواهان آن است که جناح سالمترو واقع بین ترهیت حاکمه زمان ما مورثا بدست گیرد "و در عین حال از "اقدامات ترقیخواهانها" یک به منظور زمین بردن مناسبات فئودالی (توسط شاه) و... میباید پشتیبانی میکند (مردم شماره ۶۹ - بهیام ایرج اسکندری... او نزدیکی شاه به شوروی را بیفنج ایران میخواند! حزبی که خواهان تبدیل سلطنت استبدادی به سلطنت مشروطه می‌شود و سرنگونی رژیم استبدادی را با حفظ رژیم

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویزیونیستها نمیتوانند بدون تحریف دروغپردازی و بکارگرفتن شیوه‌های شیادانه و ماکیاولیستی، مواضع نیروهای انقلابی را مورد نقد قرار دهند. و جزایس هم‌نیا بدانتظار داشت. رویونیستهای نظیر حزب خائن شونده مشی و سیاست بورژواشی دارند از اینرو صد البته در شیوه برخورد نیز، به شیوه‌های بورژواشی و ماکیاولیستی متوسل میشوند. فرهنگ گنبدیده بورژواشی به آنان حکم میکند برای رسیدن به هدف از هر وسیله، از دروغ‌پردازی و جعل و تحریف نظرات گرفته تا... استفا ده‌کنند.

رویزیونیستهای اکثریت چه می‌گویند؟

اکثریتی‌ها که برادرخوانده حزب توده و رویونیست نوپا محبوب میگردند، با تقلید و فراگیری درسیهای رویونیسم از حزب خائن توده مویه موهمان لافا ثلاث را در مورد ماجا هدیر تکرار میکنند. اینان برای عقب‌نماندن از برادر بزرگان بازمه برنامه پراکنی مجدد به ماجا هدین ضمن چاپلوسی‌های گوناگون که بیاید کلمات "مومن" را بکار رنبریم، بیاید گفتگوی منطقی" بر اساس "اعتقاد مشترکمان" که هدف "ارتقاء آگاهی‌ها ضد امپریالیستی" را دنبال میکنند. مددیم... از "باورداشتن به ضد امپریالیست بودن" ماجا هدین سخن میگویند (کا رویونیستی ۹۲) و گله‌وشکایت که چرا ما را جزء جبهه متحد ارتجاع گذاشتید! سپس مدعی میشوند که امپریالیسم آمریکا در استراتژی خود "هدف مقدم اسقوط" خط امام" از قدرت و روی کار آوردن لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم قرار داده است" و ماجا هدین نیز با افشای خط امام همان کار را میکنند. (همانجا) سپس مجدداً "لولوخره" حمله امپریالیسم... را علم کرده است که بنا بر آن ماجا هدین با بدهدوش با رژیم کامپه مقابله با توطئه امپریالیسم برخیزند.

رویزیونیستها از تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی پس از گذشت دو سال به برکت تلاش‌های جناحی از رژیم جمهوری اسلامی، افشاشدن لیبرالها و شناخت امپریالیسم توسط مردم میهنمان سخن میگویند. (نقل به معنی از کار رویونیستی ۹۴)

رویزیونیستهای اکثریت به موضعگیری با لحنی درست‌کنونی ماجا هدین درقبال سفارت را که گفته اند کروکا نگیری مانوری برای بدر کردن حریف از صحنه و کوبیدن نیروهای واقعی ضد امپریالیست صورت گرفته است، اشاره کرده و قیحا نه میگویند: این همان مواضع میزبان بنویس‌ها و لیبرالهای دوا تشه است! (نقل به معنی از همانجا) و شاید آنه میگویند نمود کنند که منظور ماجا هدین از نیروهای واقعی ضد امپریالیست لیبرالها هستند، سپس با دروغ - پردازی و قیحا حتی که از برادر بزرگان فسرا گرفته‌اند، میگویند که ماجا هدین با موضعگیری

چه در جنگ جهانی دوم هم امپریالیستهای خونخوار آمریکا و فرانسه... با فاشیسم هیتلری مخالف بودند هم شوروی سوسیالیستی پس ایندو در عمل هیچ فرقی با یکدیگر نداشتند! بی شک ذکر چنین مثالی حنده آ و راست، آخر مگر میشود اهدافی را که شوروی سوسیالیستی در جنگ با فاشیسم هیتلری دنبال مینمود با اهداف امپریالیستهای فرانسه و آمریکا... بگمان قلمداد کرد؟! تنها یک ذهن غلیل و شارلتان میتوان چنین تحریفی را بنامید. در مورد ایران نیز مسئله روشن است. هم‌اوردسته بختیار برای تا مین منافع ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا بر علیه حاکمیت و بویژه جناح حزب فعالیت میکنند و هم نیروهای انقلابی برای تا مین انقلاب، نابودی سلطه امپریالیسم و کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته، با حکومت ضد انقلابی کنونی که منافع و دستدوام انقلاب ایران است مبارزه میکنند برخلاف ترهات رویونیستها، دارودسته اولی برای تا مین منافع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و دستدوم برای نابود کردن آن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بی میخیزند. دارودسته رویونیستها نیز علیرغم هرگونه شعاری که بر علیه امپریالیسم بدهند، از آنجا که با دفاع از حاکمیت کنونی، به دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته ایران، این پایگاه اصلی امپریالیسم برخاسته‌اند، بنا بر این جزو بهترین حامیان امپریالیستها هستند.

رویزیونیستها برای توجیه مواضع ضد انقلابی خود، نه تنها فرصت طلبانه میکوشند اهداف نیروهای انقلابی و کمونیست را با اهداف امپریالیسم آمریکا بگمان حلوه دهند بلکه در این راه از هیچ دروغ‌پردازی خودداری نمیکند و قیحا نه مدعی میگردند که ماجا هدین از روند تضعیف حاکمیت کنونی بوسیله لیبرالها و آمریکا پشتیبانی میکنند و بدتر از آن هر نیروی را که مخالف با رژیم کنونی باشد مترقی میدانند!

براستی چه کرده‌اند تا لانا نیم و دروغ پردازی چگونه میتواند در لایالی این اراجیف پنهان بماند؟ چه ماجا هدین چه کمونیست‌ها در کجا گفته‌اند، هر نیروی که ضد این رژیم باشد مترقی است؟! این تنها از مغز علی - رویونیستها بر میخیزد که همه جریانهای سیاسی را صرف نظر از ماهیت طبقاتی، اهدافشان... تنها با ملاک مخالفت با رژیم کامپه می‌سنجد. اینان در لجن پراکنی خود دو دروغ‌پردازی هیچ - گونه شرم و حیاشی نمی‌شناسند. شاخدا رتریسن دروغها را نیز برای توجیه مواضع ضد انقلابی خود بکار میبرند و از اینرو است که در نقد - به اصطلاح نظرات ما پیرامون جنگ کنونی - قیحا نه میگویند "هدف آن (منظور آمریکا است) وابسته و منجا و زشتان دادن ایران و مستقمل و ملحدوست معرفی کردن رژیم جنایتکار رسد ام است"

سلطنتی شاه ممکن میشمارد (بسی حزب شماره ۱) و بدنبال جلب متحدینی در هیئت حاکمه یعنی جناح "دورانیدیش و سولمترا" میگردد (دنیا شماره ۷ سال ۵۴) و دهها فرصت طلبی و عوامفریبی و شیادای دیگر، امروزه بکلی منکرت آنها شده و چنین واقعیتی را اراجیف را دیوبختیا روسا و اک و سیا میخوانند! این فرصت طلبان خائن، شارلا - تا نیمه را نه تنها در آستانه بنویس درگاه هر رژیم خائن شاه بکار می بردند ولی امروز نفی میکنند بلکه برخورد ضد انقلابی شان نسبت به جنبش خلق را نیز منکر میشوند تا آنکه قیام تبریز را تحریک مشتی "ما جراجو" خرابکار "ما شوئیست" و "ما واک" قلمداد نمودند تا آنکه دیروز جنبش سال ۴۲ را کارمخافل سیا هفتادالی "و انجاعی (منظور خمینی است) خواندند، تا آنکه دیروز مبارزات انقلابی ماجا هدین و فدائیان را وارونه جلوه داده و اظهار میداشتند "چه بسا گردانندگان رژیم بویه اصطلاح مقامات امنیتی، خود در تحریک ختم جوانان دست دارند" (گفتارهای رادیو - پیک - فروردین ۵۹) و مبارزات ماجا هدین را "ترقه بازی و آتش فروزی" که "آب به آبیاب" و "توربسم عصی" میربخت قلمداد کرده و معتقد بودند که ماجا هدین مذهبی سرشان در "توسره" توربسم بود... (بسی حزب شماره ۱۱)

آری امروزه مدعی میگردند که از همان ابتدا از ماجا هدین پشتیبانی میکردند! و خمینی را که اکنون ضد انقلابی گشته است، رهبر جبهه متحد خلق خود میخوانند! اینان که تا دیروز از لیبرالهای خائنی چون سنجابی و بازرگان و... دعوت میکردند که رهبری جبهه متحد ملی را بدست گیرند، امروزه که همونی قدرت در دست حزب جمهوری است، فرصت طلبانه از او به تا میسن منافع سوسیال امپریالیسم، لیبرالها را جاده صاف کن امپریالیسم آمریکا میخوانند در حالیکه تا دیروز هر کسی که جبهه ملی و بازرگان و امثالهم را لیبرال خائن میخواند، آنرا "چسپ رو" ما شوئیست" میخواندند و معتقد بودند جبهه ملی نماینده بورژوازی ملی ایران است و لیبرالها را جناحی از حکومت شاهمانند بنویس احمدها و... تشکیل میدهند (بسی حزب شماره ۱۱)

حزب توده: هر که مخالف رژیم است در خط آمریکاست

امروزه رویونیستها که بدرگاه حاکمیت اسلامی "چشم دوخته اند و از آن بی دریغ حمایت میکنند، هر نوع مخالفتی با حاکمیت (بویژه جناح حزببیا راناشی از پیشرفت خط آمریکا میدادند، اینان میگویند فکودا لیا و سرما به - داران بزرگ برای ماجا هدین هورا میکنند و کمونیست‌ها هم در خط آمریکا هستند! زیرا هم آمریکا و هم این نیروها هر دو مخالف جمهوری اسلامی هستند!

بر اساس این استدلال شیادانه با بدگفت سوسیالیسم و امپریالیسم یکدیگر فرقی ندارند

علیه خط اما بعنوان خط ارتجاع، برای امپریالیسم نقش پیشین ترین نیروی مبارزه ضد امپریالیستی قائل میشوند! (نقل بمعنی از همانجا)

در قسمتهای قبل تبلیغات دروغی در رویزیونیستها را مبنی بر اینکه هرکس مخالف رژیم جمهوری اسلامی باشد، عملاً همدست آمریکا است نشان دادیم، اکنون باید دید انتقادات رویزیونیستها به ما همدین از چه زاویه ای صورت میگیرد.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه علیه ارتجاع داخلی جدا نیست

رویزیونیستها همواره مبارزه واقعی بر علیه امپریالیسم که لاجرم با مبارزه علیه ارتجاع داخلی گره میخورد را از یکدیگر جدا میسازند، آنان این مسئله را که با یکا اصلی امپریالیسم در یک کشور تحت سلطه ما ننند ایران، مناسبات سرما به داری وابسته و ماشین دولتی آن است را به فراموشی میسپارند. و بر این اساس مبارزه دمکراتیک را از مبارزه ضد امپریالیستی نیز جدا میسازند.

از نظر ما رکیبیتها مسئله روشن است. یک مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی تنها با اقدامات انقلابی دمکراتیک صورت میگیرد، نمیتوان توده های دمکرات و ضد امپریالیست را سرکوب نمود و ضد امپریالیست بودن با انقلابی ترین نهادهای دمکراتیک مانند شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان و خلقهای تحت ستم دشمنی نمود در همین حال ضد امپریالیست بودن، نمیتوان حقوق ملیتهای تحت ستم را زیر پا گذاشت آنرا سرکوب نمود از ما در اراضی زمینداران توسط دهقانان جلوگیری کرد و صدای آنرا را خفه کرد و در عین حال ضد امپریالیست بود و بالاخره نمیتوان در عرصه سیاسی و اقتصادی تمامی سیاستهای ضد انقلابی و ضد دمکراتیک را در پیش گرفت و باز ضد امپریالیست بود. رژیم حاکم ما ماشین دولتی با سدا سرما به داری وابسته به امپریالیسم است "خط امام" نیز خطی است در بن حاکمیت کنونی رویزیونیستها مبارزه ضد امپریالیستی را بدون مبارزه علیه ماشین دولتی حاکم که بر مناسبات سرما به داری وابسته استوار است ممکن میدانند. برای آنها میماند است که رژیم حاکم با جناحی از آن فی المثل با امپریالیسم آمریکا مخالفتی داشته باشد از آن اختلاف ولو آنکه ضد انقلابی باشد، حمایت کنند.

به همین دلیل بود که حزب خاش توده بدنبال جناح مترقی و دوراندیش در هیات حاکمه میگشت تا همدوش با آن مبارزات توده ها را به پیش برد! و با زبانه های دلیل بود که قبل از قیام، اختلاف لیبرالها با امپریالیسم مورد حمایت قرار میداد و از آنها بعنوان "بورژوازی ملی" یاد

مینمود، اینان حتی خواهان در دست گرفتن رهبری مبارزه ضد امپریالیستی توسط بازرگان و سنجایی بودند. و امروز نیز همچنان نفس اختلاف حزب جمهوری و خرده بورژوازی مرفهستی با آمریکا برای اینان ملاک حمایت است. رویزیونیستها برخلاف ما رکیبیتها، ملاک حمایت با عدم حمایت از حکومت را نه برخورد دولت به پرولتاریا، توده های ستمدیده و کلا انقلاب، بلکه دوری یا نزدیکی به امپریالیسم آمریکا در نظر میگیرند. از نظر رویزیونیستها ی خروشچی هر حرکتی که در جهت دور شدن رژیم جمهوری اسلامی از امپریالیسم آمریکا و نزدیک گشتن به سوسیال امپریالیسم شوروی باشد، مترقی است!! علت حملات رویزیونیستها توده های واکشربیتی بر علیه لیبرالها را نیز با بدر همین امر جستجو کرد، چه رویزیونیستها از آنجا که می بینند لیبرالها نزدیکی بیشتری به امپریالیسم آمریکا دارند، خواهان افزایش آن هستند تا زعم خودشان خط امام را از امپریالیستها دور ساخته و به "اردوی سوسیالیسم" رهنمون سازند. از اینرو آنان از زاویه ای ضد انقلابی و برای کشاندن جناحی از رژیم که دارای برخی اختلافات با امپریالیسم آمریکا است، بسوی سوسیال امپریالیسم وطنی راه رشد غیر سرما به داری خواهان افزایش لیبرالها هستند. در حالی که کمونیستها از زاویه منافع طبقه کارگر و انقلاب، لیبرالهای ضد انقلابی را در کنار تمامی جناحهای هیات حاکمه افشامیکنند و آنها را هدف مبارزه انقلابی خود قرار میدهند.

اگر رویزیونیستها به گرایشات لیبرالی مجاهدین حمله میکنند، برای جذب آنان بسوی جناحی دیگر از ضد انقلاب حاکم و انجام مبارزه ضد امپریالیستی دورغین از طریق طوری راه رشد غیر سرما به داری هستند!

اینان مخالفتها و یا حتی توطئه امپریالیسم را بر علیه این رژیم بهانه ای ساخته اند تا مواضع ضد انقلابی خود را در حمایت از آن بیوشانند و بر این مسئله اصلی پرده ها ترمیم میکنند که اگر امپریالیسم مخالفتی نیز با جناحی از هیات حاکمه دارد، نه بدلیل ضد امپریالیست بودن حکومت با جناحی از آن، بلکه بدلیل عدم توانایی لازم برای زسازی سرما به داری وابسته است. از اینرو است که امپریالیسم آمریکا باین رژیم اختلافاتی دارد و برای آن رژیم کاملاً مطلوبی نیست.

امپریالیسم برای سرکوبی جنبش انقلابی خلق ایران بهر طریق که بتواند عمل میکند. بدین لحاظ از رژیم جمهوری اسلامی در مقابل جنبش خلق حمایت میکنند و برای تا مین بیشتر منافعش از لیبرالها در مقابل جناح حزب حمایت میکند و نهایتاً، ایده آل خود را در جایگزینی حکومتی کارگزار بجای حکومت فعلی می بیند که صد البته امروزه با توجه به رشد جنبش انقلابی ایران، هوشیاری توده ها در مقابل امپریالیسم و

وضعیت بین المللی، امپریالیسم آمریکا قادر به چنین حرکتی نیست و خط اصلی اش تقویت لیبرالها و بجزور نمودن جناح دیگر به سازش با خود میباشند. اما در صورت هدف امپریالیسم آمریکا از هر کدام از آنها کشتیکهائی که در پیش میگیرد، مقابله با جنبش انقلابی خلق است. چنین است که برای تا مین این مقصود، حتی رژیم ارتجاعی وابسته ترکیه را سرنگون نموده و حکومت ژنرالها را برقرار می نماید. بدین لحاظ از نظر کمونیستها و انقلابیون، مقابله با توطئه های امپریالیسم بر علیه خلقهای ایران با مبارزه علیه رژیم و در شرایط معین سرنگونی آن میسر است، نه شمشیر زدن بزیر پرچم دروغی - جناحی از هیات حاکمه، تنها با اتکاء به بسیج مستقلانه خلق بر علیه توطئه های امپریالیسم و تعمیق مبارزات ضد ارتجاعی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران است که میتوان همچنان در راه انقلاب به پیش رفت.

مهمترین انحراف مجاهدین: مماشات با لیبرالها

این امر که رویزیونیستها ی خروشچی میگوشتند ما همدین را بزیر پرچم جناحی از ضد انقلاب بکشند تا شی از کدام مساله است و موضع ما در مقابل مجاهدین چیست؟

همانطور که قبلاً نیز گفتیم انحراف دوستان مجاهد در مورد اینکه شوروی هنوز هم سوسیالیستی است آن زمینه ای است که رویزیونیستها ی خروشچی را بر آن مبادر کرده برای مجاهدین دانه پاشیده و بکشند آنها را نیز همراه و همپا با "خط امام" به راه "رشد غیر سرما به داری" که راهی جز راه سرما به داری وابسته به امپریالیسم شوروی نیست، بکشند. رویزیونیستها برای تقویت و مستحکم کردن جبهه متحد ارتجاع خویش که البته ویژگی اش با سنگبری بسوی شوروی مشخص میشود، به لحاظ تزلزل مجاهدین در این مورد و همچنین نقش مهمی که در عرصه مبارزه دمکراتیک ایفا میکنند، حساب می نماید. از اینرو ما دوستان مجاهد با بدبگوشتها با ارتقاء مواضع خود و طاعت نمودن مرز بندیها - بتان در مقابل شوروی امپریالیستی، آنان را "نامید" گردانید و نه فقط این، بلکه مهمتر از آن و در درجه اول، مرز بندی خود را در مقابل قدرت سیاسی حاکم، مستحکم سازید. چه وضعگیری قاطع شما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی نیز بتدریج آنرا را دلسرد خواهد کرد، چنانکه می بینیم حزب خاش توده، حملاتش را بر علیه شما افزوده است و مدار شما تقاضا میکند که مبارزه با هیات حاکمه را بکناری گذاشته و بزیر پرچم جناح حزب جمهوری و "خط امام" گرد آید. اما مهمترین انحرافی که رویزیونیستها میتوانند با تکیه بر آن، به مجاهدین شدیداً حمله نمایند، عدم مرز بندی قاطع مجاهدین با لیبرالها است. سرتا سر نوشته رویزیونیستها ی فدائی و "حزب توده" مملو از "بل گیری" از این بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱ رهنمود...

دارند و با بستی چنین روزی را گرامی بدارند که به آرمانهای انقلابی خلقهای ما در قیام ۲۲ بهمن وفا داده و همچنان پیگیرانه آنسرا دنبال میکنند. آنها با بدکوشش فریبکارانه ای را که رژیم جمهوری اسلامی بمناسبت سالروز قیام مخرج میدهد در وسیعترین شکل ممکن افشا نموده و چهره گریه آنرا برای توده های زحمتکشی که تا کنون بدلیل ناآگاهی نتوانسته اند بشناسند، افشا نمائند. با بدبختیها نشان داد، رژیم که در عرض این دو سال، قدم بقدم پای پای رژیم شاه گذاشته است، رژیم که مناسبت ستگرانه و ضد مردمی سرمایه داری وابسته را حفظ و احیا نموده است، رژیم که سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در مقابل بورژوازی طبقه کارگر و توده های زحمتکش حمایت کرده است، رژیم که تنها در خلال این دو سال هزاران تن از زحمتکشان و انقلابیون ما را در کردستان، ترکمن صحرا، نزل، درود، اندیمشک و... با خاک و خون کشیده است، رژیم که تنها همین مدت مدتها تن از انقلابیون و کمونیستها و کسان را که بیگترین مبارزین در دوره خفقان و دیکتاتور شاه و پس از آن بودند، به بند کشیده، شکنجه و اعدام کرده است، رژیم که هزاران تن از توده های زحمتکش ما را بگوشه دم توب سرمایه داری در جنگ ایران و عراق تبدیل نموده است... آری چنین رژیمی حکومتی نیست که وارث قیام مردمی و پرشکوه ۲۲ بهمن باشد و به همین دلیل باید فریبکاری و شیادگی او را وسیع افشا نمود. به این ترتیب کمونیستها با حرکت از این درک که این قیام فقط بهمت و با تک قدرت و فداکاری عظیم طبقه کارگر، زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران تحقق یافته و از همین روشا بستگی بزرگداشت و گرامی داشت این روز را فقط طبقه کارگر، توده های تحت ستم، انقلابیون و کمونیستها دارند، با بدبختی استقبال آن رفته و با لگورد آنرا وسیله ای برای افشای گسترده رژیم جمهوری اسلامی و ریزش کمونیستها را خاش بنماید. در این رابطه با درک فوق، رهنمودهای ما به رفقای هوادار چنین است:

۱- کلیه رفقای که در این رابطه با سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار (س.د.د.پ) و با در طیف سمپا تنها و هواداران سازمان، قرار دارند، با بد وظیفه شعاع رنویسی بر روی دیوار، بزرگ نویسی با تکثیر و پخش و فروش نشریات و اعلامیه های سازمان را در تمامی نقاط فعالانه بر عهده گرفته و در مقابل به گذشته آنرا گسترش و بهبود بخشند.

۲- تبلیغ و توضیح ایده های سازمان در میان طبقه و توده ها، به جریان انداختن بحث و گفتگو در مجامع توده ای حول قضایای قیام و پیامدهای آن، روشنگری در باره رژیم جمهوری اسلامی و ماهیت سرمایه دارانه و فدا انقلابی آن و افشای کارنامه سرمایه داری و دوا له آن.

۳- افشای خیانت ها و تملق گوئی های ریزش کمونیستها را خاشن حرب نموده و فدا شکی "اکثریت" و افشای همکاری پدیدریخ آنها با رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش توده ای و نیروهای کمونیستی و انقلابی.

۴- لزیم تذکرات که خاشن "اکثریتی" اخیرا ما موریت یافته اند تا سازمان ما را که در افشای چهره مزورانه این فدا انقلابیون و رژیم جمهوری اسلامی نقش بازی داشته و به اشکال مختلف مورد حمله و اتهامات و قیحا قرار دهند. در این مورد کلیه رفقا وظیفه دارند، با هوشیاری و آگاهی کامل مح این خاشن را در نزد توده ها باز کرده و آنها را رسوا سازند.

۴- توضیح این مسئله بسیار مهم و اساسی برای توده ها که فقط و فقط پرولتاریا و حزب اوست که میتواند انقلاب دمکراتیک - سوسیالیستی کمونیستی خلقهای ما را به پیروزی رسانده و آنرا بسوی سوسیالیسم و دودر همین رابطه برجسته نمودن و سوسوگسترده آن تر تا سوسیالیسم کمونیستی درجا مع و حقا نیت کمونیستها و مواضعشان در این دو سال و توضیح و تبیین حملات و یورشهای وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کمونیستها و انقلابیون، همچنین در رابطه با مسئله بالادست ضمن اینکه رفقا با هواداران مجاهدین نهایت همکاری و هماهنگی را بنمایند (طبقه ۳) آنچه که دمکراتیکسم آنان کش داشته با سوا این آمادگی را از خود نشان دهند، مواضع مترز و شددیدان پیگیر آنها را نسبت به کل رژیم و سوسیالیستها توضیح داده و این مواضع را سترواندر افشا نمایند. وظیفه برجسته کردن آن تر تا سوسیالیسم کمونیستی در شرایط کنونی و بیرونی چون مجاهدین تا این انداز مترز و نا پیگیری نشان میدهند، از اهمیت برجسته ای برخوردار است.

۵- کلیه هواداران غیر تشکیلاتی و رفقای که به دلیل در ارتباط با تشکیلات، سازمان نیافته اند به خود وظیفه دارند در چهار چوب رهنمودها و شعارهای سازمان که از سوی "پیکار" و سایر نشریات و اعلامیه های سازمان مطرح میگردد، به امر تبلیغ و کار توده ای پرداخته و به اشکال مختلف نظیر تکثیر و پخش نشریات و اعلامیه های سازمانی، بویژه اسناد فشاگرانه شعاع رنویسی بر روی دیوار بحث و گفتگو و نظرات سازمان را بدرون توده ها ببرند.

رفقا باید توجه نمایند که این قدمهای کوچک امری ضروری برای تحقق چشم انداز باشکوه فداست. تحقق آن با شکوه سوسیالیسم و آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فقط با پشتکار و پیگیری عظیم تمامی پیشروان طبقه کارگر و آزادگی نیکو اعضا و هواداران مدیق و وفادار سازمان، امکان پذیر است. رفقا! بکوشیم، سالگرد قیام خونین بهمن زاب عاملی جهت طرح آن تر تا سوسیالیسم و افشای مبارزه علیه آن تر تا سوسیالیسم و فدا انقلابی و افشای نا پیگیریهای مجاهدین تبدیل نمائیم! پرشکوه با دوا له قیام خونین ۲۲ بهمن

بقیه از صفحه ۱۳ دوسایست...

انحراف مجاهدین است. ما میبایست چاره ای را بجای مجاهد، با افشای پدیدریخ لیبرالها در ارتقاء مبارزات دمکراتیک - فدا مپریالیستی خلق - های ایران نمیکوشند؟ آیا بدوستان مجاهد بگویند ما (سازمان پیکار) نیز همچون ریزش نیستیم، به این انحراف مجاهدین حمله کرده ایم پس هر دو یک چیز را میگوئیم! بدوستان مجاهد! اگر به صداقت انقلابی وفا داریم، نذر ای در اختلاف پیکار، موضعگیری ما بر علیه ترزیزات لیبرالی شما با موضعگیری های ریزش نیستیم! در اینجا رهنگ نخواهیم کرد. اختلاف ما و ریزش - نیستیم! در اینجا فدا موضع لیبرالی شما، علیه رفقا همگامی از دو موضع یکی انقلابی و دیگری فدا انقلابی است. ریزش کمونیستها برای ترک صفوف مبارزه و پذیرفتن رهبری جناحی دیگر از فدا انقلابی است. شما دعوت میکنید و کمونیستها و از جمله ما زمان ما برای گسترش مبارزه علیه کل رژیم جمهوری اسلامی به منظور بر سر آمدن انقلاب فدا رجایی - فدا مپریالیستی خلقهای ایران! همان نظوری که مخالفت مجاهدین و مپریالیسم آمریکا در مقابلت مجاهدین و جمهوری (علیرغم شما) فدا مپریالیستی درجه یک دیگر مفا بر است!

باری ما از دوستان مجاهد میبایست چاره ای در جنبه متحد رجحان که تا ما بریدید، ناشی از لیبرالهای (فدا انقلابی نیست) فدا لیته جبهه ای که شما به افشای آن پرداختید، ارتجایی است. لیکن علیرغم اختلافاتی که لیبرالها با این جبهه دارند، خود نیز خاشن از این جنبه فدا انقلابی هستند. لیبرالها نیز دشمن شما و ما بر انقلابیون و کمونیستها هستند. آنان فریبکارانه امروزه میخواهند با حمایت های تاکتیکی و عوام فریبانه از شما، از حیثیت شما سو استفاده نموده و خود را با ملاح در دل خلق جای دهند!

دوستان مجاهد! با دیگران شما میخواهیم با تعمیق مبارزه علیه کل حکومت و با افشای لیبرالها و فدا مپریالیسم و مرز بندیها بین ما، آن، اولاد در ارتقاء مبارزات توده های پیش پیش بکوشید و تا نیا تبلیغات مسموم کننده و ضد انقلابی ریزش کمونیستها را عقیم سازید!

اگر خواست افشای لیبرالها از سوی ریزش کمونیستها، خواستی است که از خلق مضمند انقلاب بیرون میاید، خواست افشای لیبرالها از سوی ما، خواست کمونیستها و کلیه انقلابیون و توده های ستم دیده ایران است که به منظور گسترش انقلاب بر علیه مپریالیسم و ارتجاع میباید.

(۱) - البته اگر چه حزب توده هرگز طبقه کارگر نبوده است، لیکن تا قبل از سال ۳۳ یک حزب خرده بورژوا - دمکرات محبوب میشد.

درود بر تمامی شهدای به خون خفته خلق برتقرا رسا جمهوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار و راه آزادی طبقه کارگر

سندی دیگر از خرید قطعات یدکی از آمریکا

DEC 31/80

ATTN: MR. TABATABAI

FYI, FOLLOWING SENT TODAY ---

DEC 31/80

TO: IRANIAN AIR FORCE
ATTN: COL. A. LESSANI, DEPUTY MGR, PURCH AND CONTRACTS
REF OUR REVISED PROFORMA INVOICE NO. 1/80/12 AND CONTRACT F-C1
DATED 26 DEC 80.

GENTLEMEN,
PLS ESTAB 100 PCT IRREVOCABLE, CFMD TRANSFERABLE AND DIVISIBLE L/C
AT SIGHT IN FAVOR OF WESTERN DYNAMICS INT'L, INC, THRU
AMSTERDAM ROTTERDAM BANK, N.V., P.O. BOS 949, 3000 DD
ROTTERDAM, HOLLAND FOR ACCT NO. 423948485 COVERING FOLLOWING-

QTY	NSN	DESCRIPT	MFG CODE	UNIT PRICE	TOTA
L PR.					
200 EA	2620-00-	TIRE NOSE 18X5.5/14PR	25427	DLR 107.	DLR 21,400.
	052-4222	MAIN TIRE			
200 EA	2620-00-	TIRES NOSE 22X6.6	25472	244.	48,800.
	159-8647	10/20 PR			
200 EA	2620-00-	MAIN TIRE 37X11.5	25472	469.	93,800.
	159-8648	16/28 PR			
4 EA	5930-00-	SENSITIVITY SWITCH	04428	283.30	1,133.20
	275-7036				

TOTAL PRICE FOB PORT OF NEW YORK: DLR 165,133.20

FREIGHT DATA-

ITM 1 14 LBS EA, 17X17X5 INCHES EA
ITM 2 27.5 LBS EA, 21X21X6.5 INCHES EA.
ITM 3 90 LBS EA, 36X36X11 INCHES EA.
ITM 4 2.5 LBS EA, 2X2X2 INCHES EA.

OCEAN FREIGHT COST, PORT OF N.Y. TO LONDON - DLR 4,987.50

INSPECTION- INSPECT CHARGES BY SUPERINTENDENT CO. OF GENEVA OR OTHER INTERNATIONALLY RECOGNIZED INSPECTION CO. AT 1-1/2 PCT TO BE ADDED TO ACTUAL AMT OF L/C - DLR 2,551.81

INSURANCE - INSUR CHARGES FRM N.Y. TO LONDON AT 1.75 PCT OF TOTAL

AMT OF L/C TO BE ADDED TO ACTUAL L/C AMT. --- DLR 2,977.11

TOTAL CIF LONDON, ENGLAND : DLR 175,649.62

IT IS TO BE UNDERSTOOD THAT THE GOODS WILL BE SHIPPED TO ARYA LINE AND/OR IRAN AIR IN LONDON AT YR OPTION FOR TRANSHIPMT TO JULFA/BAZARGAN AND/OR BANDARABAS ACCORD TO YR INSTRUCTS. ANY AIRFREIGHT/TRUCKING/OCEANFREIGHT FRM LONDON TO FINAL DESTINATION TO BE BORN BY YR ORGANIZ AND BE PD DIRECTLY TO IRAN AIR AND/OR ARYA LINE ACCORD.
IN CASE YU DEEM IT NECESS, WE WOULD SHIP THE GOODS TO SCHENKERS IN LONDON OFFICE FOR FINAL TRANSHIPMT TO TEHRAN DIRECTLY BY TRUCK OR RAIL CARS.

REGARDS,
WESTERN DYNAMICS INT'L, INC.
NEW YORK

سران رژیم زحزبی ها گرفته تا لیبیراها همه منکرروابط بین آمریکا و ایران هستند، همه آنها را می کنند، اما هیچیک به توده ها حقیقت را نگفته اند و بر حسب ما هیت ضد خلقی ایشان نمیتوانند حقیقت را بگویند:

بنی صدر می خواهد اما به جنگ "بدون دریافت قطعات یدکی" را معجزه فرماندهی خودش وانمود کند و رجائی فریبکارانه ادعا میکند که در برابر تانکها و هواپیماهای دشمن از تانک دست و چوب و چماق استفاده میکند! اخبار و اسنادی که ما و دیگر کمونیستها در رابطه با خرید اسلحه و قطعات یدکی منتشر کرده ایم و زیر و زحقیقت خود را بیشتر به توده ها نشان میدهد و در ریزش توهم آنها نسبت به این رژیم ضد خلقی نقش فعالی را ایفا می نماید.

سند و پروتکل نشان میدهد که در تاریخ ۳۱ دسامبر (دهم دیماه ۱۳۵۹) تلگرافی از طرف شرکت "وسترن دینامیکز اینترنشنال" (Western Dynamics INT'L) به نیروی هوایی ایران (خطاب به سرهنگ لسانی) ارسال شده است. در این تلگراف لیست تفصیلی قطعات یدکی آمریکائی جهت تحویل به نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است و بهای آنها از طریق بانک "مستردام - روتردام" هلند قابل پرداخت میباشد. شرکت "وسترن دینامیکز اینترنشنال" در پایان تلگراف اعلام کرده است که کالاها آماده تحویل اند و هر طور نیروی هوایی ایران صلاح بداند آنها را به خطوط کشتیرانی آریا یا به دفتر خطوط هوایی ایران در لندن یا به جلفا، یا به مرزبازرگان یا بندر عباس تحویل خواهد داد.

این تلگراف که مبتنی بر قرارداد بین نیروی هوایی ایران و آن شرکت آمریکائی است در زمانی ارسال شده که هنوز گروگانها در ایران بوده اند و مذاکرات ادامه داشته است. این قرارداد در حالی اجرا میشود که فریادهای "ضد آمریکا" رژیم گمشو فلک راکر کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی خود با امیربالیستها روابط پنهانی و سازشهای خائنه دارد تا نگاه کمونیستها و نیروهای انقلابی را و قیانه "آمریکائی" قلندار میکند! از یک رژیم ضد انقلابی جز این انتظاری نیست.

خانه گردی شبانه پاسداران در میانند و آب

حوالی نیمه شب ۲۵ دیماه، پاسداران و کمیته جی های میانند و آب به خانه های مردم زحمتکش این شهر هجوم برده و به خانه گردی و تفتیش پرداختند. این مرتجعین که گاه دنبال شخص معینی میگشتند، فرد دیگری از خانواده وی را به گروگان گرفته و با خود میبردند. این مزدوران "مکتبی" از زدن پول و اشیاء قیمتی مردم نیز فروگذار نکردند. رفقای هوادار در میانند و آب با انتشار اعلامیه توضیحی، یورش شبانه مزدوران رژیم را به خانه های مردم میانند و آب افشا کرده و با اشاره به جنایات رژیم، مردم را به مقاومت و مبارزه در برابر اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و پشتیبانسی از نیروهای کمونیست فراخوانده اند.

اردوهای آوارگان و توطئه رژیم بر علیه جنگ زدگان

این روزها دیده میشود که عمل رژیم به عناوین مختلف فشا خود را بر آوارگان جنگ گسترش داده اند. قصد آنها از اعمال این فشارها وادار کردن آوارگان برای رفتن به اردوهایست. مثلا خوابگاه ۲۵ بیشتر دستوشینها و حمامها و آشپزخانه ها پیش خراب شده و سقف آنها ریخته است با خوابگاه ۲۲ بسیار کثیف است و سایر خوابگاهها نیز کمابیش چنین وضعیتی دارند. غذا، پوشاک و کمکیها نیز کمتر شده است. در جواب همه این نارسا شیها ما موران رژیم میگویند خوزستانها کشیفند، اینها بی فرهنگ هستند و راه حل را هم عزیمت آوارگان به اردوگاهها میدانند. اما آیا این رژیم زفرستان جنگزدگان به اردوهای خیر و صلاح آنها را میخواهد و یا اینکه طبق معمول کاسه های زیرنیم کاسه اش دارد؟ هموطنان جنگ زده زمانی که می بینند اردوگاه جیرفت از شدت باد و بوران در وضعیتی است که بینی صدمتی با هلیکوپترش نمیتوانند بنشینند و وقتی می بینند اردوهای جنگزدگان در نقاط دور افتاده، سرد آب و هوا، و در حاشیه شهرهای کم جمعیت برپا شده اند، وقتی رفتار ما موران رژیم را با خود دیده می بینند و... جای شکی برایشان باقی نمیماند که رژیم از اردوهای آوارگان هیچ قصد و نیتی بجز خلاص شدن از "شر" جنگزدگان، بجز دور کردن آنها از محیط های پر جمعیت به نحوی که صدای اعتراض آنها به گوش دیگر زحمتکشان نرسد تا به خیال خود بتوانند صدای حق طلبان آنها را خفه سازد و در سر نمیپروانند. هموطنان جنگزده فقط با اتحاد و تشکل و افشای بی امان توطئه انتقال به اردوگاههای جنگزدگان قادر خواهید بود در مقابل رژیم مقاومت نموده و از پراکنده شدن خود جلوگیری بعمل آورید.

در جهت خنثی نمودن توطئه انتقال جنگ زدگان به اردوهای متحده عمل کنیم!

آوارگان جنگ

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز

خواسته های برحق خود را با مبارزه بدست آوریم

ما در طی مدت چند ماهه و آوارگی در بدترین شرایط بسر بردیم و هرگونه توهین و رفتار سرکوب گرانه را از مسئولین دولتی دیده ایم. این مدت چند ماهه نشان داد که اگر بخوایم منتظر

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

شویمتا مسئولین برای ما کاری گنند با دست از زندگی بشویم. آنها هیچگاه برای ما کاری نخواهند کرد. تجربه ما این است:

برای رسیدن به خواسته های برحقمان، باید متحدانه مبارزه کنیم. در این راه ما خواهشهای خود را به شرح زیر اعلام میکنیم:

۱- تهیه هرچه فوری تر مسکن برای آوارگان در سرجرد،
۲- تامین ما بحتاج زندگی از خوار بار رتاسوخت،

۳- تامین بهداشت برای آوارگان (رایگان)

۴- پرداخت حقوق کارگران و کارمندان و معلمان خوزستانی،

۵- ثبت نام دانش آموزان خوزستانی و تامین مخارج تحصیل آنها (رایگان)،

۶- بدست گرفتن کلیه امور آوارگان بوسیله نمایندگان منتخب از بین خوزستانیها،

اتحاد، اتحاد آوارگان اتحاد شعاع و راه واره بنان، مسکن، آزادی

مسکن، مسکن، حق، مسلم ما ست،

هر چه زودتر با موقع بیکساری

برای آوارگان پرداخت با بدگرد

جمعی از آوارگان خوزستانی - بر جرد

بانتقال از قریب آوارگان کمیته خوزستان

سازمان شماره ۱۲

خطابیه آوارگان مبارزه رژیم جمهوری اسلامی:

"خوب گوشها بتان را با زکندای گردانندگان مرتجع جمهوری اسلامی، این ندای آوارگان مستقر در اصفهان است که شما را مورد خطاب قرار میدهد... شما که با تمام قدرت مذبحانته در جهت بازاری و احیای سرمایه داری وابسته در ایران تلاش میکنید، امروز بصورت جناحهای مختلف جهت کسب قدرت هر چه بیشتر در حکومت با چماق بر سر یکدیگر کوبیده و هر کدای خود را حاسی مستضعفین جا میزنید، با همپا لکی خود رژیم عراق جهت منحرف کردن اذهان عمومی از مشکلات داخلی به مسائل بیرون مرزی جنگ براه انداخته اید... وقتی ما در زیر گلوله و خمپاره و خمسه خمسه مجبور به ترک خانه و گمانه خود شدیم در ابتدا در شهرهای مختلف از طریق بلندگوهای تبلیغاتی به شدیدترین وجهی به توهین و آزار ما پرداختید و ولی هنگامیکه ما مبارزه و عکس-

العمل همشهریان ما در شیراز و کرمانشا و... روبرو شدید، یکشنبه رنگ عوض کرده و ما را "برادران و خواهران" خود خواندید، اما ما آوارگان شما را از عملکردها بتان میشناسیم و به شما راهها و حرفها بتان اعتماد نداریم... ما آوارگان جنگ همراها با سازمان زحمتکشان و کارگران بتدریج به این واقعیت پی میبریم که حکومت جمهوری اسلامی، حکومت سرمایه داران است... متحد شویم و خاسته های رژیم جمهوری اسلامی را به همه زحمتکشان بتان سانسیم."

بانتقال از ندای آواره "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته اصفهان شماره ۵

۱۳۵۹/۱۰/۲۴ با اندکی تلخیص.

وضعیت آوارگان در اردوگاه جیرفت

اردوگاه آوارگان در ده کیلومتری جیرفت واقع شده است. جا درها در منطقه بدگیر قرار گرفته و آوارگان از این جهت هم در عذاب هستند. ما نتوانستیم اردوگاههای دیگر، آوارگان از جهت مواد غذایی و سوختی در مضیقه هستند. کنترول پلیسی بر اردوگاهها کم است و هر ما شبنسی از آوارگان که به اردوگاهها وارد میشوند از طرف پاسداران مستقر در آنجا تفتیش و آوارگان شناسائی میشوند، رژیم وحشت خود را از تماس آوارگان با دیگر توده ها در این اردوگاه هم نشان میدهد. هر قدر غریبه ای که به اردوگاه وارد میشود با بدرفتاری نگهبانانی شناسائی شود و بعد داخل اردوگاهها را به باد آوارگان میزند. فشارهایی که بر آوارگان زحمتکش وارد میکند نمیتواند از اجگیری مبارزات آنها جلوگیری نماید.

نامه فرهنگیان مناطق جنگ زده به "باهنر"

اخیرا معلمین مناطق جنگزده تحت عنوان "کمیته ها هنگی منتخب معلمان جنگزده" در شیراز نامه ای به "باهنر" وزیر آموزش و پرورش نوشته و در آن درخواستهای خود را بصورت زیر مطرح کرده اند:

"بعلت شرایطی که جنگ غیرعا دلانه بر مردم مناطق جنگی تحمیل نموده است و تمامی آنها را آواره شهرها کرده است، ما فرهنگیان خوزستان نیز به عنوان بخشی از این مردم، آواره شهرها گشته ایم که عده ای از ما در شیراز سکنی گزیده ایم. و با کسب نمایندگان خواهشهای برحق زیر را به اداره کل آموزش و پرورش ابراز داشته ایم:

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

وضعیت مردم در آبادان جنگزده

و تا مین منافع آنها را درگرو کشته شدن خویش می بینند که دیگر به هیچ قیمتی حاضر به رفتن در جبهه های جنگ ارتجاعی نمیباشند. نمونه زیرنا شیدی برگرفته های بالاست :

دراواسط دی ماه فرماندهان مزدورینا بر طرح فرستادن عدهای سربازان و "جوانمردان" و افسران به جبهه، حاجی به مبلغ ۶ هزار تومان به ۵ نفر از سربازان و "جوانمردان" شهر بهیمان که حاضر نبودند به جبهه بروند قسرا میدهند اما آنها با هم حاضر به رفتن به جبهه جنگ ارتجاعی نمیشوند.

بگذار رسماً به داران خود به جنگ ارتجاعی بروند که نمبروند، چراز حمتکشان گوشت دم توب شوند؟

فریاد خود را بر علیه جنگ بلند کنیم

جنگ غیرعا دلانه کنونی برای زحمتکشان ما چه ارمغانی آورده است :

- * - کشتار زحمتکشان و فرزندانشان در زیر بمبها و توپها و خمپاره ها ،
 - * - آوارگی یک میلیون ونیم از مردم زحمتکشان
 - * - تشدید سرکوب و خفقان
 - * - صفهای طولانی برای نفت، روغن، قند و ...
 - * - تشدید بیکاری، گرانای، قحطی و ...
 - * - از دست دادن هست و نیست و خانه و کاشانه
 - * - پر شدن جیب سرما به داران و تاجران و ...
- پس تا بود با این جنگ قدم مردمی و ارتجاعی!

شدت بیایی بمباران شهر آبادان در ۱۵/۱۵ تا ۲۵/۱۵، وضعیت مردم با قیما نده در شهر که به نسبت آوارگان کوچ کشته بسیار کمتر هستند بمرا تب و خیم تراست. به جز نان چیز دیگری برای خوردن پیدا نمیشود جیره غذایی با همکاهش یافته است بطوریکه برای هرفرد ماه یک کیلو سیب زمینی و سه کیلو برنج و یک کیلو روغن داده میشود، بی غذایی پیدا میکند. مردم با قیما نده در شهر شدت ناراضی هستند، اکثر خانه ها مورد سرقهت قرار گرفته اند، ارتشیان و پاسداران خانه های مناطق کوی آریا و کوی کوروش و کوی - شیخ را غارت کرده اند و عرا قیما خانه های آنسوی رودخانه خر مشهرا چپا ول نموده اند. آری این جنگ ارتجاعی برای توده های ما نیز مانند مردم عراق فقط فلاکت و بدبختی به ارمیا ورد!

پرداخت باج برای رفتن به جبهه!

هر روز که از جنگ ارتجاعی ایران و عراق میگذرد توده ها بیشتر به ما هیت رژیمهای ارتجاعی درگیر جنگ پی میبرند، توده های ارتش نیز که خود را بعنوان گوشت دم توب سرما به داران دیده

- ۱- برسمیت شناختن نمایندگان شورای منتخب معلمان و عدم دخالت ارگانهای غیرمسئول
- ۲- ما ... خواهان پرداخت تمام حقوق و مزایای هیتمیم که در محل اشتغال به کار به رسمه روال شغلی قدیم باشد،
- ۳- از آنجائی که مسکن آنهم تحت شرایط فعلی از مسائل لاینحل ما بوده، لذا میتوان تعدادی از خوابگاههای دانشگاه شیراز را که اکثر اخلالی میباشند و یا آنها را برای کس صاحبان آنها سرما به داران فراری میباشند، در اختیار جنگزدگان قرار گیرد.
- ۴- انتقال به آموزش و پرورش شیراز و تدریس به کودکان جنگزدگان،
- ۵- به روال گذشته شرایطی فراهم کرد که بعنوان فرهنگیان جنگزده ما بحتاج خود را از شرکتیهای تعاونی بطور اقساط خریداری نمائیم.

اما مدیرکل آموزش و پرورش استان فارس بجای پاسخگویی به خواسته های برحق ما متوسل به شیوه های پلیسی گشته و ما مورین زاجهست بر اکندن جمع ما خبر میکنند، اینک فرهنگیان خوزستانی در شرایط سخت و بحرانی بسر میبرند، ما موفقیت و پیروزی معلمان جنگزده را در بدست آوردن حقوقشان خواهیم دید.

بنقل از اعلامیه "کمیته هماهنگی منتخب معلمان جنگزده" با اندکی تلخیص و تغییر "

درباره برخی "تجار محترم"

۳- حاجی حبیب الله شفیق: علاوه بر اینکه از سرما به داران میلیونربا زرتهران است بنا تجار شیخ نشین ها سعودی معاملات بزرگی دارد، در شرکت "دژا زنو" سهام است و خانه مجلل او نیز پشت حسینیه ارشاد میباشد.

۲- حاجی ابوالفضل توکلی: تاجر میلیونر قماش، زمین با زویسا و بیفروش بزرگ که در سایه امنیت شاهان و با شراکت آقای هاشمی - رفسنجانی و تحریرین (ما حب کارخانه معروف خودکار بیک) و توسلی (برادر شهردار سابق) و احمد علی بابائی (سرما به دار با صلاح لیبرال و نماینده شرکت لیبلان و دفا ایلتا لیبائی در تهران) بولهای کلانی به جیب زد، توکلی همراه همین شرکاء "محترم" شرکتی بنا مال بزرگنوب نیز دارد. این یک شرکت خانه سازی و کشا ورزی است و جالب است بدانید که پس از قیما مکارگان کشا ورزی شرکت علیه ما حیاب سرما به دار "اسلامی" قیما مکرده و زمینهای را که بر روی آن جان میکنند مصادره نقلایی نمودند، توکلی در قم نیز شرکت "دژا زنو" را دارده که به همراه یاران مکتبی اش زمینهای را که به ۳۰ تومان از تولیدات قم خریده بودند به متری ۱۰۰ و بعد ۵۰۰ و بالاخره به ۱۰۰۰ تومان فروختند. تنهها در قطعه ای از این زمینها منتقله ای بنام "سالاریه" درست شده است منزل چند میلیون تومان نسی توکلی پشت حسینیه ارشاد قرار دارد.

۴- جوان رفیق دوست: میدان دار معروف میدان تره بار و میوه تهران و برادر محسن - رفیق دوست (رئیس تدارکات سپاه پاسداران که در قتل ۴ رهبر خلق ترکمن دست داشته و حواله ۲۰۰ میلیون تومانی رفسنجانی برای خرید سلاح بنا ما و مارد شده بود)، این دو برادر در سال ۵۴ یک قلم ۱۲ میلیون تومان برتغال از لبنان وارد کردند که پرشفا لها در کشتی فاسد شد و البته این ضرر کوچک! با غارت حاصل کار کارگمران و دهقانان جبران گردید، ضمناً چون ایشان در چپا ول دسترنج دهقانان و کارگران کشا ورزی تخصص دارند مورد علاقه نخست وزیر مکتبی، قسرا گرفته و به ایشان سمت رئیس ادارا کشا ورزی بنیاد مستضعفین داده شده است.

۵- علی اصغر حاجی بابا: حدود بیست سال

چندی پیش کمیته تهران سازمان ماطسی اعلامیه ای تحت عنوان "تاجران میلیونر با زار در راس بنیاد مستضعفین" چهار تن از مکندگان خون زحمتکشان را افشا کرد، اینها از جمله "تجار محترم" با زار هستند که همواره از طرف بیت الله خمینی با همین صفت از آنها یاد میشود، اینها کمائی هستند که نمایندگان سیاسی شان در رژیم فعلی براریکه قدرت (در حزب جمهوری اسلامی، مجلس و در دولت) سوارند و خودشان هم مشخصاً به "رتق و فتق امور" در جاهائی مانند "بنیاد مستضعفین" مشغول میباشند. ارزش کارخانه ها، مزارع، باغات و شرکتیهای تجاری اشیا، وجوهرات گرانقیمت که تحت نظارت این بنیاد است سربه میلیاردها تومان میزند. ما درجای دیگر لیست بیش از ۱۲۰ شرکت را که این بنیاد مالک آنها یا در آنها شریک است منتشر خواهیم کرد.

اما چهار سرما به داری که در اعلامیه مزبور مورد افشاکری قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- حاجی مسعود کریمی: عمده فروش قماش، صاحب دهها میلیون تومان ثروت، صاحب سهام عمده در شرکت لعاب قائم (واقع در جاده ورامین که ۲۰۰ کارگر را استمرا میکند) و معاون رجائی در "بنیاد مستضعفین"!

درباره آلترا تئو کمونیستی

رفیق ص از اصفهان طی نامه ای انتقاد - آمیز بر سریده است آیا بنا توجه به ضرورت وحدت و اتحاد عمل و... برای کشاندن دمکراتها به دنبال پرولتاریا و کسب قدرت سیاسی، برخورد های سازمان که آلترا تئو خود را بجای آلترا تئو حزب تبلیغ میکند، نگری سکتاریستی آنچنان که رفقای نبرد میگویند نیست؟ و بعد با ذکر جملاتی از بیسمام سازمان به ما هدیه می گوید که ما خودمان را به تنها شی نیروی پیگیر جنبش کمونیستی می دانیم و دلیل آن، اینست که حتی اسمی از سایر نیروهای کمونیستی پیگیر دنیا و رده ایم و گفته ایم "هدایت خا شانه چریکهای فدائی اکثریت با سازمان ما نشان هدایت آنها با کل جنبش کمونیستی ایران، با ما رکسیسم- لنینیسم و طبقه کارگر است" و بعد می گوید: آیا بدین ترتیب ما بالاخره به این شعار خرده بورژواشی نعیرسیم که "تنها رهراشی، پیوند با پیکاری!"

رفیق عزیز! در پاسخ به انتقادات تو با دیدگوشیم همه نظور که از کلیه مواضع سازمانی ما پیدا است ما تنها خود را نیروی کمونیستی پیگیر نمی دانیم و هرگز چنین ادعائی نیسز نکرده ایم. ما خود را جزو بخش پیگیر جنبش کمونیستی میدانیم و علاوه بر سازمان نیرو - های دیگری نیز هستنند که ما آنها را علیرغم انحرافاتشان جزء این بخش بشماریم آوریم. اما با طرح ضرورت تبلیغ آلترا تئو سازمان، به معنی نادیده گرفتن سایر اجزای جنبش کمونیستی و جانشین نمودن سازمان بجای حزب است؟ بنظر ما چنین برداشتی بجای آنکه از نگری ما رکسیستی نشأت گرفته باشد از زاویه ای انحلال طلبانه و ایده آلیستی صورت میگیرد. زیرا همچنانکه در جامعه خودمان نیز برای العین مشاهده میشود، امروزه تبلیغ کمونیم، بصورت کلی معنی ندارد. ایدئولوژی کمونیم در تشکیلات کمونیستی مختلف متبلور شده و ما دیت یافته است امروزه تشکیلات گوناگون اعم از تشکیلات کمونیست های پیگیر و ناپیگیر و حتی رویزیونیستی، خود را کمونیست میخوانند از اینرو طرح آلترا تئو سازمان، به معنی آن است که آلترا تئو کمونیستی پیگیر در نزد توده ها تبلیغ شود و توده ها با شناختن تشکیلات پیگیر کمونیستی از جمله سازمان ما، مرز آنرا با سایر جریانات مدعی کمونیم و کمونیستها را ناپیگیر دریا بداند در کهای انحلال طلبانه مانند درک نبرد سازمانها را از منی و برنا نه ما جدا نموده و درکی انتزاعی از منی و برنا ما را که میدهند، با بدرا بطسه دیا لکتیک منی و سازمان را درک نمود، تکیه بر آلترا تئو کمونیم، بدون آنکه توده ها، حیسات سیاسی، نفوذ توده ای، منی و برنا معین و آلترا تئو تشکیلاتی معین کمونیستی را دریا بدی بی معنا خواهد بود. بهیچوجه کافی نخواهد بود که ایده های عمومی کمونیم تبلیغ شود علاوه بر آن باید منی های مشخص را نیز در میان توده تبلیغ کرد اما برواخص است که منی های مشخص از زمانهای معین جدا



منی باشند، تنها یک درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه این مسئله را نفی میکند، امروز توده ها علاوه بر ایده های عمومی کمونیم از طریق منی یک تشکل سیاسی خاص به کمونیم روی می آورند مگر مبتوا نه بطور آگاهانه که کمونیم - آلترا تئو برای توده ها گشته باشد، بی آنکه تشکیلات سیاسی کمونیستی معینی در نزد توده ها آلترا تئو گردا بین همان درک ایده آلیستی و انحلال طلبانه است که رفقای نبرد در دنیا میکنند و میکوشند تا تحریف نظرات ما، ما را متهم بدان نمایند که جنبش کمونیستی را محدود بیه خود میدانیم، چه بنظر ما اتفاقا نیروها شی امثال "نبرد" تنها با چنین اشکال تراشی ها و مرز بندی های کاذب است که میتوانند موجودیت مستقل خود را توجیه نمایند اما همچنان فریاد وحدت طلبی سر دهند.

با رد دیگر تذکر می دهیم طرح آلترا تئو کمونیستی، تنها با طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی امکان پذیر است، اگر چه تنها تشکیلات آلترا تئو طبقه ای حزب است و حزب تیر بدون وحدت کمونیستها را ستین امکان پذیر نیست لیکن تا تحقق وحدت نیابد از طرح آلترا تئو سازمانهای کمونیستی خودداری نمود، این امر برای طرح آلترا تئو طبقه ای (حزب) ضروری است از اینرو هر جریان سیاسی کمونیستی در عین حال که فعلا نه با دید راه راه و وحدت جنبش کمونیستی و ایجا دستا دپرولتاریا بکوشد لیکن هرگز نیابد طرح آلترا تئو کمونیستی را موکسول به وحدت نماید کمونیستها با بدبا طرح خط منی و برنا مه پیگیر و کمونیستی و معرفی و تبلیغ سازمان کمونیستی پیگیر خود، در برآمد آلترا تئو کمونیستی موشربوده و راه تحقق آلترا تئو طبقه ای را هموار نماید. بر همین سباق ما وظیفه هواداران خود میدانیم که در کهای انحلال طلبانه را افشا کرده و با تبلیغ خط منی و برنا مه پیگیر سازمان و تبلیغ و معرفی سازمان در نزد توده ها، در برآمد آلترا تئو کمونیستی در نزد توده ها با تمام قوا بکوشند. فکر میکنیم توضیحات فوق، روشن نموده باشد که ما تنها رهراشی را پیوند با کمونیستها و اعمال رهبری آنها در جنبش انقلابی میدانیم و بر این سباق، پیوند سازمان پیکار را با رگران و زحمتکشان را، جزئی از پروژه است مین رهبری کمونیستها میدانیم.

رفیق م - کار از بروجرد:

این رفیق طی نامه اش اشاره به شایعه ای

کرده که گویا پیکار رتئوریک (۲) بدلیل اختلاف نظر بر سر حاکمیت منتشر نگشته است، رفیق خواهان روشن شدن این مسئله است. رفیق! ما نمی دانیم این شایعات را چه کسانی رواج میدهند، لیکن برای اطلاع شما با دیدگوشیم، علت اصلی تا خیرا نشنا رپیکار - تئوریک ۲، برخی ابهامات و اشکالات موجود در قطعنامه ها بوده که اصلاح آنها ضرورت داشت و این تا خیر بهیچوجه بعلت اختلاف در برخورد به قدرت سیاسی منی باشد. پیروز باشید رفیق ن.

این رفیق در مورد ضرورت برخورد به مجاهدین خلق ایران "که بزرگترین نیروی انقلابی جامعه ما است"، توضیحاتی داده است و برخورد با مجاهدین را از دوزا و به سیاسی (به "دو آلیسم" فکری آنها) مطرح ساخته است. لیبرالی (و ایدئولوژیک (به منظور درهم شکستن "دو آلیسم" فکری آنها) مطرح ساخته است.

رفیق عزیز! ما نظور که خود نیز ذکر کردیم، امروزه برخورد به مجاهدین از دوزا و به سیاسی و ایدئولوژیک لازم است، این وظیفه جنبش کمونیستی ایران است که با مبارزه ایدئولوژیک فعال با مجاهدین، گرایشات لیبرالی آنها را نرد نموده، دمکراتیسم آنها را ارتقا داده و این نیرو را بمناسبت متحدی قابل اعتماد در صف انقلاب نگاه دارد، از طرف دیگر، امروزه مجاهدین توده های وسیعی را بسوی خود تحت جذب شعاری "سوسیالیستی" میکشاند، بسیاری از هواداران مجاهدین ساده اندیشانه میپندارند که نمایندگان سیاسی طبقه کارگرند! و سوسیالیست های واقعی میباشند! و پرواضح است که این تفکرو این تلقی را رهبران سازمان ما می دهند، آنان گاه و بیگاه با نقد "درک خرده بورژواشی" از اسلام (گویا درک پرولتری از اسلام هم وجود دارد و آنهم متعلق به مجاهدین است!) یا با نقد پورتونیم راست و چپ "به هواداران خود چنین القا میکنند که خود را از خط پرولتری هستند! و کمونیستها دجا را پورتونیم راست با چپ میباشند! بهرحال ما با تکیه بر این امر که ما رکسیسم- لنینیسم در ایران نه تنها در مبارزه علیه رویزیونیسم و پورتونیم قوامی با بد بلکه همچین در مبارزه علیه ناردنیم (سوسیالیسم خلقی) و طنی نیز قوامی یابد!

ایدئولوژی مجاهدین خلق احیای نوع جدیدی است که همان تفکرات خرده بورژواشی ناردنیکها را دنبال میکند، این ایدئولوژی بر آنست که ما تریا لیسم تاریخی آری، ماتریالیسم فلسفی نه! تفکر حاکم بر مجاهدین با پیوند بین ایده آلیسم و ماتریالیسم تاریخی تحت عنوان "رثا لیسم" و خط منی پرولتری! شعراهای تخیلی "پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی" را دنبال میکنند و اعتیاد اینست که مجاهدین دمکراتها شی میباشند که خود را سوسیالیست جلوه میدهند و از

بقیه در صفحه ۲۴

پیرامون جنبش زنان زحمتکش

ذهنی لازم برای بدست آوردن حقوق از دست رفته فرا هم گردد چرا که کلیه رژیمها و دولت‌ها بی که نما بنده است شما رگران و سرما به داران می - باشندند میخواستند و نه میتوانند کوچکترین اقدامی در راه ایجاد زمینه مناسب برای رها بی زنان زحمتکش از قید قوانین ظالمانه دوران گذشته بنما بند .

بدین ترتیب مبارزات زنان زحمتکش میبایست حول هدفهای اساسی طبقه کارگر شکل گیرد که برچسب را انقلاب تا استقرار جامعه کمونیستی میباید بدون شک کارآموزشی و آگاه‌گرانه در باره زنان در جامعه سوسیالیستی همچنان ادامه میباید و از اینجا است که پروولتاریا موظف است برای حرکت پیرومند بسمت جامعه سوسیالیستی ... ، توده زنان محروم جامعه را که به مثابه نیمه از ارتش آزادی بخش میباید باشند تحت آموزش و سازماندهی خود قرار دهد تا پیروزی انقلاب قطعیست بیا بد .

مبارزات زنان زحمتکش حول چه اهدافی انجام می‌گیرد؟

از آنجا که محل واقعی مساله زنان زحمتکش بانفی مالکیت خصوصی، زمین رفتن جامعه طبقاتی و نهاییت نا بودی سرما به امکان پذیر است ، از آنجا که رها بی کامل زنان مستعد شده در بر توجا معه سوسیالیستی و استقرار کمونیسم ، برقرار میگردد ، از این لحاظ مبارزات زنان زحمتکش ما تا انجام انقلاب سوسیالیستی هم - چنان ادامه یافته و بطور کلی دارای سمت و سوی سوسیالیستی و ضد سرما به ای خواهد بود .

"جمع بندی تحلیل ما به اینجا ختم میشود که این دقیقاً سرما به است که محدودیت مطلق بر اجتماعی شدن کارخانه قرا میدهد و از این طریق موجب شرایط نابرابری زنان و دوام و بقا این شرایط میگردد ، از اینجا که ملا روشن میگردد که مبارزه زنان برای رهایی واقعی مستلزم مبارزه ای مستقیم علیه سرما به است . وجود کار خصوصی و منفرد در خانه ، همراه با موقعیت پائین تر زن در تولید اجتماعی ، با به تمام مادی زن را تحت نظام سرما به داری بنما می کند ، رها بی و برابری حقوق زن با مرد ، تنها در جامعه سوسیالیستی که در آن تولید برنا مریزی شده ، هر نوع جدائی بین تولید ←

و نیز ابزار تبلیغاتی برای فروش کالا بکار گرفته شدند در عین اینکه با زهم همسان محرومیتها از حقوق اجتماعی برجای مانده بود بطور کلی زنان در جوامع طبقاتی حکم کالا را دارند چرا که بصورت محترمانه اما در حقیقت در مقابل پول (مهریه و شیربها) خرید و فروش میشوند ، این امر نوعی هم در طبقات مرفه و هم بطور مشخص در طبقات زحمتکش وجود دارد .



ما نظریه که در جامعه سرما به داری ، طبقات حاکم و استثمارگر ، از طریق قانونی نمودن بهره کشی از طبقات زحمتکش ، اختلاف طبقاتی را بصورت امری بدیهی جلوه گر نموده و مینماید ، به همان شکل نیز این ستم شکنان ریزان را که مربوط به دورانهای ماقبل سرما به داری می - باشند بصورت قوانین گوناگون و تثبیت شده در آورده ، و در همین رابطه فرهنگ این ستمگری را در اندیشه و تفکر کلیه افراد جامعه (حتی خود زنان) تبلیغ و ترویج نموده و آنرا گریزنا پذیر جلوه گر ساخته اند .

حال با توجه به موارد بالا از بین بردن چنین تفکرو اندیشه ای از ذهن توده های مردم و وابسته بدعا مل ذهنی و عینی است ، عامل ذهنی عبارت است از تلاش و کوشش بیگرمونیستها در جهت توضیح ماهیت این نابرابریها ... و عامل عینی عبارت است از نابودی مناسبات سرما به داری و نفی مالکیت خصوصی . زنان زحمتکش همبای مردان زحمتکش به مبارزه برای استقرار "جمهوری دمکراتیک خلق" میپردازند تا پس از آن زمینه عینی و

با توجه به اینکه سازمان ما بعنوان یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی وظیفه خود میداند که در سازماندهی و ارتقاء جنبش زنان زحمتکش بعنوان نیسی از نیروی انقلاب در جامعه قدم برداشته و سهم خود را در دستان نسبت به توده های زحمتکش ادا نماید ، از این رو رفقای "کمیته زنان" تصمیم گرفتند تا به جمع بندی و شور و زه نمودن مجموعه فعالیتهای چندین ماهه اخیر خویش بپردازند و با ارائه آن به سطح جنبش این زمینه را فراهم آورند که این بحث اساسی در میان سازمانها و گروههای ملی بیا بگیرد ، زیرا به اعتقاد ما تنها از طریق جمع بندی تجربیات و گوش دادن یک مجرای بسیار زه ایرو لویژیک است که میتوانیم ایده های مارکسیستی - لنینیستی را در باره جنبش زنان زحمتکش ، چگونگی سازماندهی آن و نقش آن (زنان زحمتکش) در تحقق انقلاب دمکراتیک با زنده و به مثابه راهنمای عملی به جنبش گریزیستی عرضه کنیم ، از طریق این کوشش مجدانه است که هم میتوان راه رها بی کامل زنان را نمایانند و هم از نیروی این توده های محروم و تحت ستم در جهت تحقق آرمان پروولتاریا بهره گرفت .

با وجودیکه کار "کمیته زنان" بطور ویژه بر روی زنان خانه دار و محلات انجام شده ولی در آنها بیت امروبا سلسله در هم آمیختن تجارب حاصل از کار سازمانی و تئوری های ملی توانستیم بیک حداقل قانونمندی از فعالیت در میان زنان برسیم بحث ما دارای دو محور اساسی است :

اول: چرا با بدرمیان زنان زحمتکش کار کرد؟
دوم: با چه ابزار و تشکیلاتی با بدزندان زحمتکش را مشکل نمود؟

البته هر دو محور خود دارای بخشهای مختلفی است که در طی بحث به آنها برخورد میکنیم ، برای پاسخگویی به قسمت اول استدلال ضروری است که بطور بسیار مختصر به علت پیدایش مسئله زن بپردازیم :

زنان در ابتدا و در جامعه اشتراکی اولیه بواسطه مشارکت در تولید اجتماعی "قبیله" دارای مقام خاصی بودند و حتی در یک دوره از تاریخ بصورت نقطه برجسته ای ، دوران مسادر سالاری را بوجود آوردند ، اما بر اثر پیدایش مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات و هم - چنین تقسیم اجتماعی کار و فزونی گرفتن نقش مرد در تولید ، زنان به تدریج از گردونه تولید اجتماعی بکناری گذاشته شدند (۱) و نقش حاشیهای در پیش بردا مورخانواده به سه عهده شان نهادند .

از آن پس ، از حقوق برابر با مردان و سایر حقوق اجتماعی محروم گشته و تنها بعنوان ابزار برای تولید مثل ، نگهداری اطفال ، خانه داری و نهاییت در جوامع بورژوازی به عنوان ذخیره نیروی کار در باره کار از جهت سی

بقیه از صفحه ۱۷ درباره...

پیش او و برادر پدرش در خیابان بوذرجمهری به شغل آهن فروشی مشغول بودند. آنها از طرفداران آیت الله میلانی بودند در راههای ۴۰ میلانی بیشتر از طرف لیبرالها حمایت میشد. دلای فروش آهن و بچیب زدن دسترنج زحمتکشان هر روز بیشتر کار آنها را که کرده کارخانه ای در جاده کرج برای پرس آهن قرانیه" و سپس کارخانه پارس مثال را دادا برگرداند.

هم اکنون علی اصغر حاجی با با مدیرعامل کارخانه شوقا زکا و روهما کارخانه پسران - ناسیونال میباشند. حدود ۸-۷ ماه پیش حدود ۳ میلیون تومان از لوازم پزشکی کارخانه ایران ناسیونال دزدی میکنند و ۳ ماه قبل با اعتراض شدید کارگران بر سر مسائل صنفی روبرو میگردد در زیم حا می سرما به داران او را در خطری بیندو ظاهرا به زندانش می اندازد و ۱۸ میلیون تومان خمس و زکات کارخانچاش را که در دوره رژیم گذشته نبرد اخته بوده مطالبه میکنند. سپس برای "مصلحت" قضیه به او پیشنهاد میشود که ۹ میلیون تومان به حساب دولت بریزد و یکی از اشخاص "معتبر" نیز او را ضمانت نماید.

علی اصغر حاجی با با به آیت الله بهشتی پیشنهاد میکند که ضامن او را بنامید و بهشتی میگوید: "چون من وضع خوبی ندارم و گفته اند که من حا می سرما به داران هستم اگر ایمن ضامن را بکنم بیشتر برویم میریزد."

بهر حال علی اصغر حاجی با با حدود دو هفته پیش با قید ضمانت از زندان آزاد شده است. ضامن بد نیست. خاطر نشان کنیم که میگویند تا پوربختیا رخاشن قبل از اینکه در زندان نخست وزیری با زرگان به خراج فرار کند شب در منزل برادر آقای علی اصغر حاجی با با مخفی بوده است!

سرما به داران چه آنها که با حزب جمهوری دمخوردند و چه آنها که همکار لیبرالها هستند همگی از خون کارگران و زحمتکشان تغذیه میکنند و فریب تر میشوند. تنها پتکهای طبقه کارگر و پرچم حزب او است که سرما به داران و حامیان شان را از قدرت سیاسی و اقتصادی به زیر خواهد کشید!



به نقل سرگذشت خویش بردا خسته بخوبی اشاره میکند که چگونه انجمنهای زنان کارگرو سپه را در سال ۱۹۵۳ ایجاد کردند که این خود بنیانگر وجود تشکیلات برای زنان زحمتکش در مرحله انقلاب دموکراتیک میباشند.

(ادامه دارد)

(۱) - "پایه های اجتماعی مسئله زن" کولونتا

زنان زحمتکش را محول به مرحله انقلاب سوسیا - لیستی مینمایند. برای برخوردار به چنین دید - گاهی بچند نقل قول میپردازیم.

لنین در مقاله گاریکا توری از ما رکسیسم واکونومیسیم مهربا لیستی "چنین مینویسد:

"سمکوفسکی (Semkovsky) و کیفسکی (Kievsky) هر دو، در بحث خود پیرامون مسئله طلاق، از درک مسئله عاجز و جوهر آت را نادیده میگیرند فی المثل، تحت نظر سرما به داری حق طلاق، مانند کلیه حقوق دمکراتیک دیگر بدون استثنا، مشروط، مقید، محدود، صوری و صعب - الحصول است. با اینحال هیچ سوسیا ل دمکرات اصلی، آن کس را که حق طلاق را نفی میکند، نه تنها دمکرات بشما ر نمی آورد، چه رسد به سوسیا لیست. اصل مطلب همین جا است "دموکراتی" "کلا عبارت است از اعلام و تحقق "حقوقی" که در نظر سرما به داری تحقق آنها محدود و نسبی است. اما بدون اعلام این حقوق، بدون مبارزه برای معرفی آنها، هم اکنون و بلافاصله بی آنکه توده ها را در پرتو این مبارزه آموزش دهیم، سوسیا لیسم غیر ممکن است ..."

منظور ما از آوردن این نقل قول چیست؟ بدون شک وقتی لنین بخاطر اهداف دمکراتیک که سرما به داری خود عنوان کرده ما از بر آورده نمودنش خودداری میکنیم مبارزه ای بلا فاصله و در شرایط حاکمیت سرما به داران مطرح میکنند، این مبارزه بدون وجود یک تشکیلات ممکن نیست و بدون شک زمانی که می - با بست تحت رژیم سرما به داری به مبارزه برای بدست آوردن همین حقوق بپردازند یا بدریک تشکیلاتی متشکل شوند یا لاخره اینکه متشکل نموند توده زنان زحمتکش بحول چنین خواسته های دمکراتیک کار مشخص در درون آنان را می طلبد و نه تنها اینک لنین معتقد به کار مستقیم و مشخص در میان زنان در مرحله انقلاب دمکراتیک ضد مهربا لیستی میباشند و در این باره میگوید که "در پرتو این مبارزه است که میتوان توده ها را آموزش داد و آنان را برای برپایی سوسیا لیسم آماده نمود."

همچنین به نقل قولی از الکساندرا کولونتا توجه کنیم:

"... با این حال، این بدان معنا نیست که بهبودی های نسبی در زندگی زن، در چهارچوب نظام سرما به داری غیر ممکن است حل ریشه ای مسئله کارگران (وزنان) تنها با با زسازی کامل دیگرگونه مناسبات تولیدی نوین امکان پذیر است. اما آیا این می با بست ما را از فعالیت برای اصلاحاتی که میرمترین منافع پرولتاریا را بر آورده میباشند با زرد؟ برعکس هر توفیق تا زه طبقه کارگر نشان ندهند، این است که بشریت یک قدم به قلمرو آزادی و تساوی اجتماعی نزدیکتر شده است. هر چقدر که زن بدست میآورد و او را یک قدم به هدف مشخص رهایی کامل نزدیکتر میبازد." (تاکید و پیرا نترا زما است)

همچنین الکساندرا کولونتا در کتابی که

ثروت در کل جامعه و با تولید نوع بشر را از میان میبرد، قابل حصول است. تنها با اتخاذ چنین موضعی، یعنی بر مبنای درک بیونید ناگزیر برهائی زن سوسیا لیسم است که میتوان برای دفاع از منافع زن ورهائی کامل او مبارزه شود."

(کولونتا): "پایه های اجتماعی مساله زن" بدین جهت دیدگاهها را که بدون شکافتن این مساله اساسی یعنی جنبه سوسیا لیستی مبارزات زنان، فقط مبارزات زنان را در چهارچوب هدفهای دمکراتیک محدود میکند، در حقیقت دچار یکجانبه نگری میشوند چرا که با توجه به جنبه اصلی مبارزات زنان زحمتکش که همانا جنبه سوسیا لیستی است نمیتوان نیم جنبه دمکراتیک مبارزات زنان در این مرحله از انقلاب را نادیده گرفته و مبارزه زنان حول اهداف دمکراتیک چون حق طلاق بطور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی پسران و... را نفی کنیم. اما رها نشی زنان زحمتکش جامعه، همانطور که با مالکیت خصوصی به بند کشیده شده اند همانطور نیز با مبارزه حول هدفهای دمکراتیک و سپس برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، شرایط عینی و ذهنی برای نفی مالکیت خصوصی ورهائی کامل زنان آماده میگردد. یعنی زنان زحمتکش همچون کل طبقه کارگر برای دستیابی به اهداف حداکثر خویش در مرحله انقلاب سوسیا لیستی میبایست قدمهای اولیه را توسط دست یابی به پسران مه حداقل پرولتاریا بردارند و بدین جهت نیز هست که مبارزات زنان زحمتکش در این دوره دارای مضمونی دمکراتیک ضد مهربا لیستی میباشند. چون همانطور که پرولتاریا می با بست برای مشکل نمودن تعدد پیش منافع آنان نیز در برنام خویش بگنجد و بدین دلیل نیز در برنام مه حداقل پرولتاریا اهداف دمکراتیک جای اساسی برای خویش دارد. به همین خاطر نیز در رابطه با بسیج توده زنان که از اقتدار دمکرات و متحد پرولتاریا میباشند در این مرحله از انقلاب هدفهای دمکراتیک برای جنبش زنان زحمتکش مطرح میشود تا بتوان زنان این اقتدار را نیز بسیج کرده و زیر رهبری پرولتاریا حرکت و مبارزه این اقتدار را حول هدفهای دمکراتیک پرولتاریایی سمت و سودا د.

آیا کار پروری زنان زحمتکش و متشکل نمودن آنان مستلزم مرحله ای مبین در انقلاب است؟

در این رابطه دیدگاههای مختلفی بیان شده و میشود اگر چه بصورت مستند آنها را در دسترس نداریم ولی به جهت وجود چنین دیدگاههایی در جامعه جاست که به آنها برخورد نمائیم:

۱- دیدگاهی که متعقد است که رخاص و سازمان ندادن دهده بر روی زنان می با بست پس از استقرار جمهوری دمکراتیک خلق و زمانی انجام شود که زمینه شرکت کلیه زنان در تولید اجتماعی فراهم گشته است و در حقیقت کار متشکل بر روی

انقلاب خلق السالوادور، شکستی دیگر برای امپریالیسم آمریکا

"پیروزی انقلاب دریا ختراز راه اتحاد
انقلابی با نهضت آزادیخواهان مستعمرات
وممالک غیرمستقل برضدا امپریالیسم
جریان میابد."

استالین

این حقیقتی است که پیروزی انقلاب
سوسیالیستی در کشورهای امپریالیستی رابطه‌ای
لایبنفک وگسست نا پذیر با رشد پیروزی جنبشهای
آزادبخت دارد. امپریالیسم به قیمت استثمار
رغارت توده‌های استعماریده کشورهای تحت سلطه
به حیات خود ادامه میدهد، بدون انقیاد خلقها،
بدون ستمگری امپریالیستی، بدون چپاول
وحشیانه کشورهای مستعمره و مستعمره‌نا بودی
امپریالیسم حتمی است. بنا بر این مبارزات
انقلابی خلقهای تحت ستم نقش بس عظیمی در
سقوط امپریالیسم جهانی خواهد بازی میکنند.
پروولتاریای کشورهای امپریالیستی برای
آنکه بتوانند راه پیروزی خود را بر سر و زوای
هموار نمایند می با بست قاطعانه و بیگیرا سه
از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم پشتیبانی
کنند، پرو واضح است که طبقه کارگر و توده‌های
تحت ستم کشورهای تحت سلطه نمیتوانند از
مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی
حمایت نکنند، اما مسئله اساسی اینجا است در
شرایطی که مبارزات ضد امپریالیستی در جهان
کنونی اوج بیابقی یافته و ضربات ایمن
مبارزات مستقیما بر ارتجاع داخلی و امپریالیسم
فرود میاید و این امر نظام جهانی سرمایه‌مالی
راسوی مرکز قطعی سوق میدهد، پروولتاریای
جهانی و کمونیستها با بدیه پشتیبانی بیدریغ
از این جنبشها بپروازند.

پرو واضح است که کمونیستها از هر جنبشی
در کشورهای تحت سلطه حمایت نخواهند کرد.
کمونیستها از جنبشهایی حمایت خواهند کرد
که در راستای منافع طبقه کارگر و خلقها بوده و
واقعاً به امپریالیسم و ارتجاع ضربه بزنند.
جنبشی که تحت نفوذ بخشی از ارتجاع و امپریالیسم
لیسم جهانی با شدفا قدامت هیئت مترقیانه بوده و
مورد حمایت ما رکسیست لنینیستها نمیشد.

بر اساس این دیدگاه است که ما از جنبش خلق
السالوادور حمایت میکنیم، جنبشی که پیروز -
مندانه علیه امپریالیسم جهانخواه آمریکا و
مزدوران بومی اش میرزمد.
پس از سقوط رژیم نظامی - دیکتاتوری
ژنرال "رومرو" در اکتبر ۱۹۷۹، با حمایت
امپریالیسم آمریکا و برپا به سیاست مزدورانه
کارتو، ژنرال "خوزه ناپلیون دوارت" سه
نمایندگی از حزب ارتجاعی دمکرات مسیحی
بر سر کار آمد. اینبار امپریالیسم با تکی کوشید



اخبار ومسائل جهانی

تا در برابر مبرها رزات او جگر بند خلیق السالوادور
حکومتی را روی کار بیاورد تا با یکسری اصلاحات
"حقوق بشری" منافع آمریکا را نجات بخشد، اما
رژیم نظامی جدید نتوانست با برخی رفرمیهای
عوامفربیا نه جلوی گسترش مبارزات انقلابی
خلق را سد نماید. بلافاصله در مقابل دولت جدید
اعتصابات کارگری ابعادسیما بقه‌ای یافته و
در اولین روزا اعتصابات ۵۰۰۰۰۰ کارگر صنعتی



وتوده زحمتکش شهری دست از کار کشیدند و قریب
۸۰ درصد صنایع کشور در اعتصاب فرورفت. این
مبارزات که منت حکمی بود بر پیروزه آمریکا و
مزدوران بومی اش، دشمنان خلق را بر سر آن
داشت تا کامکان وحشیانه ترین سیاستها را
ادامه داده و همانند گذشته مبارزات توده‌ها را
بخون کشد. در طی سال گذشته هزاران نفر از
توده‌ها و انقلابیون بدست جلادان حکومتی به
خاک و خون کشیده شدند و رژیم کامپیوسته مراکز
تمرکز انقلابیون وتوده‌های مبارزان را مورد
حملات توپخانه و بمباران هوایی قرار داد. اما
این حملات و کشتارها در ارا ده پولادین طبقه
کارگر وتوده‌های بیبا خاسته السالوادور نمی -
توانست خللی وارد آورد.

توده‌های مبارز و درکنار آنان با رزیزانهای
مسلح همچنان مبارزات خود را گسترده ساخته و
ورشکستگی رژیم ناپلیون را بنمایش گذاشتند.
توده‌هایی که زیر فشار انحصارات امپریالیستی
جان میکنند، توده‌هایی که شاهد غارت تمام
منابع طبیعی و انسانی کشور خود توسط امپریالیسم
- لیسم آمریکا و ارتجاع بومی میباشند، توده -
هایی که به اس حقیقت انقلابی دست یافته‌اند

بقیه در صفحه ۲۲

پایان کنفرانس آمریکایی طائف

پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹ کنفرانس ارتجاعی سران
دول اسلامی در طائف (عربستان سعودی) پایان
گرفت. این گردهمایی رسوا تر از آن بود که
توده‌های مبارز "کشورهای اسلامی" بدان امید
ببندند، بلکه از ابتدا آنرا محکوم کردند. این
کنفرانس یک مانور و تظاهرات آمریکا علیه
رقیبان روسی شان و مهمتر از آن جهت تحکیم
موقعیت سرکوبگران امپریالیسم آمریکا علیه
مبارزات خلقهای منطقه بویژه خلق فلسطین
بود.

آنچه سرانجام موضوع عمده این کنفرانس
را تشکیل داد عبارت بود از صف بندی رژیم‌های
که دست نشاندۀ آمریکا هستند از یکطرف و
رژیم‌هایی که در رگاب مسکوقم میزنند از طرف
دیگر. این صف بندی تا شیرخنثی کننده خود را
در قطعنا مه کنفرانس بجا گذا رد و برآ بند آن، این
شد که نه سوسال امپریالیسم شوروی بخا طراشغال
افغانستان اسما محکوم گردید و نه دکسری از
امپریالیسم آمریکا بخا طرحا بتش از صهیونیستها
بمیان آمد. و هر دو مساله با اشاره و با گذشت
چندبار تلاش سران دول مزبور برای کشادن
ایران به کنفرانس موفقیت آمیز نبودند. ندسته
از کشورهای ارتجاعی منطقه که به آمریکا وابسته
هستند از ایران نومید نبوده و نیستند (البته
مفسران آمریکا ش نیز معتقدند که واشنگتن از
وابستگی ایران به اردوگاه غرب نومید نشده
بلکه در انتظار نزدیکی بیشتری با آن است -
راد یومونت کارلو فردای آزادی کروکوا نها)
این رژیم‌های وابسته به آمریکا دولتشان را به
عهده‌دا شتند یکدسته در راه طایب جنگ ایران و
عراق جانب صدام حسین را دا شتند (مثل سعودی
و اردن) و دسته دیگر جانب ایران را (مانند
پاکستان) شکی نیست که عدم ثبات در ایران و
عجز رژیم ز سرکوب جنبش انقلابی خلق منافع
امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست نشاندۀ
آنرا تهدید میکند و برخی اقدامات توسعه طلبانه
رژیم جمهوری اسلامی جهت با صلاح صدور انقلاب
اسلامی "خواب خوش" این رژیم‌ها را آشفته میازد
لذا آنها خوا ستار آن هستند که "وضع نابسامان
کنونی" در ایران خاتمه یابد، آنها بمنظور
آنکه رژیم ایران فشا روا ردا ورتند و آنرا قانع
کنند که دست از "صدور انقلاب اسلامی" اش بردارد
از محکوم کردن عراق خودداری نمودند، که این
خود امتیازی سیاسی برای عراق بود. صدام -
حسین علاوه بر حمایت سیاسی، از حمایت مسادی
که قبل از کنفرانس هم به او میشده نیز بخت
بیشتری برخوردار شد.

هیاتی برای میانجی گری بین ایران و
عراق ما مورفعا لیت شده در آن الحار بیتر هست



تظاهرات هواداران سازمان پیکار در شیراز

روز پنجشنبه دوم بهمن ماه، رأس ساعت ۵/۵ بعد از ظهر تظاهرات هواداران سازمان پیکار در شیراز، در خیابان نژاد، مقابل سینما پریسا برگزار گردید. حدود ۴۰۰ نفر در این تظاهرات موضعی شرکت داشتند. تظاهرات با شعار "اتحاد مبارزه، پیروزی" آغاز گردید. و با شعار "انگشوی مبارز بهمت توده ها، سنگر خود را بگشا" ادامه یافت. رفقا پلاکاردها، تابلوهای با مضامین "مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران"، "از جنگ ارتجاعی، از قحطی و گرسنگی، مردم به تنگ آمدند" با خود حمل میگردند. در طول تظاهرات تعداد زیادی اعلامیه بین مردم پخش شد که با استقبال پر شور مردم روبرو گشت. مردم با اغوش اعلامیه ها را میخواندند و سپس آنها را تاز در جیبشان میگذاشتند تا برای دیگران ببردند.

هنگامیکه صدای شعارها در فضا طنین انداخت ارتجاع بوحشت افتاد. حدود ۲۰-۳۰ نفر فالتاز با چوب و زنجیر به تظاهرات حرکتکنندگان حمله کردند و به ضرب و شتم شرکت کنندگان پرداختند. اما مرتجعین با تمام تلاش خود نتوانستند مردم را بدنیاال خود بکشند. برعکس مردم از تظاهرات استقبال خوبی کردند و برخی از آنها به صفوف ما پیوستند. چندی از شرکت کنندگان پس از پایان تظاهرات توسط عمال ارتجاع دستگیر شدند.

پیکارگران در میان توده ها بذراگاهی می پاشند

تهران، میدان راه آهن پنجشنبه ۱۸ دیماه بیش از ۲۰۰ نفر از هواداران سازمان برای دادن آگاهی به توده های زحمتکش به میان آنان رفته اند. عصر است ولی فعالیت افشاگرانه پیکارگران سکوت هر روز را شکسته است. پخش اعلامیه، فروش پیکار تابلوهای افشاگرانه، بحث های آگاهی بخش محیط پرشوری ایجاد کرده بود. زحمتکشان ما با علاقه به کسب آگاهی از پیکارهای آگاهی استقبال میکردند و نشریه و اعلامیه طلب میکردند و به گفتگو میپرداختند اما پاسداران جهل و سزما به نگهبانان رژیم ارتجاعی سر رسیدند و وحشیانه جوانان انقلابی یورش بردند. عده ای از رفقا دستگیر شدند اما راه سرخ مبارزه چون افق روشن همچنان در برابر کمونیست ها گشوده است پس زنده بماند پیکار توده ها!

و نایبوی است. تلفیق عملیات نظامی و با رتیزانی با اعضا با ت عمومی سیاسی کارگران کشاورزان، کارمندان، دانشجویان... و... حیات اقتصادی کشور را فلج ساخته و رژیم کمارا کاملاً مستأصل نموده و او را به واردات ساخته تا با اعلام حکومت نظامی و دریا فت کمکهای نظامی جدیداً از آمریکا به مقابله وحشیانه تری روی آورد. امپریالیسم آمریکا نیز پس از شکست در نیکا را گویا به تمام قوا میکوشد تا رژیم مزدور را نجات دهد. اخیراً وزارت امور خارجه آمریکا در اطلاعیه ای اعلام نمود: "ایالات متحده به منظور حمایت از دولت "خوزه ناپلئون دوارت" رئیس جمهور کشتونی السالوادور، معادل ۱۰ میلیون دلار کمک نظامی که شامل مقدس دیسری سلاح، مهمات و چند فرونده هلی کوپتر جدید جنگی به همراه تعداد زیادی مستشار نظامی است، به این کشور تحویل خواهد داد."

بدین ترتیب ما شاهد میکنیم که چنانچه پیکاران و دانشجویان چگونه به سرکوب متمرکز انقلاب برخاسته است. البته فراموش نباید کرد که آمریکا علاوه بر کمکهای گسترده نظامی به رژیم ناپلئونیون کشتیهای جنگی خود را به سواحل السالوادور فرستاد و از رژیمهای مزدور همسایه السالوادور مانند "هندوراس" و "گواتمالا" خواسته است تا ارتشهای خود را به سرکوب توده ها و انقلابیون السالوادور بفرستند. در همین ارتباط در حال حاضر ارتشهای این دو کشور شهرهای مرزی که تحت کنترل انقلابیون میباشد را بمباران میسازند. اما در مقابل تمامی این جنایات و سرکوبها انقلاب خلق دلاور السالوادور به پیش می تازد. لیکن فراموش نکنیم که خلق السالوادور تا پیروزی قطعی راه درازی را در پیش دارد و

موانع زیادی را باید از سر بگذراند. در حال حاضر نیروهای سازشکار میکوشند تا جنبش را به سازش بکشند و مهمتر اینکه در واقع فعلی طبقه کارگر السالوادور فاقد حزب مارکسیستی - لنینیستی خود میباشد. این ضعف اساسی جنبش خطر مهلکی را در بر دارد و آینه آینه آینه تهدید میکند. مبارزات طبقه کارگر توده های مستبد شده السالوادور سیاست "حقوق بشر" کارتر را رسوا نموده و بر امپریالیسم نیکی ضربات مهلکی فرو آورده است. این مبارزات با اتکاء به قهر انقلابی ارتجاع حاکم را به سمت سقوط نهایی کشانده و تزه های رولزیونیستی و ضد انقلابی "گذار مسالمت آمیز" خروشنجفی را را یکبار دیگر رسوا ساخت. این مبارزات درس دیگری بود برای خلقهای جهان و نشان داد که برای پیروزی بر دشمن باید انقلاب کرد. اما این مبارزات علیرغم تمامی این دستاوردهای گرانبها که به قیمت خون هزاران آزادیخواه به چنگ آمده، بدون رهبری طبقه کارگر نمیتواند به پیروزی قطعی و نهایی دست یابد.

ولی فلسطینی ها که تلاشهای سابق شان بنحو زنده ای به شکست انجامیده بود هنوز قیبول نگردیده اند که عضوان هیات باشند. از طرف دیگر رهبری جنبش فلسطینی که بدنیاال سیاست غیر انقلابی خود و عدم اتکاء به نیروی انقلابی عظیم توده های فلسطینی میکوشد تنها زهای جنبش (پیروزی نهایی زهای فراوان مالی آن) را با نزدیکی به رژیمهای نظیر سعودی مرتفع سازد. و با از خنثی شدن اینگونه رژیمها برخورداریا شد تا در چانه - زبدهای بین المللی از "نفوذ" این رژیمها با صلاح استفاده کنند. در این کتفرانس نتوانست بنفع مسالده فلسطین - ولودر نظر هر دستاوردی داشته باشد. مسالده فلسطین و قدس به مسالده درجه چندم کتفرانس افت کرد و پیشنهاد عرفات برای اتکاء این رهبران دول اسلامی برای آزادی قدس در کمپا صلاح سوگند بسیار کنند. مورد قبول واقع نشد. (لابد رهبری جنبش مقاومت در توجیه اقدام خود، زیر لبی به توده های فلسطینی خواهد گفت، با این پیشنهاد آنها را افشا کردیم و ما هیئتشان را بر ملا ساختیم) در پایان بدینست افشا کنیم که رژیم سوریه که "محرمان" رژیم ایران است و حافظد که از صلاح چهره ای انقلابی پیش سران حزب جمهوری اسلامی برخورد راست چنان از نتایج کتفرانس بنفع قضیه فلسطین یاد کرده که گویی فلسطین همین روزها آزاد میشود!

قطعتاً ما کتفرانس این پیشنهاد سعودی را تصویب کردیم که "صندوق توسعه و عمران اسلامی" تشکیل شود که سعودی یک میلیارد دلار سهم گذاشته است هدف از این صندوق حمایت از رژیمهای ضد خلقی وابسته به آمریکا و سرکوب جنبشهای کمونیستی و ضد امپریالیستی است. رو بهمرفته این کتفرانس ارتجاعی یک "گل" بنفع آمریکا در دروازه نشاند ما بدون شک توده ها که با زیکن اصلی و نهایی میدان اند، سرانجام آمریکا و دست نشاندگان و نیز رقیبان آنها را از صحنه بیرون خواهد کرد. این حکم تاریخ است!

بقیه از صفحه ۲۱ انقلاب...

که برای رهاشی از یوغ مرتجعین باید صلاح بدست گرفت و مسلحانه حکومت مستقران را نابود ساخت. آری، این توده های مصمم اند تا پیروزی را به چنگ آورده و دشمنان خود را شکست دهند. از ابتدای سال جدید میلادی و همزمان با روی کار آمدن ریگان تبهکار و نیروهای انقلابی السالوادور حملات نظامی خود را بطور بیسابقه گسترده ساخته و کارگران و سایر توده ها نیز به مبارزات سیاسی وسیعی پرداخته اند. بنحوی که در حال حاضر پنج شهرا السالوادور در دست انقلابیون قرار داشته و رژیم کمارا در حال سقوط

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آنکه باید دلیل بیاورد آیت الله خمینی است نه ما!

افشاگری های ما و دیگر کمونیستها و نیرو-
های انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی را کلافه
کرده است. "گرفتن مج مجرم در حین ارتکاب
جرم" عوا مفریبی رژیم را با رها رسوا کرده است
و سران رژیم را مجبور نموده که به برخی از خیانت
- ها بی که هرگز خرابه افشایش نبودند اعتراف
کنند. مثلا در رابطه با افشاگری های مستند ما
آنها مجبور شده اند به چشمه ای از اموال بی -
حساب "بیت المال" را که به جیب روحانیون
شیعه و سنی ریخته اند اعتراف نمایند و یسا
به پذیرنده آری ۲۰۰ میلیون تومان را رفسنجانی
از خارج اسلحه خریده است و یا بسیار موارد دیگر
که هنوز جرات اعتراف به برخی از آنها را نیافته
- اند مثل اسناد جا سوخته ها آمریکا و ملاقات
شخصی با ما مورین سیا .

آیت الله خمینی در سخنرانی ۲۹ دی ماه
خود برای مقابله با اینگونه افشاگری ها
میگوید:

"گروههای هستند که می خواهند یکی
آنها را که مشغول خدمت (درواقع خیانت!)
به این مملکت هستند از نظر مردم بیاندازند و
آنها را از ملت جدا کنند. ما باید توجه داشته باشیم
که اینها که آمدند و مطالبی را گفتند چنان
را بگیرند که این آقا شی که تومی گوئی فلان
است دلیل چیست؟ و ببینید چه خواهد گفت.
آن کسی که مثلا در ارتش هست فرمانده ارتش
هست اگر گفتند فلان کار کرده مجش را بگیرند
که دلیل شما بر این مطلب چیست... آنوقت
خواهید فهمید که دلیلی در کار نیست، فقط
تبلیغات است که می خواهند شخصیتها را بشکنند
... اشخاصی که من بیش از بیست سال است می -
شناسم و می دانم چه اشخاصی هستند که دارم -
کنند..." (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۳۰)
ما بر اساس وظیفه انقلابی و کمونیستی ما ن
و دشمنان زحمتکشان را در هر چه راهی باشند
افشای می کنیم و تا آنجا که در توانمان نبوده،
کرده ایم. سیر و وقایع طی دو سال گذشته تنها
صحت تحلیلها و موضعگیریها و افشاگریهای
ما را ثابت میکند.

* - ما فرماندهان دست پرورده آمریکا را
که طی "توطئه سازش" یک شبه "مسلمان و مردنی"
شدند یک بیک افشا نمودیم ولی شما وقیحا نه
ما را بخاطر این حقیقت گوشه ای آمریکا شی و
"ضد انقلابی" نامیدید ما سرانجام صحت سخنان ما
ثابت شد.

* - ما تیمسار رفیردر رئیس ستاد ارتش را در
بیکار ۶ (۱۴ خرداد ۵۸) افشا کردیم و بهزاد دنیوی
پس از متجاوزان یکسال در سخنرانی نما زجمع
دانگاه علام کرد که و فراموش نبوده است .

* - ما تیمسار باقری را در بیکار ۴۷ مورخه
۲۷ اسفند ۵۸ افشا کردیم و چیزی نگذشت که او
به عنوان کسی که با سیاست داشته دستگیر
شد .

* - ما در شماره های متعدد بیکار، تیمسار
سید احمد مدنی، "دست راست امام" استنادار

برای دروغهای گویلبیشان دلیل بیاورند .
این دروغها از کینه طبقه ای آنان نسبت به
کمونیستها و نیروهای انقلابی ما به میگردد و
همین گویندگان را افشا می نماید .

رژیم بیدرستی ادعاهای وقیحا نه اش
دلیل بیاورد که میگوید:
کمونیستها و نیروهای انقلابی "ضد انقلاب"
هستند!
کمونیستها و نیروهای انقلابی "امریکائی"
هستند!

کمونیستها و نیروهای انقلابی "ساواکی -
های" "دیروزند!
کمونیستها و نیروهای انقلابی با اختیار
و اویسی در گردستان همدستند!
کمونیستها و نیروهای انقلابی خرم -
روستان را آتش میزنند!
و.....

شما از سرعز و درماندگی به بازی کردن با
احساسات و عواطف اخلاقی توده ها برداخته ادعا
کردید که "قرص ضدحاملگی" و "روابط نامشروع"
را در بین کمونیستها و انقلابیون سراغ کرده -
اید. زهی بشیرمی!

کمونیستها از سرما به داران و دیگر نیرو -
های ارتجاعی هرگز انتظار رحمت و راستگوشی
را ندارند. منطق مبارزه طبقه ای بین کارگران
و سرما به داران، بین خلقهای تحت ستم از یک
طرف و مبرها لیستها و عمال همدستان آنها
از طرف دیگر حکم میکند که قهر انقلابی بین دو
دسته حکمفرما باشد.

ما مصممانه به افشای ارتجاع و دشمنان خلق
ادامه خواهیم داد. سرانجام این کارگران و
زحمتکشان هستند که آگاهانه مواضع ما را تائید
خواهند کرد و دشمنان خود را به زبانه تاریخ
خواهند افکند و جمهوری دمکراتیک خلق را به
رهبری طبقه کارگر جهت نیل به جامعه
سوسیالیستی برپا خواهند داشت .



بقیه از صفحه ۱۰ چرایی...
انقلابی هستند نه آمریکائیها! شما در انواع شکنجه -
ها اساده شده اید که یکی از آنها هم شکنجه ای است که
۱/۵ میلیون آوارها این جنگ ناعادلانه زدست شما
می بینند، مگر "مجلسیان" خود شما در "مجلس شورای
اسلامی" تان اعتراف نمیکنند که بیش از ده روز به
هزاران تن از آنان غذا نداده اید، آیا اینها
شکنجه نیست؟ شما صدها نوع شکنجه دیگر را نیز که
بصورت فقرگرانی و فلاکت نصب میلیونها تن
از توده های زحمتکش میهن ما ست بلدیید،

لازم نیست قسم بخورید که آمریکا شیها را
شکنجه نکرده اید، این را توده های آگاه میدانند
آنها اینرا نیز میدانند که چرا زبان "هیئات
بررسی شایعه شکنجه" در مورد شکنجه کمونیستها و
انقلابیون بنده آمده است و با همه وقایح شان
هنوز جرات تکذیب آن را نیافته اند. در منطق
شما مگر نه این است که "شکنجه ای که به انقلابیون
میتوان داد، برگروگانهای آمریکایی حرام است"؟
★ ★ ★

خوزستان و فرمانده نیروی دریائی جمهوری
اسلامی، این قاتل فرزندان خلق ستمی دیده
عرب و این لیبرال آمریکائی و کاندیدای
ریاست جمهوری را بطور مستند افشا کردیم .

* - ما تیمسار شاکر رئیس ستاد مشترک
ارتش را که در زمان شاه پست مهمی در رکن
۲ داشته و رابط بین مستشاران آمریکائی و
ارتش بوده است افشا نمودیم و پس از چند ماه
بعنوان خائن از کار برکنار و دستگیر شد .

ما همچنین فلاحی، علوی مقدم و بسیاری
دیگر از فرماندهان دست پرورده آمریکا و شاه را
برای خلق افشا نمودیم و این آیت الله خمینی
و دیگر سران رژیم بودند که همیشه از انسان
دفاع می نمودند. ما را رابطه با آمریکا و دیگر
امبریا لیستها، خریدار سلاح در همین دوره به
اصطلاح تحریم اقتصادی و با اصطلاح قطع رابطه با
امریکا را با سند افشا نمودیم (بیکار ۸۷)

ما خیانتهای بسیاری روحانیون بزرگ
مواضع ضد انقلابی آنان طی سالهای گذشته و
فتوهای آنان ب نفع فئودالها، سرما به داران
و روابط نزدیک و تا شید امیز آنان با رژیم -
قاجار و پهلوی را با اسناد غیر قابل انکار افشا
کردیم .

ما فرمان عفو ساواکیها توسط آیت الله
خمینی را "نازشت به جنا بیکاران ساواک"
خواندیم (بیکار ۴۸ مورخه ۱۱ فروردین ۵۹) .
رژیم ما دوفریا دیرا نهادخت و ما را مسورد
اتهامات گوناگون قرار داد ولی پس از چند ماه
خود آیت الله خمینی از سرورشکستگی گفت:
"این عفو ساواکیها، خلاف واقع شد!"

ما بهمین ترتیب قطب زاده، بیزی، چمران،
بنی صدر، بازرگان، معین فروپشتی و رفسنجانی
و اکبر پرورش و بسیاری دیگر از زهد و جناح رژیم
یعنی حزبیها و لیبرالها را افشا نموده و توده ها
را نسبت به خیانتکاران هشیار نموده ایم .

ما برای تمام حرفها و موضعگیریها همان
دلیل آوردیم. ما کمونیستیم و به توده ها جز
حقیقت نمی گوئیم در صورتیکه این طبقه ای
ارتجاعی و رژیمهای ضد انقلابی هستند که بنا -
گزیرنده توده ها دروغ بگویند تا بتوانند بر -
گرده شان سوار شوند و آنها را استعمار نمایند .

این آیت الله خمینی و دیگر سران رژیم
جمهوری اسلامی هستند که بیدرستی آنها مات
وقیحا نه خود به کمونیستها و نیروهای انقلابی،
دلیل بیاورند ما آنها هرگز نخواهند توانست

مصاحبه "مجاهد" با قاسم لوی: ضربه‌ای بر جنبش انقلابی

مسئله اتفافی نیست. این سیاست اپورتونیستی و راست‌روانه مجاهدین نشان می‌دهد که هیت متزلزل و راست‌حاکم بر این سازمان است. این سیاست انعکاسی از ستمگیری مجاهدین بسوی سازش طبقاتی و بورژوازی است. نیروی که در مقابل کمونیست‌ها از نیروی بورژوازی دفاع میکند، تنها تمایل طبقاتی خود را به نمایش می‌گذارد. ما در برابر حملات ارتجاع حاکم و ریزبونیست‌های خائن به سازمان مجاهدین، از این سازمان حمایت می‌کنیم، اما ما بنویسه خود در برابرنا پیگیریها، مماشات طلبی‌ها، و اقداماتی عمیقاً انحرافی ما ننند حمایت از حزب دمکرات شدیداً مبایزده دست می‌زنیم، ما این حرکت مجاهدین را در تضاد آشکار با منافع انقلاب قلمداد نموده و آنرا محکوم می‌نماییم.

سازمان مجاهدین در توجیه عدم همکاری خود با نیروهای کمونیست چه بسا برای توده‌های خود چنین دلیل بیاورد که ارتجاع از این مسئله سوءاستفاده میکند. اما وقتی نوبت مصاحبه با قاسم لوی می‌آید با تیردرد در صفحه اول مجاهد درج می‌گردد و دیگر مسئله سوءاستفاده ارتجاع هم مطرح نیست! واقعاً علت این برخورد چیست؟ در حقیقت مجاهدین اگر به همکاری با کمونیست‌ها دست نمی‌زنند در اساس خود ناشی از آنست که دارای خط مشی‌ای متزلزل و بنا به پیگیری و تمایل به بورژوازی میباشند. و بسه همین خاطر است که عدم همکاری با کمونیست‌ها مترادف است با پشتیبانی از نیروی ضد انقلابی ما ننند حزب دمکرات و مماشات طلبی و سازشکاری با لیبرال‌های خائن و وابسته. بنا بر این علاوه بر اینکه این اقدام مجاهدین ناشی از مشی ناپیگیری آنان میباشند، در همین حال در انطباق با حرکت و تاکتیک لیبرال‌ها نیز قرار دارد. لیبرال‌ها پیوسته کوشیده‌اند تا از طریق سرکوب و منزوی ساختن نیروهای انقلابی از یک سو و سازش با حزب دمکرات از سوی دیگر جنبش خلق کرد را به شکست کشانند و بسه اصطلاح بطریق مسالمت می‌زدر کردستان طرح برقرار کنند. ملاقات اخیر نمایندگان حزب دمکرات با بنی صدر در باره اجرای طرح ۶ ماده‌ای نیز بیان این کوشش مزورانه است (رجوع شود به انقلاب اسلامی ۹ بهمن) حال آیا خط مجاهدین در انطباق با چنین سیاستی قرار نمی‌گیرد؟ آیا مجاهدین با مخالفت با نیروهای کمونیستی فعال در کردستان و با حمایت از حزب دمکرات، به اهداف لیبرال‌ها خدمت نمی‌کنند؟ بهر حال مجاهدین چنین هدفی را چه آگاهانه و چه ناآگاهانه دنبال کنند، نتیجه محتوم آن خدمت به بورژوازی است و پرواضح است که این امر ضربه‌ای است بر منافع انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های ما. و اضافه کنیم که حزب دمکرات بسه عنوان یک نیروی ضد انقلابی هرگز چنین امتیازی را کسب نکرده بود که از کانال نشریه - ای مثل مجاهد در سراسر ایران معرفی شود و کسب وجهه نماید!

دمکرات همان نیروی است که بطور پنهانی با عوامل بعث عراق همکاری داشته و مترصد موقعیت مناسبی است تا به اقدام خائنانانه تجزیه طلبی دست بزند. حزب دمکرات همان نیروی است که پیوسته کوشیده است از تعمیق مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد جلوگیری کرده و این جنبش را قربانی منافع ضد انقلابی و بورژوازی خود بنماید. آری ارگان مرکزی سازمان مجاهدین با سرگرد چنین نیروی به مصاحبه نشسته و تمام اقدامات ضد انقلابی و تمام سازشکاریهای حزب دمکرات را تطهیر نموده است. مجاهدین از موضع تا شیداً می‌زنند تمام "تشیعات" در مورد حزب را از زبان قاسم لوی "تکذیب" کرده و بدون هیچگونه مرزبندی با مشی سازشکارانه و ضد انقلابی حزب، عملاً به حمایت از حزب دمکرات دست زده‌اند. جالب است که سازمان مجاهدین در کنار همان مصاحبه در مطلب دیگری وقیحانه به نیروهای کمونیستی فعال در کردستان بعنوان "گروه‌های چپ رو" حمله کرده و آنرا "افرا هم‌کننده" شرایط سرکوب خشن خلق کرد معرفی کرده و با زمین نیروها را در کنار خائنین فداشپان اکثریت قرار داده و در نتیجه آنان را به "محیزگویی قدرت مداران" متهم نموده است.

براستی چرا سازمان مجاهدین از یک سو به حمایت از حزب دمکرات پرداخته و از طرف دیگر به حمله علیه کمونیست‌ها و انقلابیون اقدام نموده است؟ برآستی چرا این سازمان از مشی سازش در برابر مشی انقلاب حمایت میکند؟ آری این



سازمان مجاهدین خلق ایران بغا طرآنکه در حمایت از خلق دلاور کردشیدادچا را فعال بوده و به وظایف انقلابی خود در مقابل این خلق ستم‌دیده عمل نمی‌کنند بارها و به درستی مورد انتقاد نیروهای جنبش کمونیستی قرار گرفته است. این واقعیتی است که در طی دوره ۲ ساله حکومت ستمگین جمهوری اسلامی، در مقابل جنایات و کشتارهای که این رژیم نسبت به خلق کرد و نیروهای انقلابی و کمونیستی فعال در کردستان روا داشته، سازمان مجاهدین اساساً سکوت کرده است. به عبارتی دیگر سازمان مجاهدین نه تنها به وظیفه خود جهت شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد هیچگونه اقدامی ننموده، بلکه همچنین از مبارزه با این خلق دلیرو پیشمرگان انقلابی آن حمایت ننموده است و نیز پیوسته فعالیت انقلابی و نیستم‌های را که فعالان در کردستان پیکار کرده‌اند به عنوان "چپ روی" تخطئه نموده است. این امر ناشی از کدام واقعیت بوده است؟ این امر انعکاسی از ناپیگیری طبقاتی و مشی راست‌روانه مجاهدین است. عدم برخورد انقلابی مجاهدین به قدرت سیاسی و بویژه مماشات طلبی با لیبرال‌های خائن را بسطه مستقیم با عدم حمایت فعال از جنبش خلق کرد دارد. البتته رهبری سازمان مجاهدین پیوسته این ادعا را داشته است که سازمان مجاهدین تا بحال حتی یک مقاله در تائید جنبش مسلحانه خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی منتشر نکرده است، تا بحال حتی یک مقاله افشاگرانه در باره جنايات تما می جناح‌های هیئت حاکمه ارتش و سپاه پاسداران حکومت در کردستان انتشار ننداده است و تا بحال حتی یک مقاله در تائید حرکت انقلابی کمونیست‌ها مانند کومله و سازمان ما درج ننموده است. آری این مسائل اتفاقی نیست، همان‌طور که حمایت از نیروی سازشکار ما ننند حزب دمکرات و فردی چون قاسم لوی اتفاقی نمی‌باشد.

اخیراً نشریه مجاهد شماره ۱۰۷۲ بدرج مصاحبه - ای با قاسم لوی اقدام نموده است و به یکباره بر روی تمامی حرکات سازشکارانه و ضد انقلابی حزب دمکرات آب تطهیر ریخته است. حزب دمکرات همان نیروی است که بارها کوشید با رژیم جمهوری اسلامی سازش کرده و منافع خلق کرد را به قیمت گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی قربانی نماید، اما زیر فشار جنبش مسلحانه خلق کرد نتوانست به چنین خیانت عریانی دست بزند. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس مشی سازشکارانه و ضد انقلابی خود با مداره انقلابی زمین‌های مالکان توسط دهقانان زحمتکش شدیداً مخالفت کرده و عملاً به حمایت از مالکین دست زده است. حزب دمکرات همان نیروی است که بر اساس ما هیت طبقاتی خود به خلق سلاح نیروهای انقلابی مانند کومله سازمان ما و راه‌کارگرد دست زده است. حزب

بیکار زندانیان کمونیست و انقلابی در زندانهای جمهوری اسلامی

مبارزین انقلابی در بند، زندانیان سیاسی جمهوری را به محله‌های پر شور مبارزه طبقاتی تبدیل کرده‌اند. زندان شکنجه‌تنها برخلاف حال خام‌مرغین کوچکترین ترس‌ناکی در اراده‌آهنین کمونیست‌ها و انقلابیون اسپر در ادامه نبرد انقلابی مبارزین وارد بلکه سیر استواری آنها در مبارزه و مقاومت افزوده و می‌افزاید.

دریورش با ساداران در روز ۲۹ آبانماه بهندهای زندان اوین، علاوه بر آزار زندانیان سیاسی انقلابی، ۴۵۰ جلدکتابهای زندانیان جمع آوری شده بود. مبارزین در بند در اعتراض به فشارهای درون زندان و رسیدن به خواسته‌های خود در مورد آزادیهای دمکراتیک دست به اعصاب غذا زدند. در این اعصاب غذا کلیه زندانیان کمونیست و انقلابی شرکت داشتند. و خائنین روبرویونیت "اکثریتی"، "توده‌ای" و "هواداران جناح بلورین" (منشعبین از حزب دمکرات) نه تنها در این اعصاب غذا شرکت نکردند بلکه با "مداقت" تمام با ارتجاع بهمکاری نشستند و نمیتوانستند در مبارزه انقلابیون در بند یخاد اختلال کردند. اما انقلابیون اسپر در اعصاب غذا ۱۶ روزه موفق شدند بیروزیهای بدست آورند از جمله: پس گرفتن تمام کتابها بجز ۸۷ جلد که در جنگ زندانیان باقی است، اخذ صافی طبقه دوم بند به زندانیان سیاسی انقلابی (البته زندانیان روبرویونیت "اکثریتی"، "توده‌ای" و "دمکرات" (منشعبین) و طبعاً حضور این بندها هستند و بر زندانیان انقلابی تحمیل شده‌اند)، انتخاب نماینده صنفی از بین زندانیان انقلابی (روبرویونیت‌های خائنین سعی کردند در انتخاب نماینده ایجاد اختلال کنند که با همبستگی و اتحاد کمونیست‌ها و انقلابیون دیگر، سران به سنگ خورد)، دسترسی به کتابهای شوریک (از طریق ملاقاتی‌ها)، قبول مواد غذایی و خوراکی که در گذشته ممنوع بود و...

زندانین انقلابی تصمیم گرفته‌اند که به علت کارکنانی‌های روبرویونیت‌های خائنین مبارزات انقلابیون از دادن کتاب که حاصل مبارزه انقلابیانشان بود به آن ضدانقلابیون که در زندان نیز در همدستی با ارتجاع به توطئه علیه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی ادامه میدهد خودداری کنند. مبارزه زندانیان انقلابی برای رسیدن به

اخبار مبارزات توده‌ای

بسیه خواسته‌های بحق شان و ارجمند در اختیار داشتن فضای کافی همچنان ادامه دارد. به علت تشدید سرکوب نیروهای انقلابی، مبارزین در بند از نظر چرا در مصیبت هستند. در سدهای ۲۳ به سرب ۱۵ و ۱۸ زندانیان سیاسی (انقلابی و روبرویونیت) بر سر سر و گردن آنها از نظر چرا و بهداشت با ناراحتی مواجه هستند. در روزهای آخردیما یکی از زندانیان کمونیست دچار ناراحتی مشهودی از آوردن بزرگ خودداری میکنند و در نتیجه اعتراض زندانیان مبارزه با سادار مزدور در درون زندان آمده و یقیناتی می‌پردارند. و یک رفیق مصرعین را شدیداً مضروب می‌سازند.

درود بر فرزندان انقلابی خلق که سادار مزدور زحمتکش را بر لبانشان، برچم مبارزه را در زندانهای جمهوری اسلامی سرافراشته نگاه داشته‌اند!

رژیم آلونکهای زحمتکش بی مسکن حلبی آباد و انیز ویران کرد

اخیراً زحمتکش حلبی آباد با سادار مزدور و حشیا نه‌با ساداران سرما به مواجعه شدن که بسیار خراب کردن بسیاری از خانه‌ها شان همسراه بود. هواداران سازمان در حلبی آباد ضمن اعلامیه‌ای برده از چهره ضد مردمی حکومتگران برداشته‌اند. در قسمتی از اعلامیه چنین آمده است:

"تزدیک به دو سال از حکومت ستمین و سراسیمه خائن رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، اما هر روز که میگذرد ما هیت ارتجاعی این رژیم پیش‌اپیش برای زحمتکش‌ها ماروشن میشود... همین دو هفته پیش ما به چشم خود دیدیم که چگونه روز شنبه ساعت ۹ صبح با ساداران سرما به باالسلحه‌های آمریکا کشتی خود به حلبی آباد آمدند و خانه‌های ما را که عده‌ای از زحمتکش‌ها محل ما با کل و سنگ، بلوک می‌ساختند و حشیا نه خراب کردند... اکنون ما دیگر بخوبی می‌فهمیم که وعده‌های آیت‌الله خیروشا‌هی این نماینده رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بعد از قیام ستمی بر ما میسازد مسکن برای زحمتکش‌ها جقدر عوام‌فریبانه و بوج بوده است. همچنین می‌فهمیم که ما را تپا و موسسات رنگارنگ رژیم همچون بنیاد مسکن،

دفترخانه‌سازی برای مستضعفین، وزارت مسکن، بانک مسکن و... چیزی نبوده‌اند جز صومالی‌ها در دست رژیم سرما به‌داران برای سادار و جیاول هر چه بیشتر زحمتکش‌ها... اکنون که هر روز به ما هیت رژیم جمهوری اسلامی بیشتر می‌بریم سرما است تا متحد و یکپارچه فریاد اعتراض خود را علیه ظلم و ستمی که از جانب رژیم سرما می‌روید بلند کرده و مبارزات خود را علیه رژیم کسرتش بخشیم و با نیم‌کسره خواسته‌های انقلابی ما که مسکن جزئی از آن است تنها در برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یعنی نظامی که قدرت و حاکمیت در دست کارگران و زحمتکش‌ها است قابل دسترسی خواهد بود."

راهپیمائی دهکده‌داران زحمتکش و محکوم کردن سیاست سرکوب رژیم!

بیکاری یکی از بحرانهای ذاتی سیستم سرما به‌داری است و حل آن فقط در کوعا کمیت زحمتکش‌ها است. در همین مان نیز صدها هزار بیکار وجود دارد و بیکاری آنها سادار شکست‌ناپذیر است. حکومت حافظ سرما به‌داری وابسته است به بخش زیادی از این بیکاران برای تأمین معاش خود دست به ایجاد دهکده‌ها انداخته است. جمهوری اسلامی در جهت حفظ منافع سرما به‌داران به سرکوب آنان می‌پردازد. بعد از شهید شدن ۴ تن از دهکده‌داران در یورش وحشیانه رژیم در تاستان ۵۹، ما را دیگر شاد هتهدیده‌ها تهمتها و سراسیمه و حشیا نه به سادار دکه‌ها داران و درهم‌کوبیدن تنها وسیله معاش آنان هستیم. در ۲۷ و ۲۸ دیماه بعد از تهدیدهای مکرر شهرداران را از دیونولوپیزین، شب هنگام به دکه‌های خیابان صدق از امیدان ولی عمر تا خیابان ظالمانی حمله کرده و آنها را خراب میکنند. روز بعد یعنی ۲۹/۱۰/۵۹ دهکده‌داران زحمتکش به نشانه اعتراض به دولت سرما به‌داری در شهرداری متحصن میشوند. بعد از دو روز سراسیمه شهردار جدید رژیم در پاسخ اعتراضات دهکده‌داران مبنی بر بیکار شدنشان میگوید:

"این به من مربوط نیست، دزدی و غارت کنید، جنایت کنید و... " و در جواب اعتراضات دهکده‌داران و با اشاره به شهیدان چهار تن دکه‌دار در تاستان و قبحانه میگوید: "۴ تا با ۴۰ هزار تا برای من فرقی نمیکند، اگر ۴۰ هزار نفر هم اینجا جمع شود، همه‌شان را میکشیم." حرفهای این مزدور حشیم دهکده‌داران را بیشتر کرده و آنها دست به راهپیمائی میزنند و در مسیر شهرداری تا خیابان صدق با شعارهایی چون: "شهردار،

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکش‌ها را سازمان دهیم

ما فوق سرکوب خود را جهت جلوگیری از رتسند آکا هی سربازان و کادری های پائین شدیدتر خواهد کرد، اما چرخ تاریخ را نتوان با این تشنات مذبحا نه به عقب برگرداند.

زحمتکشان ارمنی، وجه المصالحه حزب ارتجاعی "دانشک" و شورای خلیفه‌گری با ارتجاع حاکم

شبهه سوم زانویه، برنا مه ای بمناسبت میلاد مسیح از سمای جمهوری اسلامی بخش شد. برنامہ ویژه را منتهای است از تلویزیون بخش میشود. این برنا مه به اقتضای منافع ارتجاع حاکم و منافع محافل و نهاد های ارتجاعی ارمنی و سازگاری و نوگری آنها به رژیم حاکم تکلپهای متفاوت بخود میگوید. زمانی که رژیم ضد خلقی شاه حاکم بود، برنا مه با رقصها و آوازها ی آنجانی بر میشد. وهمین خلیفه مرتجع فعلی با همیس "وقار" خاص خود به دستبوسی شاه جلاد مریت و برای اوطول عمر آرزو میکرد! اکنون که دور دور جمهوری اسلامی است، برنا مه ویژه را منته از دین و مسیحیت... بر شده است وهمان خلیفه مرتجع به دعا گوئی خمینی برداخته است!

برنا مه مذکور توسط داروستانه ارتجاعی و بورژوا - شوینستی حزب "دانشک" تهیه شده بود. این داروستانه خیرا سروصدای زیادی در مورد استقلال خود از خلیفه‌گری ارا منه بر راه انداخته است حال آنکه زحمتکشان ارمنی میداندند که خلیفه‌گری آلت دست و ترسیم علمی و رسمی دانشکها محسوب میشود. دانشکها علیرغم تما یلشان بظرف لیبرالیا، برای حفظ امتیث خود در مقابل جناح حزبیهای رژیم، عملا به مشاطه‌گری هردو جناح رژیم و با به بیان دیگر کل هیات حاکمه پرداخته اند. بهمین منظور این داروستانه برنا مه ویژه ارا منته را تنها از "جانبای سربازان و وسایه رژیم جمهوری اسلامی" که به مذاق هردو جناح رژیم خوش میاید برگزیده بودند. دانشکها در آن برنا مه ضمن تبلیغ جنگ ارتجاعی، زحمتکشان ارمنی را به شرکت در آن و کوشش دم‌توب سرما به داران شدن دعوت کرده و خوش خود برای رژیم جمهوری اسلامی را نشان دادند. برنا مه ویژه را منته طوری ترتیب داده شده بود که به بیننده‌ها لغا شود که کلیسای ارا منته ایران را کلیسای جهان مستقل است تا از این طریق دانشکها از طرفی از تیرس حملات رژیم جمهوری اسلامی که به اصطلاح بر علیه امیربالیستهای مسیحی مبارزه میکنند را بمانند و از طرف دیگر خود را جدا از آن نهاد های ارمنی در ایران (کا تولیکها، پروتستانها و...) نشان دهند که رژیم جمهوری اسلامی، بدلائل مختلف آنها را تعطیل کرده است.

نقیه در صفحه ۳۰

تظاهرات افشاگرانه کمونیستها در رابطه با آزادی جاسوسان آمریکائی

در رابطه با آزادی ۵۲ جاسوس آمریکائی از طرف رژیم جمهوری اسلامی، هواداران سازمان بیکار و سازمان رزمندگان درآمل در اقبای سیاستهای سازش رژیم ضد خلقی با امیربالیست درنزد توده‌ها و نشان دادن ماهیت بورژواشی رژیم حاکم، در تاریخ ۱۱/۱۱، تظاهراتی برپا نمودند. این تظاهرات از مقابل دبیرستان خمینی شروع شده و در مقابل اداره برق پایا ن میاید در طی تظاهرات جمعیت با مشت های گره کرده و با تکرار شعارهای زیر، خشم و نفرت خود را از سازش رژیم با امیربالیست آمریکا نشان داد:

"آزادی جاسوسان، تشدید و بستگی علیه زحمتکشان، به نفع امیربالیست"، "سیاست این رژیم سازش با آمریکا، سرکوب شده‌ها"، "کارگر زحمتکش، مبارزه واقعی علیه امیربالیست"، "دولت سرما به دار همدست امیربالیست"، "تظاهرات کنندگان بعد از گذشتن از سیزه میدان در جلوی اداره مخابرات می ایستند و مقابل افشاگرانه ای درباره ماهیت گروگان گیری رژیم خوانده میشود. این تظاهرات با استقبال پر شور مردم آمل رویرو میگردد.

تشدید سرکوب و خفقان در ارتش

روز ۲۳ دیماه، یک نفر از سربازان، بجزیم شرکت در بحث سیاسی به ده روز زندان و سه ماه اضا فیه خدمت محکوم شد. فرما ندهان مزدور طریق اعمال خفقان و فرستادن جاسوس بجهان سربازان حرکت های اعتراضی سربازان را سرکوب مینمایند.

روز ۲۴ دیماه یکی از فرما ندهان مزدور به سربازان "اخطار" کرد که اگر کتا بی بجز کتا بهای تا شید شده توسط "انجمن اسلامی" داشته باشند، به شدیدترین وجهی تشبیه خواهند شد. این مزدور اضا فیه کرد که اگر بیش از ۲ نفر به مسئله ای اعتراض کنند "شورش" در ارتش جمهوری اسلامی تلقی خواهد شد.

آری! رژیم جمهوری اسلامی و ارتش "اسلام" آورده‌ها هنتای آنجنان از رشد آگاهی توده‌ها و حش دارند که برای خاموش کردن هر جرقه آگاهی بخش به هر وسیله ای متوسل میشوند. فرما ندهان مزدور بویژه بیس از "اخطار" جدیدت اللہ خمینی در تاکید "اطاعت" از

شهردار، حامی سرما به دار"، "شهردار حیاکن، چوب و چماق را رها کن"، "مرگ بر شهردار، اما مل سرما به دار"، "این است شعار شهردار، دزدی، غارت جنایت"، "دکه دار، دکه دار، دشمن سرما به دار"، ماهیت بورژواشی و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را برای توده‌ها فاش میاید، که مورد حمایت وسیع مردم قرار میگیرند. رویزیونیست - های خائن توده ای "اکثریتی" فعالانه در سه سازش کنندگان دکه داران و خدمت به جمهوری اسلامی کوشش میگردند. زحمتکش دکه داری می - گفت: "یک مشت اکثریتی و توده ای افتاده اند وسط و میخا هندا را به سازش بکشانند، مگر ما میتوانیم از یک طرف سیاستهای رژیم محکوم کند. و از طرف دیگر زنها ده ای ضد انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران حمایت کنیم؟" آری دکه داران مبارز رژیم جمهوری اسلامی را همراه با نوکران رویزیونیست آن، در پیشگاه توده افشا کرده و متحدانه مبارزه خود را ادامه میبرند.

جواب دندان شکن بی زمین های "کمانگر کلا" به زمینداران خونخوار

در ۲۳ آذرماه، زمینداران خونخوار روستای "کمانگر کلا" که با پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی هنوز توانسته اند از مصادره زمینهایشان بوسیله روستایان بی زمین جلوگیری کنند، ۲۰ تراکتور به روستا آورده و به شخم زدن زمینها میپردازند. روستایان بی زمین نیز در ادامه مبارزاتشان برای مصادره انقلابی این زمینها، سرزمینها رفته به تراکرها بی زمینداران میپردازند و مانع کار تراکتورها میشوند. در مقابل بی اعتنائی زمینداران، دهقانان زحمتکش به تراکتورها حمله میکنند که یکی از آنها از صحنه فرار کرده و تراکتور دیگر در زیر ضربات چوب و سنگ روستایان خشمگین قرار میگیرد. زمینداران که با رای مقام و در مقابل خشم انقلابی و برحق دهقانان را ندارند بویونا نه فرار میکنند. زمینداران به دادرسی "انقلاب اسلامی" آسبل شکایت میکنند ولی دادستانی وارگانهای دیگر دولتی از ترس خشم انقلابی روستایان بی زمین جرات یا سخگوشی به زمینداران را ندارند. بدین ترتیب روستایان آگاه و مبارز "کمانگر کلا" یکبار دیگر با اقدام انقلابی خودشان نشان میدهند که اگر چه زمینداران مورد پشتیبانی ارگانهای دولتی از قبیل انجمن اسلامی، هیات ۷ نفره، "سپاه پاسداران" و... قرار دارند اما وقتی در مقابل قدرت متحد و یکپارچه روستایان بی زمین قرار، میگیرند ناچار از عقب نشینی میشوند.

به نقل از "فریاد زحمتکشان روستا" شماره ۱



بقیه از صفحه ۴ نگاهی...

البته عملکردهای غلط و انحرافی کانون نتوانست موجب جذب اینعده گردیده و حقانیت خود را بداند ثابت کند.

نقش کانون در کسب حقوق کارگران

عملکرد یک اتحادیه را میتوان به دو بخش تقسیم نمود: گاه در محدوده دفاع از حقوق یک یا چند کارگر و گاه احداث کارگاه کارگران یک کارخانه باقی میماند و گاه بمنظور کسب حقوق کارگران در سطح وسیعی، صورت میگیرد. یک بخش از عملکردهای اتحادیه جنبه تدافعی دارد و از حقوق کارگران در مقابل تهاجم کارفرما دفاع میکند بخش دیگر جنبه تعرضی و تهاجمی دارد که بستگی به شرایط کارخانه دارد (شدت بحران، اعتصابات انقلابی، موقعیت انقلابی و...) البته وظیفه اتحادیه است که مبارزات بخش اول را بصورت مبارزات نوع دوم ارتقاء دهد.

در شرایط بعد از قیام از زمینه مبارزات جمعی و تهاجمی طبقه کارگر وجود دارد، اما غالباً خود را بشکل تک جوشه ای نظیر مبارزه متشکل ۴۰ کارخانه در گیلان در سال گذشته، بروزی می دهد این بخاطر توهمی است که بعد از قیام در دهمن کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمده بود. اما نیروهای متزلزلی که جنبه تدافعی و عقب نشینی طبقه کارگر را عمده می کنند، قادر نخواهند بود در صورت فراهم شدن زمینه یک حرکت تهاجمی آنرا سازمان دهند بعنوان مثال سال گذشته هنگامیکه مبارزات کارگران برای کسب سود ویژه در همه جا اوج میگرفت، رهبری کانون که در دست نیروهای متزلزلی بود، در خواب خرگوشی فرو رفته بود.

بنابراین عملکردهای کانون را در عملکردهای پراکنده بخش اول میتوان خلاصه کرد که آنها بصورت بی برنام، ناپیگیرانه و مصلحت طلبانه بود. اگرچه در جلسات عمومی کانون با رها به وسیله عناصر انقلابی مطرح میگردد که: کانون میبایست موضع فعالی نسبت به مبارزات کارگران در کارخانه تداشته باشد یا مثلاً به کارگران اعتصابی رهنمود دهد، یا بدتجارب کارگران کارخانه تهاجمی را به کارگران انتقال یابد و... ولی هیئت مدیره محافظه کار و مصلحت جوی کانون به بهانه اینکه خواهند گفت کانون باعث اعتصابات شده و آنرا تعطیل خواهند کرد! از زیر مسئولیت خویش شانه خالی میکرد.

بطور کلی با بدگفت که اگرچه اما ترکیب کانون بصورت منطقه ای (بجای اینکه به اتحادیه - هایی بر حسب رشته های صنعتی تبدیل شود) مانع بزرگی بر سر راه پیشبرد امر مبارزه در کانون بود، و اگرچه تجمع کارگران در کانون،

ارضا پدید آمدن آنها با یکدیگر و دفاع بر - اکنده کانون از مبارزات کارگران ایجاد چندشورا و شرکت در چند حرکت اعتراضی، تا شایعات مثبتی بودند که کانون بر مبارزات طبقه کارگر بجا میگذشت، ولی با این وجود، غلبه مشی انفعالی و مصلحت طلبانه بر رهبری کانون باعث شد که کارگران از کسب تجربیات ارزش و پیشبرد چشمگیر مبارزاتشان، محروم گردند. این مسئله بار دیگر اهمیت نقش رهبری را در مبارزات طبقه کارگر، بنمایش میگذارد. و نشان میدهد که مبارزات این طبقه تا به آخر انقلابی اگر از رهبری انقلابی و واقعی خویش برخوردار نباشد نتیجه ای جز شکست نخواهد داشت.

حال به بررسی عملکردهای کانون در سه جنبه اساسی آن میپردازیم:

۱- حرکت از بالا، نگرش غیر توده ای

و ناپیگیری در کارها

حرکت از بالا و نتیجه دید غیر توده ای، دیدگاه غالب بر کانون بود. عدم همکاری نمایندگان کانون در تبلیغ اهداف کانون و ایجاد پیوند مستحکم با توده کارگران، موجب توده گیر نشدن فعالیت کانون میگردد. زمانیکه نمایندگان کانون حاضر به همکاری با یکدیگر نمی شوند، با بدفکران انجام شیوه های بودکده وسیله آنها بتوان آنرا هدایت کانون را بر میان کارگران برد، با آنها نزدیک شدن نشان داد که کانون یک تشکیلات خودی است و برای تحکیم اتحاد کارگران با بدفکران حمایت کرد. اما هیئت مدیره نسبت به این مسئله بی توجه ماند.

ذکر یک نمونه نشان میدهد که چگونه کانون میتواند در توده ها نفوذ کند: بعد از فروردین ۵۹ مسئله تدوین قانون کار مسئله روز شده بود و وزارت کار برای عوام فریبی مسئله مشارکت کارگران در تدوین قانون کار را عنوان کرده بود. کانون هم این مسئله را درستوار کار قرار داد و برای جمع آوری نظرات و پیشنهادات کارگران در این مورد اقدام به تهیه و پخش فرمی در میان کارگران کارخانه تهاجمی نمود که در ضمن جنبه آگاهی دهنده نیز داشت. همچنین از هر کارخانه نماینده ای انتخاب شد که پیرامون مسائل مربوط به قانون کار برای کارگران خود توضیح داده و مسئله را تشریح نماید. بدین ترتیب ارتباط مستقیمی بین کانون و کارگران برقرار شد و کارگران از این عمل استقبال خوبی کردند. اما دیدگاه انحرافی حاکم در رهبری کانون قادر به درک اهمیت چنین شیوه ای نبود و لذا ناپیگیری خود را نشان داد. و پس از چندین مسئله بدست فراموشی سپرده شد. این امر تا شایع منفری بر روی کارگران باقی گذاشت. آنها که با شوق و ذوق فرم را پر کرده بودند، سؤال می کردند: "پس چی شد؟" و طبیعتاً بیاد کارهای فراموشی وزارت کار می افتادند.

۲- کم بهادادن به مبارزات اقتصادی و دنباله روی از سیاستهای بورژوازی

اتحادیه کارگری تیلور مبارزات خود به - خودی کارگران است که همواره از کانون مبارزه اقتصادی آنان میگردد، و در واقع واکنشی است که کارگران بر اثر فشار سرمایه داران و افزایش شدت استثمار، از خود نشان میدهند. تشکیلاتی که بدین ترتیب بوجود میاید و محور آن مبارزات اقتصادی است، مسائلی سیاسی در آنها جنبه ثانوی بخود میگیرد. البته با رشد مبارزه طبقاتی زمانی فرا خواهد رسید که محور اقتصادی به سیاسی و اشکال عالیتر مبارزه ارتقا یابد اما نباید اتحادیه های کارگری بولیوی که چند ماه پیش مسلحانه در مقابل کودتای آمریکا در کشورشان، ایستادگی کردند.

اوضاع کشور ما امروزه به گونه ای دیگر است. اولاً مبارزات کارگران عمدتاً اقتصادی است و ثانیا مبارزات سیاسی کارگران با دید به پیروی از مضمین انقلابی بوده و نباید دنباله روی سیاستهای بورژوازی باشد. حتی در شرایط نظیر اوضاع حاکم بولیوی هم که مبارزات کارگران ارتقا میابد، بدون اعمال رهبری انقلابی مبارزات مسلحانه کارگران نمیتوانند به پیروزی برسند. بنا بر این بهادادن به مبارزات اقتصادی در شرایط مشخص ایران از طرفی و کارگران را به دنبال سیاستهای بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم انداختن (توسط رهبری کانون) از طرف دیگر چنان کرد که موجب سلب اعتماد کارگران نسبت به کانون از یک سو و ایجاد تشویش فکری کارگران در مورد مسائل سیاسی از سوی دیگر گردید. کارگزارانی که درک نادرست کانون از مسائل اقتصادی ایشان و بی توجهی آنرا نسبت به این مسائل می دیدند، کم از دور کانون پراکنده شدند و حتی بسیاری از نمایندگان نیز دیگر در جلسه کانون شرکت نمیکردند.

۳- عدم وجود تشکیلات لازم

و حرکت خود بخودی کانون

یکی دیگر از خصیصه های بارز کانون بی برنامگی آن بود که یکی از نتایج بوجود آمدن و ردن تشکیلات لازم برای هدایت حرکتش بود. با نظر افکندن به جلسات عمومی کانون که جز اتلاف وقت، انجام بحثهای پراکنده و غیر ضروری و خسته کردن شرکت کنندگان شمری نداشت، بروشنی به عمق این بی برنامگی می میریم. جلساتی که میبایست موجب جذب هر چه بیشتر کارگران به کانون میشدند، نتیجه ای معکوس بر جای میگذاشتند، و این در حالی است که حتی بورژوازی در جلسات ضد کارگری خود می تواند تا حدی کارگران نا آگاه را جذب کند.

حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کانون شوراهای شرق تهران را بیان میکنیم:

بقیه در صفحه ۲۹



بقیه از صفحه ۳ اجتماع ...

بمعده کفیل وزارت نفت (سادات) خواهد بود. در قسمتی از قطعنامه چنین آمده است: "ما کارکنان و صنعت نفت آبادان و خونیین شهر مستقر در شیراز با تفاق نما بندگان شورای سراسری و به نمایندگی از طرف کلیه کارکنان جنگزده مستقر در شهرهای اصفهان، ما شهر، تهران، بوشهر، راک و ... اعلام میداریم که تجمع یکپارچه امروز ما در ادراه پیش شیراز هشاری خواهد بود به شما (کفیل وزارت نفت) و سایر مسئولین که هر چه زود تر جهت آزاد نمودن همزمین زندانی ما و تحقق سایر خواسته های برحق ما حرکت کنید".

۱- آزادی بی قید و شرط و هر چه سریعتر کارکنان زندانی و رفع توقیف از سایر کارکنان جلب شده.

۲- معذرت خواهی از کارکنان جنگزده به خاطر حمله و توهین هایی که در این مدت به جنگ زندگان شده است.

۳- اجرای فوری و سریع خواسته های ماهه ای مندرج در قطعنامه مورخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ کارکنان مبارز!

تجمع کارکنان شیراز و نمایندگان شورای سراسری به حمایت از نمایندگان زندانی مشت محکمی بود. بردها رژیم که قصد داشت با دستگیری نمایندگان به خیال خام خود، رعب و وحشت در دل کارکنان ایجاد کرده و آنها را پراکنده سازد.

کارکنان صنعت نفت عموماً و کارکنان جنگزده آبادان و خرمشهر خصوصاً از مبارزات دو ساله گذشته در سهای گرانبهای آموخته اند. آموخته اند که در رژیمهای سرمایه داری همچون رژیم جمهوری اسلامی هیچ سلاحی جز حرکت آگاهانه، متشکل، یکپارچه و سازمان یافته قادر به تحقق اهداف منفی - سیاسی کارگران نمیشاند. بنابراین همچنان که یکی از نمایندگان آگاه و بدرستی اشاره کرده است آنجا که اتحاد و یکپارچگی و حرکت متشکل سازمان یافته شما ضامن آزادی نمایندگان و دست یافتن به سایر خواسته های ما میباشند.

۱- با تشکیل اجتماعات هر چه مستمتر و گسترده تر و افشای سیاستهای حال و آینده رژیم در قبایل توده های کارگری بویژه کارکنان جنگزده صنعت نفت در هر چه متشکل کردن و سازماندهی حرکتی اعتراضی تلاش کنید.

۲- در جلب حمایت شورا های کارکنان شاغل بویژه کارکنان شاغل صنعت نفت و سایر

یک خبر از قائم شهر

قرار است ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه شماره یک نساجی را بتدریج تا عید بازنشسته کنند. طبق "قانون" میبایست به هر کارگری که بازنشسته میشود به ازای هر سال کار ۱۵ روز پاداش پایان خدمت بدهند. اما رژیم قصد دارد همین "قانون" را زیر پا گذاشته و به هر کارگر فقط ۳ ماه پاداش بدهد (کارگری که ۳۰ سال کار کرده طبق قانون میبایست ۱۵ ماه پاداش بگیرد). روز ۱۰/۲۹ حدود ۵۰ نفر را بازنشسته میکنند. کارگران که به تصمیم ضد کارگری رژیم اعتراض دارند مطمئن هستند که در صورتیکه بخواهند طرح مذکور را اجرا کنند بسرکارها زگردیده و از بازنشسته شدن بقیه کارگران جلوگیری کنند.

بقیه از صفحه ۲۸ نگاهی ...

حال بطور خلاصه و محوری ضعفها و انحرافات حاکم بر کارکنان شورا های شرق تهران را بیان میکنم:

۱- عدم شناخت رهبری کارکنان از ماهیت و وظایف اتحادیه های کارگری و عدم توجه به این مسئله که کارکنان یک اتحادیه منطقه ایست و میبایست در جهت تبدیل آن به اتحادیه های رشته - ای تلاش نمود.

۲- حاکمیت دیدگاه های راست بر کارکنان و در نتیجه ناپیگیری، محافظه کاری و مصلحت گرایی که بشکل با رزی در اعمال کارکنان خود را نشان میدهد.

۳- دید غیر توده ای و حرکت از بالا که نه تنها منجر به محروم شدن کارکنان از حمایت توده ها گردید، بلکه جو غیر دمکراتیکی را در کارکنان بوجود آورده بود که باعث بدبینی و عدم اعتماد نمایندگان و عناصر مبارز نسبت به این تشکل میگردد (مانند تصمیم گیری های خودسرانه و شرکت ندادن سایرین در این تصمیم گیریها، توسط عناصر مسلط بر کارکنان).

۴- ضعف تشکلیاتی و عدم وجود سازماندهی مناسب برای پیشبرد هر چه بیشتر مبارزه و بطور کلی حاکمیت بی برنامگی بر کارکنان.

۵- بی توجهی به مسائل اقتصادی و داشتن کارگران به دنبال روی اسیاستهای بورژوازی حاکم بر جامعه. پایان

شورا های جنگ زده در هر منطقه برای آزادی نمایندگان فعلاً تلاش نماید.

۳- با افشا و طرد نمایندگان سازشکاری که سعی در کند کردن و بیابانه انحراف کشیدن مبارزات کارکنان دارند و با جایگزینی نمایندگان آگاه و مبارز، در را دیکالیزه کردن شوراها جهت بیگیری خواسته ها و در راس آنها آزادی نمایندگان بکشید.

(بمنقل از "فریاد آوارگان" ۱۲ - کمیته خوزستان)

بقیه از صفحه ۳ کارگران ...

۳/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ بعد از ظهر میبایست در کارخانه باشند.

این دستور مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما که به منظور ارتقای صنایع و معادن هم رسیده است نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی و عوامل آن چگونه سعی دارند با توجه به احتیاج کارگران، آنها را بیشتر استیضا رکنند. بدنبال این اعلامیه تمام کارگران در ساعت ده صبح همین روز دست از کار کشیدند و به مخالفت با آن بلند شویم آنها میگویند ما اضافه حقوق میخواهیم اینها به ما اضافه کاری میدهند تا زاکر ما اضافه کاری کنیم زحمت میکشیم و حقوق خودمان را نمیگیریم در صورتیکه ما خواهان اضافه حقوق هستیم. حقوق ما کم است و مخارج زندگی بالاست و تا زه شب عید هم نزدیک است، ما خودمان هیچی، ولی باید برای بچه ها بیمان لباس و کفش ... تهیه کنیم. این حقوق ما خرج ده (۱۰) روز ما را هم کفاف نمیکند چه بپردازیم دیگر. آخر مگر ما انقلاب کردیم که اینطور بدتر ما برسند اگر ما زکوره در بروریم هیچکس جلودار ما نخواهد شد. چند تن از کارگران میگفتند اگر ما اتحاد داشتیم همان روز اول حقمان را گرفته بودیم، حیف که اتحادی بین ماها نیست اما مدیریت و شورای ضد کارگری کارخانه ما، بلافاصله دست به کار توطئه شکستن اعتماد با شدند، آنها توسط نماز جماعت ظهر که تعداد حدود صد و پنجاه نفر در آن شرکت داشتند بین کارگران نفاق انداختند آنها میگفتند که شما بعد از زمان زتان بروید سر کارتان چونکه دولت دستور داده به هیچ وجه اضافه حقوق پرداخت نشود، و از این جور حرفها، تا اینکه بالاخره این برادران ما را فریب داده و آنها بعد از زمان زب سر کار خود رفتند، مگر چه کارگران دیگر به آنها اعتراض میکردند، روز سه - شنبه هم تعداد حدود پنجاه در صد کارگران برای اضافه کاری از ساعت ۳/۵ بعد از ظهر تا ۶ بعد از ظهر ایستادند. و متأسفانه با دیگر عدم اتحاد و تشکل ما کارگران و ناآگاهی گروهی از میان ما، باعث شکست مبارزه برحقمان شد. مگر چه فرباد چنین نخواهد بود و بزودی سیل خروشان کارگران، تمامی این خائنین و دشمنان طبقه کارگر را درهم خواهد کوبید.

دوستان کارگر!
ما کارگران کارخانه لیلاند موتورز، تنها با اتحاد و تشکل خود و با آگاهی به توطئه های مدیریت و شورای فلابی و انجمن اسلامی که بر علیه منافع ما انجام میدهند، میتوانیم مقابل آنها کنیم.
شورای واقعی ایجاد بگذرد
انجمن اسلامی این چشم گوش
حزب جمهوری منحل بای بگذرد.

ما کارگران کارخانه لیلاند موتورز، تنها با اتحاد و تشکل خود و با آگاهی به توطئه های مدیریت و شورای فلابی و انجمن اسلامی که بر علیه منافع ما انجام میدهند، میتوانیم مقابل آنها کنیم.

شورای واقعی ایجاد بگذرد
انجمن اسلامی این چشم گوش
حزب جمهوری منحل بای بگذرد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

ملاحظات کوتاه

کاپیتولاسیون مکتبی!

تعجب نکنید، این هم یک جورش است! کاپیتولاسیون یا حق قضا و کنسولی، به استیلاج کشورهای امپریالیستی در ایران معافیت قانونی میداد بطوریکه اگر آنها جنایتی می کردند قانون ایران نمی توانست آنها را محاکمه کند، از دوره قاجار به بگیرتا قیام بهمن، کاپیتولاسیون به شکل مختلف درآمد. دردوره رژیم کنونی هم ابتدا روحانیت برای خودش دادگاه ویژه معممین را داد برکردوکا پیتولاسیون خاص خودش را برآورد. این او خرم دولت مکتبی رجائی کاپیتولاسیون ویژه خودش را در مورد گروگانها برکرد. برای مثال یکی از گروگانهای جاسوس آمریکا شای با اینکه مشخصا به یک جنایت ناموسی "آلوده بود" روابطنا مشروعش با یک دختر در هفته های اول پس از گروگانگیری موجب قتل آن دختر بیسلیله برادرش گردید، بدون محاکمه و در واقع با استفاده از یک حقه ویژه کاپیتولاسیون، ایران را ترک نمود. گنجد. این قضیه چنان بالا است که شام هر کسی را که در این فضا نفس میکشد میازاردا ما بهزادنبوی در برینا میآورد بریز تلویزیونی اش که پس از "ول کردن" گروگانها، اجرا کرد در پاسخ به سوال یک بیننده تلویزیون که در همین رابطه سؤال می کرده بود، در مانده که بگوید ناگزیر "جهالت" خود را به میان کشید و گفت من اینرا نمیدانم! در مورد دولت "نماینده مستضعفین" و حافظ "نوا میس امت" بزبان سندی با بدگفت: تو براوج فلک چه دانی چیست؟

که "ندانی" که در سرایت کیست،

آمریکائی های "ناسپاس"!

الحق که این آمریکا شیبا ناسپاس است! ما کما ملا بهزادنبوی وزیر مشاور دولت حقوق میدهیم که میگوید: "آمریکا شیبا معنی محبت را (هم) نمی فهمند" (کیهان ۵ بهمن) آخر ناسلامتی آنها چاره ما هدر جانی چون کاخ زندگی کرده اند و از هر نوع پذیرائی و محبت برخوردار بوده اند بطوریکه بقول آقای نبوی، اگر سرای ملت ایران چنان زندگی ای فراهم میشد دلش میخواست برای همیشه گروگان دانشجویان بیرو خط اما ما باشد (!) آخر جقدر آمریکا شیبا باسد ناسپاس باشند که خدماتی شایسته دولت فسد امپریالیست "اراج نکذارند. دیگر چه میخواهد؟ گروگانها را که پس گرفتند، اموال شاه را که ندادند، بولهای خود ایران را هم که شند رازش

کمکهای مالی دریافت شده

تهران: ۳۷۵۰ الف	تهران: ۳۷۵۰ الف	تهران: ۳۷۵۰ الف	تهران: ۳۷۵۰ الف
ب ۱۰۰۰۰	ب ۱۰۰۰۰	ب ۱۰۰۰۰	ب ۱۰۰۰۰
ک ۱۲۰۰۰	ک ۱۲۰۰۰	ک ۱۲۰۰۰	ک ۱۲۰۰۰
س ۲۰۰۰۰	س ۲۰۰۰۰	س ۲۰۰۰۰	س ۲۰۰۰۰
ت ۳۰۰۰۰	ت ۳۰۰۰۰	ت ۳۰۰۰۰	ت ۳۰۰۰۰
ث ۴۰۰۰۰	ث ۴۰۰۰۰	ث ۴۰۰۰۰	ث ۴۰۰۰۰
ج ۵۰۰۰۰	ج ۵۰۰۰۰	ج ۵۰۰۰۰	ج ۵۰۰۰۰
ح ۶۰۰۰۰	ح ۶۰۰۰۰	ح ۶۰۰۰۰	ح ۶۰۰۰۰
ط ۷۰۰۰۰	ط ۷۰۰۰۰	ط ۷۰۰۰۰	ط ۷۰۰۰۰
ظ ۸۰۰۰۰	ظ ۸۰۰۰۰	ظ ۸۰۰۰۰	ظ ۸۰۰۰۰
ف ۹۰۰۰۰	ف ۹۰۰۰۰	ف ۹۰۰۰۰	ف ۹۰۰۰۰
ق ۱۰۰۰۰۰	ق ۱۰۰۰۰۰	ق ۱۰۰۰۰۰	ق ۱۰۰۰۰۰
ک ۱۱۰۰۰۰	ک ۱۱۰۰۰۰	ک ۱۱۰۰۰۰	ک ۱۱۰۰۰۰
خ ۱۲۰۰۰۰	خ ۱۲۰۰۰۰	خ ۱۲۰۰۰۰	خ ۱۲۰۰۰۰
د ۱۳۰۰۰۰	د ۱۳۰۰۰۰	د ۱۳۰۰۰۰	د ۱۳۰۰۰۰
ر ۱۴۰۰۰۰	ر ۱۴۰۰۰۰	ر ۱۴۰۰۰۰	ر ۱۴۰۰۰۰
ز ۱۵۰۰۰۰	ز ۱۵۰۰۰۰	ز ۱۵۰۰۰۰	ز ۱۵۰۰۰۰
س ۱۶۰۰۰۰	س ۱۶۰۰۰۰	س ۱۶۰۰۰۰	س ۱۶۰۰۰۰
ه ۱۷۰۰۰۰	ه ۱۷۰۰۰۰	ه ۱۷۰۰۰۰	ه ۱۷۰۰۰۰
و ۱۸۰۰۰۰	و ۱۸۰۰۰۰	و ۱۸۰۰۰۰	و ۱۸۰۰۰۰
ز ۱۹۰۰۰۰	ز ۱۹۰۰۰۰	ز ۱۹۰۰۰۰	ز ۱۹۰۰۰۰
ح ۲۰۰۰۰۰	ح ۲۰۰۰۰۰	ح ۲۰۰۰۰۰	ح ۲۰۰۰۰۰
ط ۲۱۰۰۰۰	ط ۲۱۰۰۰۰	ط ۲۱۰۰۰۰	ط ۲۱۰۰۰۰
ظ ۲۲۰۰۰۰	ظ ۲۲۰۰۰۰	ظ ۲۲۰۰۰۰	ظ ۲۲۰۰۰۰
ف ۲۳۰۰۰۰	ف ۲۳۰۰۰۰	ف ۲۳۰۰۰۰	ف ۲۳۰۰۰۰
ق ۲۴۰۰۰۰	ق ۲۴۰۰۰۰	ق ۲۴۰۰۰۰	ق ۲۴۰۰۰۰
ک ۲۵۰۰۰۰	ک ۲۵۰۰۰۰	ک ۲۵۰۰۰۰	ک ۲۵۰۰۰۰
خ ۲۶۰۰۰۰	خ ۲۶۰۰۰۰	خ ۲۶۰۰۰۰	خ ۲۶۰۰۰۰
د ۲۷۰۰۰۰	د ۲۷۰۰۰۰	د ۲۷۰۰۰۰	د ۲۷۰۰۰۰
ر ۲۸۰۰۰۰	ر ۲۸۰۰۰۰	ر ۲۸۰۰۰۰	ر ۲۸۰۰۰۰
ز ۲۹۰۰۰۰	ز ۲۹۰۰۰۰	ز ۲۹۰۰۰۰	ز ۲۹۰۰۰۰
س ۳۰۰۰۰۰	س ۳۰۰۰۰۰	س ۳۰۰۰۰۰	س ۳۰۰۰۰۰
ه ۳۱۰۰۰۰	ه ۳۱۰۰۰۰	ه ۳۱۰۰۰۰	ه ۳۱۰۰۰۰
و ۳۲۰۰۰۰	و ۳۲۰۰۰۰	و ۳۲۰۰۰۰	و ۳۲۰۰۰۰
ز ۳۳۰۰۰۰	ز ۳۳۰۰۰۰	ز ۳۳۰۰۰۰	ز ۳۳۰۰۰۰
ح ۳۴۰۰۰۰	ح ۳۴۰۰۰۰	ح ۳۴۰۰۰۰	ح ۳۴۰۰۰۰
ط ۳۵۰۰۰۰	ط ۳۵۰۰۰۰	ط ۳۵۰۰۰۰	ط ۳۵۰۰۰۰
ظ ۳۶۰۰۰۰	ظ ۳۶۰۰۰۰	ظ ۳۶۰۰۰۰	ظ ۳۶۰۰۰۰
ف ۳۷۰۰۰۰	ف ۳۷۰۰۰۰	ف ۳۷۰۰۰۰	ف ۳۷۰۰۰۰
ق ۳۸۰۰۰۰	ق ۳۸۰۰۰۰	ق ۳۸۰۰۰۰	ق ۳۸۰۰۰۰
ک ۳۹۰۰۰۰	ک ۳۹۰۰۰۰	ک ۳۹۰۰۰۰	ک ۳۹۰۰۰۰
خ ۴۰۰۰۰۰	خ ۴۰۰۰۰۰	خ ۴۰۰۰۰۰	خ ۴۰۰۰۰۰
د ۴۱۰۰۰۰	د ۴۱۰۰۰۰	د ۴۱۰۰۰۰	د ۴۱۰۰۰۰
ر ۴۲۰۰۰۰	ر ۴۲۰۰۰۰	ر ۴۲۰۰۰۰	ر ۴۲۰۰۰۰
ز ۴۳۰۰۰۰	ز ۴۳۰۰۰۰	ز ۴۳۰۰۰۰	ز ۴۳۰۰۰۰
س ۴۴۰۰۰۰	س ۴۴۰۰۰۰	س ۴۴۰۰۰۰	س ۴۴۰۰۰۰
ه ۴۵۰۰۰۰	ه ۴۵۰۰۰۰	ه ۴۵۰۰۰۰	ه ۴۵۰۰۰۰
و ۴۶۰۰۰۰	و ۴۶۰۰۰۰	و ۴۶۰۰۰۰	و ۴۶۰۰۰۰
ز ۴۷۰۰۰۰	ز ۴۷۰۰۰۰	ز ۴۷۰۰۰۰	ز ۴۷۰۰۰۰
ح ۴۸۰۰۰۰	ح ۴۸۰۰۰۰	ح ۴۸۰۰۰۰	ح ۴۸۰۰۰۰
ط ۴۹۰۰۰۰	ط ۴۹۰۰۰۰	ط ۴۹۰۰۰۰	ط ۴۹۰۰۰۰
ظ ۵۰۰۰۰۰	ظ ۵۰۰۰۰۰	ظ ۵۰۰۰۰۰	ظ ۵۰۰۰۰۰



خاطره رفیق شهید محبوبه متحذین گرامی باد!

تولد در سال ۱۳۲۸ در تهران
 دانشجوی دانشکده هنرهای تشریفاتی
 دستگیری در سال ۱۳۵۲، بعطت فعالیت سیاسی - فرهنگی
 پس از چهار ماه آزاد شده و به همراه همسر و هموزمتر رفیق شهید حسن آلابوش در ارتقا با سازمان مجاهدین خلق ایران قرار گرفت
 قبل از فعالیت در متمن بخش منشعب شده ما رگسیم - لتینتیم دست یافت
 در خانه گردیهای ساواک در سال ۵۳، هشیارانه و با صداقت انقلابی در تهیه مکانیات داده فعالیت سازمان به انجام فعالیتهای تشکیلاتی می پرداخت
 در روزهای بحرانی سال ۵۵ در زیر شدیدترین فشارهای پلیسی با تلاش خستگی ناپذیر با عشق به آرمانهای طبقه کارگر و در راه انقلاب دمکراتیک فدا میریالیستی خلقهای ایران جانفشانی میکرد
 در روز ۱۸ بهمن ۵۵ در حوالی "دروازه شمیران در محاصره دژ خمیان رژیم شاه افتاد و با گلوله های آمریکا شئی جلادان ساواک به شهادت رسید
 یادش گرامی و آرمانش جاوید باد!

بقیه از صفحه ۲۷ زحمتکشان...

داشنا کها همچینن میخواستند شورای خلیفه گری ارتجاعی تحت سلطه خود را نماینده اقلیت ارمنی ایران جا بزندان حال آنکه توده های زحمتکش ارمنی بردوروشی و مشاطه گری این دارودسته از ارتجاع حاکمی برده و میداندند که دا شنا کها و شورای خلیفه گری، زحمتکشان ارمنی را وجه - الممالحه خود را رژیم ضد خلقی حاکم قرار داده اند، رژیم جمهوری اسلامی نیز با بخش برنامہ - هائی همچون برنامہ سوم، ژانویه میخواستند سوشی خود را رژیم دمکراتیک که حقوق اقلیتها را نیز رعایت میکند، جا بزندان زسوی دیگر سا اتکاء به احساسات مذهبی زحمتکشان ارمنی آنها را از توده های زحمتکش ایران جدا کرده و مبارزات سیاسی - اقتصادی متحد آنها با دیگر زحمتکشان را منحرف سازد، بعلاوه رژیم جمهوری اسلامی با تقویت دارودسته های ارتجاعی نظیر حزب دا شنا کها و شورای خلیفه گری به سرکوب زحمتکشان آگاه و انقلابیون ارمنی پرداخته است.

توضیح و پیوزش

در پیکار ۹۱، صفحه ۵ خبر مربوط به عملیات پیشمرگان نیکو در مهاباد با دنا تمام چاپ شده که بدینوسیله خبر مزبور را تکمیل میکنیم:

"... و سلاحهای سبک ضرباتی بر نیروهای سوکوبگر رژیم ضد خلقی وارد آوردند، از خسارات و تلفات وارده بر نیروهای دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست، تمام پیشمرگان با روحیه عالی و سرشار از شور مبارزاتی به سلامت به پایگاه خود بازگشتند.

تصحیح و پیوزش از رفقای اهواز شیراز:

در پیکار ۹۱ در ستون کمکهای مالی دزفول ۱۵ کد آخر مربوط به رفقای اهواز میباید ششم - چنین ۳ کد آخر در ستون کمکهای مالی اهواز مربوط به رفقای شیراز میباید شش - بدینوسیله ضمن پیوزش تصحیح میگردد.

بنی صدر پاسدار دیکتاتوری و سرمایه داری است

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

آزادی گروگانها و کوس رسوایی رژیم

لیبرالها که امروز در موضع ضعف قرار گرفته‌اند، می‌توانند با مقابله فعال با حزبها و سوار شدن بر جنبش توده‌ها به سهم بیشتری از قدرت برسند. لیکن بنی صدر در افقها در هفته گذشته جلوه روشنی از سیاستها و عوام - فریبی های بسیار برای طیب مردم و سوار شدن بر جنبش آنان بود. بنی صدر که خود در رأس لیبرالهای خائن و در کنار حزبها و مکتوب جنین خلق و حقوق دمکراتیک توده‌ها پرداخته و با تمام قوا به آزادی سرمایه داری گسیخته حاکم و تحکیم مناسبات با امیرالیم دست زده است، در سخنان خود مزورانه خوبی را طرفدار دیکتوتوری بنیادی و آزادی برای مردم و مخالف استبداد نشان می‌دهد. بنی صدر این لیبرال رویاهفت می‌کوشد تا با طرح نارفایستی های مردم فقط حزب را مقصود واقع فلاکت بار توده‌ها نشان داده و چهره زشت خود را نزد مردم رسوا جلوه دهد و توده‌ها را به دنبال خود بکشد.

بنی صدر خائنه دیکتاتور بیولتاریا در شوری را "استبداد استالین جلوه داده و این "استبداد" را مترادف "استبداد رضاخانی" و "استبداد حزبها" قرار می‌دهد و سپس می‌گوید نتیجه همه آنها "فقر و تباهی و عقب ماندگی ملتهاست". او می‌گوید: "به عنوان رئیس جمهوری خود را پاسدار آزادیها و "پاسدار استقلال" می - دانم (انقلاب اسلامی ۸۷ بهمن). هدف بنی صدر روشن است. او می‌کوشد تا با ضدیت علیه کمونیسم و سوسیالیسم و با مخالفت با "استبداد حزبها" خود را فرشته آزادی نشان داده و توده‌ها را با راکه آزادیگناتوری طبقاتی موجودیسه تنک آمده اند بسوی خود بکشد. ولی مگر می - توان این حقیقت انقلابی را یونانندکند - دیکتاتور بیولتاریا در شوری زمان لندن و استالین کاملترین نوع دمکراسی بود؟ مگر می توان این حقیقت انقلابی را یونانندکند - دیکتاتور بیولتاریا در شوری دیکتاتور بیولتاریا علیه سرمایه داران مرتجعین و امیرالیمتها بود و آزادی برای کارگران و زمینکنان؟ مگر می توان این حقیقت را یونانندکند که استبداد رضاخانی، محمد رضاخانی و جمهوری اسلامی در خدمت امیرالیمتها و سرمایه داری و بر علیه توده‌ها و

انتخابات است؟ مگر می توان این حقیقت را یونانندکند که استبداد رضاخانی از دیکتاتور بیولتاریا است که لیبرالهای خائن نیز جزو آن هستند؟ چه کسی میتواند جنبه‌های آزادیگناتوری اسلامی و سیزدان غرقه در خون لیبرالها و در رأس آن بنی صدر را فرا بپوش کند؟ مگر بنی صدر نبود که در سرکوب و کشتار توده‌خسای دلاور، کمونیستها و سایر انقلابیون در کردستان، ترکمن صحرا و در سایر ایران دست داشتند؟ آری بنی صدر تنها می‌تواند کشتارهای رژیم خائن جمهوری اسلامی شرکت داشته و هرگز نمی‌تواند مدافع آزادی و دمکراسی باشد. بنی صدر خواهان آنست که فشار حزب سر روی لیبرالها کاهش یابد، والا! و هرگز خواهان آزادی برای توده‌ها نمی‌باشد. منظور او از آزادی، آزادی برای لیبرالهاست، نه آزادی برای توده‌ها.

بنی صدر در سخنرانی خود می‌گوید: "آن رژیم که در دنیا طرفدار مستضعفان باشد، خواهان دمکراسی است. نظام اجتماعی میشود، یک امتداد بود و امتداد را کوچک به مردم محروم دادن که قتل، جبر، ازارت، بزه، فاجعه، کالایا بدون برداخت بول و صرف کشنده است. سیاست مجانی سرود، اینها چیزهایی نیستند که معنایش تغییر نظام اجتماعی باشد، اینها نیز برای مردم فریبی است... آنچه انقلاب استبداد است تغییر بنیادهای اجتماعی ما مگر می‌تواند استبداد گسترده در این کشور جانی برای مستضعفان نشاند." (همانجا)

ببینید عوام مفریبنی بنی صدر می‌تواند طبقه کارگر و توده‌های آگاه ما هیچگاه مفریبنی نخواهند کرد که همین لیبرالها در سرتاسر امیرالیم، قیام را متوقف کرده و از سقوط و فروپاشی نظام منحن سرمایه داری وابسته جلوگیری نمودند. کسی خواهان دیکتوتوری نظام اجتماعی است که خواهان انقلاب و درهم شکستن ماشین دولتی باشد، مگر لیبرالها و از جمله بنی صدر نبودند که از تحقق انقلاب جلوگیری کردند و ارتش و پلیس شاهنشاهی را از زیر ضربات نابودکننده خلق در امان نگه داشتند؟ مگر همین لیبرالها نبودند که به دفاع از سیستم سرمایه داری بلند شدند؟ مگر همین لیبرالها نبودند که خراشان نزدیکترین روابط با

هما نظور که هفته پیش نوشتیم با زی تمام تندو "انقلاب دوم جمهوری اسلامی" نشان در آمد رژیم جمهوری اسلامی بر از اینکه پیش از یکسال به حول گروگانگیری جاسوسان امریکایی تبلیغات مردم فریبنا نه خود را کرد، پس از اینکه طی یکسال کوشید تا با شعارهای دروغین امیرالیمستی خود جنبش توده‌ها را با تحسرات بکشد، اینک آنجنان را زها از برده بیرون افشاده که حتی خود رژیم هم دیگر رغبتی در برنده نگاه - داشتن مسئله سفارت از خود نشان نمی‌دهد. امیرالیمها که در این میان بازنده هستند - خربان سفارت گیری تا امروز اکثر مواضع اصلی خود در قدرت را بضع حزبها از دست داده‌اند، در حالیکه آزادی جاسوسان خوشحال می‌باشند، اما "امتیازات حقیرانه‌ای را که بدست آمده بدرخ حرف می‌کشند و می‌گویند اگر جاسوسان را زودتر آزاد کرده بودیم - "امتیازات" بیشتری بدست می‌آمد و مناسبات سیاسی اقتصادی محکمتری با امیرالیمتها غریبی می‌توانستیم داشته باشیم.

لیکن حزبها که با انکار به گروگان گیری طی یک روند توانسته‌اند موضع مصلط را در دولت بدست آورده و استفاده‌های لازم را از این مسئله ببرند، می‌گویند: دیگر گروگانگیری به مسئله مرده‌ای تبدیل شده است و به مرده‌تبا بدجسب زدا نشوی سخنگوی دولت می‌گوید: "دولت موضع سختی قرار گرفته، مسئله گروگانها از نظر دولت خاتمه یافته است و اینرا تبدیل به یک مسئله جدید کردن آن، برای مصالح انقلاب کار درستی نیست." (انقلاب اسلامی ۸ بهمن)

آری آنقدر بیارزش با امریکا خفت یا رودر "تقدیر" امتیازات "بدست آمده حقیر و ناچیز" بود که آبروی دولت و حزبها از دست رفته و ستارهای حول بنی صدر دو باره این خفت - ها برای مصالح دولت مخفی و در پنهان کاره‌ری نیست!

درواقع هیچکدام از شرطهای ایران از جانب امیرالیم، امریکا پذیرفته نشده است. امریکا توبه‌نامه (۱۰) نکبت و نه بولهای ایران را بازگشت داد اگر چه رژیم امریکا تبلیغات نمود که امیرالیم امریکا تکلیف خود را تسکیم

مبارزه با امیرالیم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست